

# چکیده مقالات

## سومین همایش ملی نقش و جایگاه مادر

Ferdowsi University of Mashhad  
Faculty of Education and Psychology  
2 & 3 March 2019

دانشگاه فردوسی مشهد با همکاری  
بنیاد فرهنگی بین‌المللی مادر

۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۳۹۷

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### محورهای همایش:

- ✓ فرزند پروری
- ✓ مادر، فرزند و ارزش‌ها
- ✓ مادر، خانواده و مدرسه
- ✓ سلامت مادر
- ✓ کودک
- ✓ جامعه
- ✓ خانواده

### اعضای شورای سیاست‌گذاری:

- |                         |                         |                                    |
|-------------------------|-------------------------|------------------------------------|
| دکتر حسین کارشکی        | دکتر مجتبی کفاشان کاخکی | دکتر اعظم صنعت‌جو                  |
| دکتر سید امیر امین یزدی | دکتر علی مشهدی          | دکتر محمد جواد اصغری ابراهیم آبادی |
| مهندس غلامرضا محمدی     | دکتر حسن بهزادی         | دکتر مرتضی کرمی                    |

### دبیر علمی: دکتر سید امیر امین یزدی

### دبیر اجرایی: دکتر مجتبی کفاشان کاخکی

### اعضای کمیته علمی:

- |                                    |                      |                        |
|------------------------------------|----------------------|------------------------|
| دکتر محمد جواد اصغری ابراهیم آبادی | دکتر مهری پریخ       | دکتر زهره سپهری شاملو  |
| دکتر سید محسن اصغری نکاح           | دکتر مریم بردبار     | دکتر اعظم صنعت‌جو      |
| دکتر سید امیر امین یزدی            | دکتر پریسا موسوی     | دکتر جواد صالحی فدردی  |
| دکتر طاهره جاویدی کلاته جعفر آبادی | دکتر زهرا طبیبی      | دکتر حمیدرضا پوراعتماد |
| دکتر سکینه سلطانی کوهبنانی         | دکتر هما زنجانی زاده | دکتر حمید علیزاده      |
| دکتر مجتبی کفاشان کاخکی            | دکتر شهربانو عالی    | دکتر کارینه طهماسیان   |
| دکتر تقی ابراهیمی سالاری           | دکتر حسین کارشکی     | دکتر سعید رضایی        |
| دکتر محمدعلی مظاهری                | دکتر مرتضی کرمی      | دکتر آسیه اناری        |
| دکتر بابک شمشیری                   | فرشته مواتابی        | دکتر سید علی کیمیایی   |
| دکتر حبیب هادیان فر                | دکتر علی مشهدی       | دکتر علی اکبر سلیمانان |
| دکتر مسعود حسین چاری               | دکتر علی سعیدی       | دکتر احمد خامسان       |
| دکتر شهین علیائی                   | دکتر حسن بهزادی      | دکتر محمد خدایاری فرد  |
| دکتر ربابه رستمی                   | دکتر غلامعلی افروز   | دکتر الهه حجازی        |
| دکتر حسین کدخدا                    | دکتر احمد به پژوه    | دکتر منصوره حاج حسینی  |
| دکتر سید محسن فاطمی                |                      |                        |

### اعضای کمیته اجرایی:

- |                         |  |
|-------------------------|--|
| دکتر مجتبی کفاشان کاخکی | دبیر اجرایی همایش                          |
| سید محمد بینش           | مسئول دبیرخانه                             |
| غلامحسین نوعی           | مسئول روابط عمومی و جلب مشارکت‌های سازمانی |
| فاطمه جباری             | مسئول سایت                                 |
| نجمه رحیمی              | طراح و گرافیک                              |
| صادق باستانی            | عضو کمیته اجرایی                           |
| علیرضا دواتی            | مسئول پشتیبانی                             |
| رقیه برسلانی            | عضو کمیته اجرایی                           |

## به نام خدا

### مقدمه:

تحول انسان به عنوان اشرف مخلوقات فرایندی پیچیده از تعامل عوامل گوناگون زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی است که در نتیجه آن قابلیت های تفکر، زبان، خلاقیت، حل مساله، خودآگاهی و توانایی برقراری ارتباط صمیمی با انسان ها شکل می گیرد. بدیهی است میزان دستیابی به قابلیت های فوق تعیین کننده بهداشت روانی و چالش در هر کدام از آنها موجبات آسیب روانی و اجتماعی است. شاخص های توسعه یافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه سالم و پیشرفته، وابسته به وجود انسان هایی است که در فرایند تحول به قابلیت های خلاقیت، صمیمیت و تفکر منطقی دست یافته باشند.

بدیهی است نقش دوران اولیه زندگی در شکل گیری شخصیت بسیار با اهمیت است. کودک در بافت خانواده از روابطی بهره مند می شود که موجبات شکل گیری احساس دل بستگی، امنیت، خودآگاهی و تفکر می گردد. مادر که در همه فرهنگ ها مورد ستایش و تقدیس قرار گرفته است محور این تحولات کلیدی است. در درون روابطی گرم و صمیمی، مادر نیازهای اولیه کودک را عاشقانه پاسخ می دهد تا اولین تجارب کودک از دنیای انسانها آمیخته با عشق و ایمنی باشد. چنین طرحواره ای از مادر باعث آرامش و علاقه مندی به دنیای پیرامون می گردد که سنگ بنای کنجکاو و یادگیری های بعدی است. در درون تعاملات نوزاد با مادر فرصت های بی بدیلی جهت پرورش هوش، هیجانات و مهارت های اجتماعی فراهم می گردد به گونه ای که می توان سلامت و یا اختلالات روانی آینده کودک را تا حد زیادی وابسته به کیفیت پرستاری و ارتباط مادر و فرزند دانست.

پژوهشگران حیطه تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک بر این عقیده اند که مهارت های والدگری عمدتاً اکتسابی و قابل یادگیری اند و ضرورت دارد تا کارشناسان، پژوهشگران و دست اندرکاران تعلیم و تربیت دوران کودکی با آسیب شناسی روابط تربیتی اولیه و آموزش مادران و مربیان تلاش نمایند تا کیفیت پرورش و تحول دوران کودکی را ارتقا دهند. بدیهی است چنین فرایندی می تواند نقش شگرفی در بهداشت روانی انسانها و نیز پیشرفت اجتماعی و فرهنگی کشور عزیزمان ایران داشته باشد. هدف همایش جایگاه و نقش مادر فراهم نمودن فرصتی جهت تبادل یافته های پژوهشی و دانش روانشناسان، جامعه شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت است تا دانش و فرهنگ مادران را نشر و بازتولید نمایند. بدینوسیله از همه اندیشمندان و پژوهشگران صمیمانه دعوت می شود تا با هدف ارتقای دانش در تعلیم و تربیت دوران کودکی و بازتعریف جایگاه مادر در فرایند تحول و بهداشت روانی انسانها مشارکت فعال در همایش داشته باشند.

## با احترام

**سید امیر امین یزدی**

**دبیر علمی همایش جایگاه و نقش مادر**

## بنام خدا

## بنام مادر

خالق هستی را ستایش می کنم که عشق به خوبی ها، عشق به زیبایی ها، عشق به انسانیت، عشق به والدین بخصوص عشق به مادر را بنمایه جانم قرار داده است.

پرسید یکی که عاشقی چیست

گفتم که چو ما شوی، بدانی

خدارا شاکرم که با همت همه عزیزان و بزرگواران:

اولین همایش جایگاه و نقش مادر در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه شیراز

دومین همایش جایگاه و نقش مادر در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه تهران

و سومین همایش جایگاه و نقش مادر در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد

عزیزان رسالت والای بنیاد فرهنگی بین المللی مادر، تبیین، ارتقا و باز آفرینی جایگاه و نقش مادر، نه تنها بعنوان قلب و معمار خانواده بلکه الهام بخش برای همه مادران جوامع بشری است

مفتخر به این اعتقاد راسخ هستیم که تعالی، سربلندی و موفقیت و پیشرفت هر جامعه ای جز با علم و دانش و نقش اثر گذار دانشگاه میسر نخواهد شد، زیرا در مقطعی از زمان هستیم که قلم بر شمشیر و دانش بر جهالت پیروز است.

بنیاد فرهنگی بین المللی مادر بر اساس این اعتقاد و ایمان، از بدو تأسیس ارتباط نزدیک و افتخار آمیزی با دانشگاهها و مراکز علمی به منظور ارتقا و باز آفرینی جایگاه و نقش مادر، این شاهکار خلقت و چراغ راه آینده را جهت نسل کنونی و آینده برقرار نموده است ضمن احترام به فرهنگ و سنت و تمدن و باورهای گذشته، برای آینده ای بهتر و متعالی، جز از راه علم و دانش و قبول پیشرفتهای علمی و تکنولوژی در عصر حاضر و آینده راه دیگری میسر نخواهد بود

ما ضمن قبول و احترام به بعضی از افکار و ایده های والدین گرامی مانند پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های عزیز، باید به جوانان دختر و پسر، بخصوص دانشجویان گرامی بیش از پیش بها داده و به نظرات آنها با جان و دل گوش فرا دهیم

زیرا در بعضی از موارد، دانشجویان و جوانان بهتر، منطقی تر و آینده نگر تر از ما پدر و مادرها مسائل روز آینده را تجزیه و تحلیل می کنند، باید سخنان آن ها را از بن جان بشنویم و بجای کشمکش و دعوای دو نسل گذشته و حال صمیمانه با یکدیگر گفتمان داشته باشیم، بی شک تحقق و تداوم اهداف والای بنیاد مادر جز با همدلی، همفکری، همیاری و همکاری همه عزیزان بخصوص جوامع علمی، دانشگاهیان، و اساتید فرهیخته و دانشجویان عزیز که پدران و مادران آینده می باشند میسر نخواهد شد

در پایان ضمن قدردانی از ریاست محترم دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، معاونین گرامی، اساتید فرهیخته، دانشجویان عزیز و همه همکاران که با جان و دل و اعتقاد به خوبیها بخصوص مادر برای همایش نهایت کوشش و همت و همکاری ارزشمندی را مبذول فرمودند سپاسگزارم

اعتقاد دارم که با علم و دانش و معرفت و رعایت اصول انسانی و اخلاقی و تلاش صادقانه، روزی شاهد مادران متعالی و جهانی خوشبخت خواهیم شد.

از آنجا که کالبد هر جامعه خانواده و قلب هر خانواده مادر است، امیدوارم که همکاری با دانشگاهها و برگزاری اینگونه همایش ها و ثمرات مثبت آن در توسعه فرهنگ و جایگاه نقش مادر، در آینده ای نه چندان دور بسیار اثر بخش و مفید باشد. در اینجا لازم می دانم تا برخی از اهداف بنیاد مادر را نیز بیان نمایم:

- آشنا ساختن بیشتر جامعه به ویژه نسل جوان با جایگاه و نقش والای مادر و ارتقا و باز آفرینی ارزشهای قداست آمیز این شاهکار خلقت از جهات خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی
- تبیین و تأثیر نقش مادران در ساختن جامعه ای ایده آل
- پررنگتر ساختن مسئولیت های جامعه به ویژه فرزندان در قبال حقوق ارزشمند مادران
- آموزش مسئولیت های خطیر مادری به خانم های جوان در قبال فرزندان و رفتار متقابل آنان نسبت به مادران
- ایجاد مراکز مشاوره برای مادران به منظور رفع تنگناهای آنان از نظر فرهنگی، اجتماعی، درمانی، معنوی، خانوادگی و غیره
- فراهم کردن زمینه آموزش از مهد کودک تا سطوح دانشگاهی
- انتخاب مادران نمونه و برگزاری آئین نکوداشت در یازدهم مهرماه هر دو سال یکبار به منظور بزرگداشت و قدرشناسی از آنها

## دعای مادر همیشه همراهتان

### غلامرضا محمدی

## بنیانگذار بنیاد فرهنگی و بین المللی مادر

- ۱..... عملکرد تأملی مادرانه: تظاهر آسیبشناسی روانی مادر در آسم کودک.....
- ۲..... طراحی و سنجش اثربخشی برنامه آموزش فرزندپروری "غنی‌سازی تعاملات والد-کودک" بر خودکارآمدی والدینی و ارتباط مادر-کودک.....
- ۳..... خودکارآمدی والدینی نقش مادران در گذار از بلوغ دختران : با تأکید بر تجارب زیسته دختران و مروری بر مطالعات پیشین.....
- ۴..... بررسی عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری بر تربیت اقتصادی فرزندان از طریق مادران.....
- ۵..... جایگاه مادر در تربیت فرزند در نظام حقوقی ایران.....
- ۶..... چالش های فضای سایبردر تغییر سبک روابط خانوادگی و نقش پلیس فتا در مواجهه با آن.....
- ۷..... داشتن فرزند به مثابه سرمایه زناشویی در زوج درمانی اشتراک محور؛ یک نظریه داده بنیاد.....
- ۸..... تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر میزان توجه به جایگاه مادر.....
- ۹..... بررسی جایگاه مادران به‌عنوان اولین تسهیلگران در برنامه فلسفه برای کودکان.....
- ۱۰..... تجربه زیسته فرزندپروری در مادران مبتلا به بیماری ام اس.....
- ۱۱..... مادران چگونه در رضایت فرزندان جوان خود از زندگی ایفای نقش می کنند؟ مدل یابی روابط ادراکات از فرزندپروری مادر، احساس تعلق، احساس تنهایی اجتماعی و رضایت از زندگی در دانشجویان.....
- ۱۲..... مداخله مبتنی بر شواهد برای اختلال نارساییتوجه/فزونکنشی در پیشدبستان: مرور توصیفی آموزش فرزندپروری.....
- ۱۳..... نقش مادر در پیشرفت فرزندان: روابط چندگانه ادراک درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر با انگیزش پیشرفت.....
- ۱۴..... میزان توجه به مادر در آثار سخن‌سرایان پارسی‌گوی.....
- ۱۵..... کنش روانشناختی نامادری در فرایند تفرّد قهرمان زن در قصه‌های پریان ایرانی.....
- ۱۶..... معیارها و مؤلفه‌های توانمندسازی زنان در کشورهای مختلف.....
- ۱۷..... بازنگری در نقش مادری زنان از دیدگاه جراید زن‌نگار دوره قاجار(مطالعه موردی: روزنامه زبان‌زنان).....
- ۱۸..... مقام زن در اسلام.....
- ۱۹..... نقش میانجی‌گری تعامل مادر و کودک در مدل روابط ساختاری تحول حرکتی و دیداری-فضایی با تحول هیجانی-کارکردی در کودکان پیش از دبستان.....
- ۲۰..... حقوق مادران از منظر کنوانسیون های بین المللی.....
- ۲۱..... فرزندپروری و ویژگی های شخصیتی مادر با پرخاشگری و اضطراب کودکان پیش دبستانی.....
- ۲۲..... مقایسه سبک‌های فرزند پروری مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی و عادی.....
- ۲۳..... اثر بخشی گروه درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر مؤلفه‌های روانی مثبت مادران دارای کودک اوتیسم.....
- ۲۴..... سبک‌های فرزندپروری ادراک شده: با نگاهی بر تفاوت های جنسیتی.....
- ۲۵..... مادرخواندگی: فرصت ها و چالش های ایفای نقش مادری برای کودکان بی سرپرست و بدسرپرست.....
- ۲۶..... نگرش قانون اساسی به حقوق مادران.....
- ۲۷..... پیش بینی خودکارآمدی پرهیز از مواد بر اساس گرایش به رفتارهای پر خطر و سرمایه روانشناختی مادران سرپرست خانواده.....
- ۲۸..... بررسی ارتباط عوامل فردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ازدواج دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی مشهد.....
- ۲۹..... ضرورت آموزش و استفاده از والدین در شناسایی و هدایت دانش‌آموزان با استعداد (طرح شهاب).....
- ۳۰..... نقش نظارت والدین، شیوه حل مسئله و خودتنظیمی در بروز رفتارهای پرخطر.....
- ۳۱..... نقش سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده در پیشبینی خودکارآمدی تحصیلی.....
- ۳۲..... اثر بخشی آموزش فرزندپروری مثبت نگر ساندرز بر بهبود رابطه مادر \_کودک.....

بررسی مقایسه‌های رابطهی راهبرد های تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار مادران با و بدون کودکان دارای نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای (ODD).....	۳۵
رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده با سازگاری و سلامت روان فرزندان.....	۳۶
با تأکید بر دیدگاه اسلام.....	۳۶
تدوین و اعتباریابی مقدماتی مقیاس شیوه تربیتی والدین ایرانی: یک طرح آمیخته.....	۳۷
بررسی شکاف دیجیتال میان مادران و دختران نوجوان در بین بانوان مراجعه‌کننده به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.....	۳۸
بررسی نگاه ارزشی رسانه‌ها به زنان در جایگاه و نقش مادری با تأکید بر روزنامه خراسان منتشر شده طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰	۳۹
موجود در آرشیو مطبوعات آستان قدس رضوی.....	۳۹
مقایسه تاب آوری، شکوفایی، کیفیت زندگی در مادران دارای فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور و مادران دارای فرزند سالم.....	۴۰
واکاوی نقش زنان در عرصه مدیریت.....	۴۱
مطالعه پدیدارشناسانه نگرش مادران به تربیت جنسی دختران نوجوان خود.....	۴۲
مقام زن در اسلام.....	۴۳
بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری و بروز اختلال لکنت زبان در کودکان.....	۴۴
مقایسه ویژگی‌های ترسیمی کودکان پیش دبستانی دارای مادر شاغل و مادر خانه دار براساس آزمون ترسیم خانواده.....	۴۵
ارتباط بین سبک دلبستگی مادر و انتخاب لالایی برای کودکان.....	۴۶
بررسی رابطه اشتغال مادر بر سلامت عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان.....	۴۷
بررسی ارتباط روابط عاطفی بین مادر و فرزندان با خودکارآمدی دانش آموزان پایه ی ششم شهرستان داورزن.....	۴۸
بررسی رابطه مولفه های مادر- فرزندی و اعتیاد به اینترنت دانشجویان دختر.....	۴۹
تحلیل محتوای بازنمایی تصویر مادر در کتاب های «تفکر و پژوهش» پایه ششم ابتدایی، «تفکر و سبک زندگی» پایه هفتم و هشتم متوسطه اول.....	۵۰
بررسی اثربخشی آموزش ذهن آگاهی مبتنی بر استرس بر کاهش تعارض زناشویی و کیفیت زندگی مادران کودکان نابینا.....	۵۱
سوگیری شناختی، حساسیت اضطراب و راهبردهای مقابله ای در مدل نشانه های اضطراب کودکان مقطع ابتدایی: مدل یابی معادلات ساختاری.....	۵۲
تعیین رابطه بین خودکارآمدی و سلامت روان با تاب آوری مادران سرپرست خانواده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان اهر.....	۵۳
مقایسه پذیرش اجتماعی، فرسودگی تحصیلی و سلامت عمومی بین کودکان طلاق و غیر طلاق شهر کرمانشاه.....	۵۴
تبیین تجارب مادران روستای آروق در استفاده از جملات تکراری برای فرزندان (مطالعه کیفی).....	۵۵
حفظ شخصیت حقوقی مادر با تأکید بر اصل لزوم رعایت مصلحت فرزند.....	۵۶
بررسی نقش مادران در سواد اطلاعاتی کودکان پیش دبستانی در جمهوری اسلامی ایران: یک مطالعه موردی.....	۵۷
مقایسه کیفیت روابط با همسالان دانش آموزان دارای مادر شاغل و غیرشاغل.....	۵۹
مقایسه شفقت به خود دانش آموزان دارای مادر شاغل و غیرشاغل.....	۶۰
کارکرد تحولی-هیجانی خانواده های دارای فرزند با نقص شنوایی و طراحی برنامه آموزش گروهی ویژه مادران، مبتنی بر رویکرد تحول یکپارچه انسان.....	۶۲
رابطه ادراکات محیطی دانش آموزان از مادر در خانواده با انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی آنان.....	۶۴
تبیین جایگاه مادر در تربیت فرزند بر اساس آموزه های دینی.....	۶۵
جستاری پیرامون حقوق مادر در اسلام و نقش مادر در سلامت جنسی فرزندان.....	۶۶

۶۷.....	بررسی اثربخشی آموزش مهارت فرزند پروری مبتنی بر نظریه ی انتخاب بر بهبود رابطه مادر-کودک در مادران دارای کودکان هموفیلی
۶۸.....	نقش سلامت مادر در تربیت فرزندان در خانواده
۶۹.....	بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از اختلال تکاملی کودکان در مادران دارای کودک یکسال شهرستان قم در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷
۷۰.....	بررسی رابطه نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی مادران با اختلال تصویر تن در دختران نوجوان
۷۱.....	ارتباط کمال گرایی مادران و خود تنظیمی هیجانی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان گناباد
۷۲.....	اثر بخشی آموزش ذهن آگاهی بر ناامیدی مادران کودکان آسیب دیده شنوایی
۷۳.....	اثر بخشی ذهن آگاهی بر راهبرد های مقابله با استرس مادران کودکان کم توان ذهنی شهرستان گناباد
۷۵.....	تأثیر سبکهای فرزندپروری بر مؤلفه‌های هوش عاطفی دانش‌آموزان
۷۷.....	بررسی سبکهای فرزند پروری و اثرات آنها بر تنظیم هیجانی همراه با بلوغ عاطفی
۷۸.....	اثر بخشی قصه درمانی بر کاهش افسردگی کودکان مبتلا به سرطان
۷۹.....	عوامل مؤثر بر استفاده تربیتی مادران از شبکه‌های اجتماعی: مورد مطالعه مادران شاغل در دانشگاه فردوسی مشهد
۸۰.....	جایگاه مادران در تربیت جنسی فرزندان از منظر الگوی خانواده محور مبتنی بر رشد
۸۱.....	وظایف تربیتی پدر و مادر از نظر امام صادق «ع»
۸۲.....	جایگاه تربیتی پدر در قرآن
۸۳.....	جایگاه تربیتی مادر در دین اسلام
۸۴.....	معنای زندگی و انگیزش مادر شدن در زنان نابارور
۸۵.....	اثر بخشی آموزش مداخلات ترمیمی، بر تحمل ناکامی مادران دارای فرزند اتیسم
۸۶.....	بررسی ارتباط بین سبک های فرزند پروری مادر و هوش هیجانی نوجوانان
۸۷.....	بررسی فرصت ها و چالش های تربیتی اشتغال مادران
۸۸.....	اثر بخشی کاهش بدگویی مادران مطلقه از پدر در حضور دختران بر کاهش خشم آنان
۸۹.....	طراحی و سنجش اثربخشی برنامه آموزش فرزندپروری "غنی‌سازی تعاملات والد-کودک" بر خودکارآمدی والدینی و ارتباط مادر-کودک



## عملکرد تأملی مادرانه: تظاهر آسیب‌شناسی روانی مادر در آسم کودک

محمد فتحی<sup>۱</sup>

امروزه، تحقیقات مربوط به بیماری‌های کودکی از مدل زیست-پزشکی (بیومدیکال) سنتی فاصله گرفته‌اند و رویکرد گسترده‌تری را با تأکید بر ماهیت چند بعدی اختلالات روانی و فیزیکی مورد حمایت قرار داده‌اند. آسم یکی از اختلالات نمونه‌وار روان‌تنی است که با رویکردی چند وجهی مورد بررسی قرار گرفته است. روانکاوی نقش مهمی در گسترش این رویکرد چند وجهی در مورد بیماری آسم داشته است. در روانکاوی از ابتدا نقش مادر و مفاهیمی چون طرد مادرانه ناخودآگاه، خصومت خانوادگی، اضطراب جدایی، مسایل مربوط به کنترل و ارتباط مادر-کودک در سبب‌شناسی و درمان آسم مورد توجه بوده است. در تبیین سبب‌شناسی و تحول آسم و دیگر اختلالات روان‌تنی، در روانکاوی معاصر نقش تجارب ذهنی نشده در رابطه کودک با ایزه‌های اولیه مورد تأکید قرار گرفته است. در این مقاله هدف ما این است که با مرور نظریه ذهنی‌سازی، در بافت کلی تر نظریه‌های روانکاوی و دل‌بستگی معاصر، نقش وضعیت روانشناختی مادر را در تحول وضعیت جسمانی کودک (بویژه آسم کودکی) مورد بررسی قرار دهیم. به طور دقیق‌تر، هدف ما این است که نقش ظرفیت والدین برای رفتار با کودک به عنوان یک عامل روانشناختی (یعنی عملکرد تأملی مادرانه) را در شکل-گیری آسم کودکی برجسته کنیم. بررسی این امر فرصت مناسبی فراهم خواهد کرد که در بستر رویکرد انتقال بین‌نسلی به تبیین این امر بپردازیم که چطور آسیب‌شناسی روانی مادر به شکل آسیب‌شناسی جسمانی کودک (آسم کودکی) تظاهر پیدا می‌کند. در واقع، والدین باید بتوانند در بستر یک تعامل مناسب و هماهنگ، تجارب و هیجانات مغلوب‌کننده در کودک و در رابطه مادر و کودک را شناسایی و نامگذاری کنند تا امکان نمادین شدن آنها و کاهش شدت‌شان فراهم گردد. در این صورت است که این تجارب و هیجانات در مادر و کودک قابل کنترل و مدیریت می‌شود و شرایطی فراهم می‌گردد که آنها به صورت ذهنی و نه به صورت جسمانی تجربه شوند. در غیر این صورت، نقص در عملکرد تأملی مادر و شکست او در ذهنی‌سازی هیجانات خود و کودک‌اش منجر به شکل‌گیری فرایند جسمانی‌سازی و بروز تظاهرات جسمانی، از جمله علائم آسم، در کودک خواهد شد. همچنین، در ادامه اهمیت عملکرد تأملی و ظرفیت درخودگیری و نگهداری مادر در کار با کودکان مبتلا به آسم به بحث گذاشته خواهد شد و تأکید خواهد شد که در کار با کودکان مبتلا به آسم درک بهتر متخصصین آسم و آلرژی، روانشناسان و والدین از گستردگی و عمق عوامل مربوط به وضعیت روانشناختی مادر، بویژه عملکرد تأملی مادر، امری اساسی است.

**کلیدواژه‌ها:** انتقال بین‌نسلی، تعامل مادر-کودک، عملکرد تأملی مادر، عملکرد تأملی کودک، ذهنی‌سازی، جسمانی‌سازی و آسم کودکی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## طراحی و سنجش اثربخشی برنامه آموزش فرزندپروری "غنی‌سازی تعاملات والد-کودک" بر

### خودکارآمدی والدینی و ارتباط مادر-کودک

الهه وحیدی<sup>۱</sup>، سید امیر امین‌یزدی<sup>۲</sup>، حسین کارشکی<sup>۳</sup>

مقدمه: با توجه به اهمیت دوران کودکی و روابط والد - کودک در پایه‌ریزی شخصیت، سلامت روانی و ظرفیت‌های یادگیری کودکان، پژوهش حاضر با هدف تدوین یک برنامه آموزش فرزندپروری، که هدف اصلی آن غنی‌سازی تعاملات والد-کودک است، و بررسی اثربخشی آن بر خودکارآمدی والدینی و ارتباط مادر-کودک انجام شد.

روش‌شناسی: در یک طرح شبه آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل، ۲۹ زوج مادر و کودک پیش‌دبستانی با نمونه‌گیری در دسترس در دو گروه آزمایش (۱۶ زوج) و کنترل (۱۳ زوج) قرار گرفتند. آزمودنی‌های گروه آزمایش در ۱۲ جلسه گروهی آموزش فرزندپروری شرکت نمودند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه رابطه والد-کودک (پیانتا، ۱۹۹۴) و مقیاس خودکارآمدی والدینی (دومکا و همکاران، ۱۹۹۶) بود.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس نشان داد که برنامه آموزش فرزندپروری، خودکارآمدی والدینی مادران و ارتباط مادر-کودک را به طور معناداری بهبود بخشیده است ( $p < 0.01$ ).

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع نتایج پژوهش از اثربخشی برنامه فرزندپروری طراحی شده توسط پژوهشگران در افزایش خودکارآمدی والدینی و بهبود ارتباط مادر-کودک حمایت نمود.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش فرزندپروری، ارتباط مادر-کودک،

---

۱. کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## خودکارآمدی والدینی نقش مادران در گذار از بلوغ دختران: با تأکید بر تجارب زیسته دختران و مروری بر مطالعات پیشین

زهرا حجازی<sup>۱</sup>، محمود سعیدی رضوانی<sup>۲</sup>، لیلا اکبری زبیدی<sup>۳</sup>

مقدمه: هدف از انجام این پژوهش پرداختن به موضوع بلوغ دختران با تمرکز بر ارتباط مادر- دختر و منبع کسب اطلاعات در زمینه بلوغ است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که منابع کسب اطلاعات نوجوانان در مسائل بلوغ و کیفیت رابطه مادر و دختر چگونه می باشد؟

روش شناسی: روش این پژوهش به صورت پدیدارشناسی با نمونه گیری هدفمند و با ملاک ظهور علایم بلوغ و قاعدگی و با مصاحبه با دختران ششم ابتدایی و با بهره از روش ۳۱ دانش آموز دختر ششم ابتدایی و تا مطالعه ۳۱ تحلیلی- توصیفی که مروری بر پژوهش های صورت گرفته می باشد انجام شد. این مطالعه که با مشارکت به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته و با رضایت خود و اولیاءشان اجرا شد. بعد از پیاده سازی مصاحبه ها و مرور آنها محقق شروع به دسته بندی اطلاعات کرد.

یافته ها: گاهی هم، مصاحبه ها حاکی از آن بود که کیفیت ارتباط دختران با مادرانشان نسبتاً مطلوبست. گرچه برخی دانش آموزان برخوردار از ارتباط صمیمی با مادر احساس خجالت و بسته بودن جو ارتباطی با مادر خود داشتند. همچنین تکرار مفاهیم دریافت اطلاعات پیرامون قاعدگی توسط مادر و بیان رخداد قاعدگی به مادر و آگاهی از نقاط خصوصی بدن و مراقبت در برابر جنس مخالف از طریق مادر در بعضی دانش آموزان نشان از جایگاه مهم مادران به عنوان منبع اطلاعات است. بخشی از یافته ها مؤید این بود که در بعضی از دانش آموزان فضای مجازی به عنوان منبع آگاهی از روابط زناشویی قلمداد گردید. همچنین بررسی پژوهش های مختلف هم نشان می دهد که مادران یکی از مهم ترین منابع آگاهی دختران در زمینه بلوغ می باشند. واز عوامل موفقیت مادران ارتباط صمیمی مادر-دختری و همچنین آگاهی و تحصیلات مادران قید شده است. در بحث آگاهیهای جنسی عواملی چون خجالت از طرح موضوع جنسی و نگرانی از گستاخی دختران ذکر شده اند. مصاحبه شونده گانی که برخوردار از ارتباط نسبتاً مطلوبی با مادران خود هستند نیز مادرانشان منبع مهم اطلاعات آنان، براساس تجارب زیسته دختران مورد مطالعه هم می باشند، پژوهیدگانی که مفاهیم اطلاع به مادر بعد از رخداد اولین قاعدگی و دریافت اطلاعات پیرامون قاعدگی از مادر را بیان کردند غالباً برخوردار از دختری نیز بودند. در بحث آگاهیهای جنسی در دوره بلوغ نیز با توجه به بخشی از مفاهیم مستخرج از برخی مصاحبه ها می توان - ارتباط نسبتاً مطلوب مادر گفت اینترنت رقیب مادران در دانش جنسی دخترانشان هستند. در تحقیقات پیشین نیز یکی از عوامل مؤثر در انتقال اطلاعات مادران به دختران نحوه ارتباط مادر دختری ذکر شده است و نگرانیهای حاصل از آن وجود داشت. ۲۰۱۲ در روند اجرای مصاحبه ها محدودیت ارتباط گیری با دانش آموزان به سبب همزمانی طرح سند.

پیشنهاد می شود تحقیقات بیشتری در علل ضعف کیفیت ارتباط مادر- دختری خصوصاً در دوران بلوغ صورت گیرد و کارگاه های آموزش خانواده و تربیت جنسی برای نوجوانان و اولیاء برگزار شود.

**کلیدواژه ها:** منبع کسب اطلاعات، رابطه مادر- دختری، بلوغ

۱. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه علامه طباطبایی

۲. عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، واحد قوچان

۳. دانشجوی کارشناس ارشد مشاوره، مدرسه دانشگاه آزاد اسلامی

## بررسی عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری بر تربیت اقتصادی فرزندان از طریق مادران

آزاده ظفرمند<sup>۱</sup>، وحید ارشدی<sup>۲</sup>، زهرا خدا دوست<sup>۳</sup>

تربیت اقتصادی<sup>۴</sup> در زیرشاخه‌های رشته‌ی اقتصاد در ادبیات اقتصاد متعارف، حوزه‌ی بین رشته‌ای شناخته شده‌ای می‌باشد. لزوم توجه به آموزش و پرورش رسمی و آموزش‌های غیر رسمی و نظام تربیتی خانواده و نقش آن در تربیت اقتصادی امری پذیرفته شده می‌باشد و تحقیقات زیادی در سطح جهان در خصوص عوامل مؤثر بر تربیت اقتصادی کودکان و نوجوانان انجام شده است. یکی از این عوامل تأثیرگذار بر تربیت اقتصادی کودکان، نقش نهاد «مادر» در نظام تربیتی خانواده می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که این نقش در جامعه‌پذیری اقتصادی فرزندان بیشتر و تأثیرگذارتر از نقش پدر می‌باشد. دیگر نتایج این تحقیق حکایت از این دارد که تأثیر الگوی نگرشی مادر به مسائل اقتصادی بر رفتار صرفه‌جویانه فرزندان بیشتر از آموزش مستقیم در زمینه اقتصاد می‌باشد. نتایج تحقیقات Flouri (2004) نشان از نقش منفی مادران در ارزش‌های مادی‌گرایانه فرزندان دارد؛ در حالی که پدرها در مادی‌گرایی فرزندان نقشی نداشته‌اند. Otto (2009) در مقاله خود نشان می‌دهد شخصیت و نگرش مادر در شکل‌دهی تمایلات صرفه‌جویانه در نوجوانان مؤثر است.

بنابراین بررسی و مطالعه ابعاد تأثیرگذار نقش مادر در تربیت اقتصادی فرزندان و ارائه راه‌کارهایی مناسب در جهت اثربخش‌تر کردن این تأثیرات و رسیدن به مدلی جهت تربیت اقتصادی والدین با هدف آموزش غیرمستقیم فرزندان ضروری بنظر می‌رسد. به خصوص ضعف نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی کشور ما در تربیت اقتصادی افراد جامعه، از جمله کودکان و نوجوانان، ضرورت توجه به نقش حیاتی مادر در تربیت اقتصادی فرزندان را بیش از پیش روشن می‌نماید.

در این راستا این پژوهش با روش اسنادی، تحلیلی و روش تحقیق کیفی گروه کانونی و با هدف مشخص سازی ابعاد تأثیرگذار نقش مادری در تربیت اقتصادی فرزندان، به ارائه مدل مفهومی جهت تبیین عوامل واسطه‌ای در اثرگذاری نقش مادر بر تربیت اقتصادی فرزندان می‌پردازد. روش جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، مصاحبه با متخصصان موضوعی و تکنیک دلفی خواهد بود. در پایان با توجه به یافته‌های پژوهش، به راه‌کارهای لازم جهت تقویت عوامل تأثیرگذار در پیش روی تربیت اقتصادی فرزندان از طریق مادران و تضعیف موانع مؤثر در مقابل آن‌ها پرداخته می‌شود.

---

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد- عضو کارگروه تربیت اقتصادی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استادیار پژوهشی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشجوی دکتری تخصصی اقتصاد، دانشکده علوم اداری، دانشگاه فردوسی مشهد

## جایگاه مادر در تربیت فرزند در نظام حقوقی ایران

اعظم انصاری<sup>۱</sup>

امروزه تقریباً اهمیت نقش مادر در تربیت و پرورش فرزند بر کسی پوشیده نیست. با این حال ایفای نقش مادری توسط یک زن و تأثیرگذاری وی در رشد و تربیت فرزند مستلزم حمایت‌های حقوقی در جامعه است. بدون این حمایت، در وضعیت اختلاف در سبک فرزندپروری میان مادر و سایر خویشاوندان فرزند، ممکن است به حقوق مادر لطمه وارد شده و حتی در انجام تکالیف وی در تربیت فرزندش خلل ایجاد گردد. چنین وضعیتی در نظام حقوقی ایران که در کنار مفهوم حضانت، مفاهیم مهم دیگری مانند ولایت، وصایت و قیمومیت هم مشاهده می‌شود از اهمیت بسیاری برخوردار است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ضمن تبیین مفهوم حضانت در نظام حقوقی ایران به بررسی جایگاه مادر در تربیت فرزند در کنار سایر اشخاص دارای حقوق و تکالیف قانونی در این زمینه می‌پردازد و آخرین تحولات رویه قضایی ایران در این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت فرزند، حضانت، مادر، مصلحت، ولایت

---

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

## چالش های فضای سایبردر تغییر سبک روابط خانوادگی و نقش پلیس فتا در مواجهه با آن

محسن حروفی فریمانی<sup>۱</sup>، سید علی جوادی<sup>۲</sup>

امروزه تاثیر فضای سایبر بر زندگی خصوصی و اجتماعی افراد مشهود و ملموس است و در کنار تمام فرصت های ایجاد شده، این فضا در تضعیف بنیان خانواده، روابط بین افراد و رشد جرایم سایبری تاثیر قابل ملاحظه ای داشته است. در این تحقیق که با استفاده از روش پیمایشی انجام شده، جامعه آماری را ۲۱۰ نفر از افرادی که به نوعی با چالش ها و آسیب های این فضا دست به گریبان بوده اند از قبیل مراجعین به پلیس فتا تشکیل می دهند. در این مطالعه براساس ادبیات تحقیق مولفه های باورهای دینی کاربران، در حوزه های اعتقادی، روابط بین اعضای خانواده، تاثیر الگوپذیری از والدین، دین و پایبندی والدین به ارزش ها و اعتقادات دینی و ارتباط آن با میزان استفاده از فضای سایبر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و نشان از آن دارد که صرف حضور و استفاده از فضای سایبر بر تضعیف هویت دینی و بروز جرایم اینترنتی در بین کاربران تأثیر قابل توجهی نخواهد داشت؛ ولی نوع استفاده از این شبکه ها، از نظر استفاده کاربردی و یا تفریحی، مدت زمان طولانی حضور در این شبکه ها و همچنین هدف استفاده کاربران از این شبکه ها به علاوه طبقه و جایگاه اجتماعی آنان، در تضعیف اعتقادات دینی کاربران و تضعیف روابط خانوادگی افراد تأثیرگذار بوده و به دنبال آن جرایم اینترنتی بخصوص جرایم مرتبط با موضوعات علیه اخلاق به طور معنا داری رشد داشته است. لذا در صورت مدیریت این فضا می توان چالش های اعلامی را تبدیل به فرصت کرد و از بستر این فضا در راستای رشد اعتقادات مذهبی و فرهنگی و تقویت بنیان خانواده و فرزند پروری بهره گیری نمود، در این راستا پلیس فتا نقش اثرگذاری خواهد داشت که در این مطلب پیشنهادهایی کاربردی در این حوزه ارائه گردیده است.

**کلیدواژه ها:** فضای سایبر/ بنیان خانواده / فرزند پروری / جرایم سایبری/ پلیس فتا.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

۲. کارشناس فقه و حقوق اسلامی

## داشتن فرزند به مثابه سرمایه زناشویی در زوج درمانی اشتراک محور؛ یک نظریه داده بنیاد

دکتر سید علی کیمیایی<sup>۱</sup>

مقدمه: با آن که داشتن فرزند در فرهنگ و شریعت ما مورد تاکید است، اما مشاهده می شود که زوج ها دیگر از داشتن فرزند کمتر استقبال می نمایند که تبعات تربیتی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، حتی سیاسی و امنیتی برای خانواده ها و جامعه را دنبال دارد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سرمایه های زناشویی در زندگی زوج ها بر اساس نظریه زوج درمانی اشتراک محور انجام شد. روش: این پژوهش با رویکرد کیفی اکتشافی و بر اساس نظریه زمینه ای انجام پذیرفت. داده ها با انجام ۲۸ مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق جمع اوری شد. مشارکت کنندگان با حداکثر تنوع از طریق نمونه گیری مبتنی بر هدف تا رسیدن به اشباع اطلاعات از بین زوج های متعارض انتخاب شدند.

یافته ها: تحلیل داده ها نشان داد که نه تنها "صداقت، احترام، تعهد و وفاداری، صله رحم، گذشت و انعطاف پذیری، صمیمیت و روابط عاطفی، رابطه جنسی رضایت بخش، مدیریت تعارض، مهارت ارتباط، عشق و محبت، تفاهم نسبی در امور زندگی و داشتن اشتراک های زناشویی" بلکه "داشتن فرزند(ان)" یکی از مهمترین سرمایه های زناشویی است که به زندگی زناشویی معنی بخشیده و پویایی و سرزندگی رابطه را به همراه دارد. از آنجا که در زوج درمانی اشتراک محور ارتباط زناشویی قلب مداخله است، رابطه زناشویی به شادی آفرین و رنج آفرین تقسیم می شود، رابطه شادی آفرین مبتنی بر هیجان مثبت و رابطه رنج آفرین مبتنی بر هیجان منفی در رابطه است و از نقطه نظر ماهیت و شدت احساس و عواطف مثبت و یا منفی در رابطه زناشویی، یافته ها رابطه زوج ها را در سه طبقه اصلی تقسیم بندی نمود، شامل: الف) زوج هایی که مبنای رابطه آنها بر ترس است. ب) زوج هایی که مبنای رابطه بر عشق است. د) زوج هایی که مبنای رابطه بر احترام است.

نتیجه گیری: از آنجا که سرمایه زناشویی مجموعه ای از داشته ها در زندگی زناشویی است که نه تنها به رابطه قوام و دوام داده بلکه پویایی و رضایت از رابطه زناشویی را تضمین و با آن معنی می بخشد، بنابراین علاوه بر این که "صداقت، احترام، تعهد و وفاداری، صله رحم، گذشت و انعطاف پذیری، صمیمیت و روابط عاطفی، رابطه جنسی رضایت بخش، مدیریت تعارض، مهارت ارتباط، عشق و محبت، تفاهم نسبی در امور زندگی و داشتن اشتراک های زناشویی" بلکه "داشتن فرزند(ان)" نه تنها یک سرمایه و اشتراک زناشویی است که بسیاری از والدین فرزند(ان) خود را سرمایه زندگی شان می دانند و نه اندوخته های مالی خود را، بلکه این سرمایه ها وضعیت بی بدیلی بوجود می آورد که سلامتی، رشد شخصی و رشد قابلیت های زیادی می تواند در آن امکان پذیر شود و به غنی سازی و معنایابی زندگی زوج ها کمک نموده و مانع بروز نگرش ها، هیجان ها و رفتار های منفی از طرف زوج یا اطرافیان مهم و جامعه که پیامد های ناگواری برای زندگی زناشویی دارد، می گردد.

**کلیدواژه ها:** فرزند(ان)، سرمایه زناشویی، نظریه داده بنیاد

۱. دانشیار روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

## تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر میزان توجه به جایگاه مادر

مجتبی کفاشان کاخکی<sup>۱</sup>، حسن بهزادی<sup>۲</sup>، محبوبه عارفی<sup>۳</sup>

مقدمه: مادر مهم‌ترین رکن هر خانواده‌ای محسوب می‌شود و کودکان از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی در مورد نقش‌ها و خصوصیات مادر مطالبی را می‌آموزند که می‌تواند جهت‌گیری‌های آتی ذهنی و رفتاری آنان را شکل دهد. مدرسه اولین و اصلی‌ترین نهاد رسمی است که باید در قالب کتاب‌های درسی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بسیاری از مطالب از جمله مفاهیم مرتبط با مادر را به کودکان آموزش دهد. از این رو، هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان توجه کتب درسی دوره ابتدایی به نقش و جایگاه مادر است.

روش شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع، توصیفی است که به شیوه تحلیل محتوا صورت گرفته است. جامعه آماری شامل محتوای تمام کتب پایه اول تا ششم دوره ابتدایی شامل: کتاب‌های فارسی بخوانیم، هدیه‌های آسمان و مطالعات اجتماعی است. به دلیل اینکه تمامی کتاب‌های ذکر شده مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو از روش سرشماری استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات سیاهه محقق ساخته‌ای است که روایی آن با نظر متخصصان و پایایی آن با ضریب همبستگی کاپا صورت گرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که از واژه‌های مختلف مورد استفاده (مادر، مامان و ...)، واژه مادر بیش از سایر واژه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است همچنین از میان نقش‌های مختلف مادری، در کتب دوره ابتدایی بیشتر به نقش آموزشی مادران توجه شده است و پس از آن نقش مشورتی و حمایتی در رتبه‌های بعدی جای دارند. در میان کتب مختلف مورد بررسی در کتاب فارسی خواندن میزان توجه به مفاهیم مورد بررسی بیشتر از سایر کتاب‌ها (هدیه‌های آسمان و مطالعات اجتماعی) بود. کمترین میزان پرداختن به نقش مادر در کتاب فارسی خواندن سال اول ابتدایی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که توجه به نقش‌های مختلف مادران در کتب فارسی دوره ابتدایی چندان صورت نگرفته است و آنچه که از توزیع این نقش‌ها بر می‌آید این است که هدف و چارچوب مشخصی دنبال نشده است و بیشتر مفاهیم به صورت ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است. این در حالی است که کودکان باید جایگاه و نقش‌های مادران را به صورت آشکارتر و در قالب دروسی مستقل فراگیرند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود ضمن بازبینی و تجدید نظر در محتوای کتاب‌های درسی، به جایگاه خانواده و بویژه مادر توجه بیشتری شود و نیز در قالب تکالیف درسی متفرقه و تکمیلی، فرصت و شرایط بهتر و بیشتری برای پرداختن به جایگاه مادر فراهم شود.

**کلیدواژه‌ها:** مادر، دوره ابتدایی، کتاب‌های درسی، نقش‌های مادری

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد



## بررسی جایگاه مادران به عنوان اولین تسهیل‌گران در برنامه فلسفه برای کودکان

مینا فیاضی<sup>۱</sup>

هدف این پژوهش بررسی نقش مادر به عنوان اولین فردی است که با روحیه‌ی پرسش‌گری کودک مواجه می‌شود. به نظر ما اولین مربیان «فلسفه برای کودک» والدین هستند. آن‌ها نباید روحیه‌ی پرسشگری را در درون کودک سرکوب کنند، بلکه باید به سؤالات او با دقت گوش کنند و در پیدا کردن پاسخ او را راهنمایی کنند تا خودش به جواب برسد. والدین باید نقش راهنما و تسهیل‌گر را ایفا کنند. البته از محبت و نقش تربیتی آنها نباید غافل بود. با توجه به اینکه محبت به کودکان و ارضای نیازهای عاطفی آن‌ها می‌تواند پلی میان کودک و والدین ایجاد کند تا بهتر بتوانند به اهداف تربیتی خود برسند، نقش مادر در رشد مهارت‌های تفکر کودکان از جمله تفکر نقاد و تفکر خلاق پررنگ‌تر است. تسهیل‌گر در برنامه فلسفه برای کودکان می‌کوشد تا بدون اینکه یک محتوای آماده را به ذهن کودکان منتقل سازد، به بازسازی دانش کودکان با استفاده از قوه عقل و استدلال خود آنها بپردازد. همچنین تفکر نقادانه کودکان را در این چرخه فعال و تقویت نماید. پژوهش حاضر پژوهشی اسنادی – تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌یی و اینترنتی و در پارادایم کیفی انجام گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** مادر، تسهیل‌گر، تفکر، فلسفه برای کودکان

---

۱. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز

## تجربه زیسته فرزندپروری در مادران مبتلا به بیماری ام اس

فروغ پورطاهری<sup>۱</sup>، علی حاجتی<sup>۲</sup>

مقدمه: مولتیپل اسکلروزیس (Multiple Sclerosis یا MS) یک بیماری مزمن و ناتوان کننده سیستم اعصاب مرکزی است که ممکن است دارای سیر پیشرونده یا توأم با عود و فروکش باشد. هنگامی که بیماری MS وارد خانواده می شود نیاز است که هم فرد بیمار و هم خانواده پیامدهای جسمانی، روانشناختی و اجتماعی بیماری را در واقعیت درون روانی و بین فردی خود ادغام کنند. MS غالباً در سنین بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی بروز می یابد، یعنی دوره ای از زندگی که در آن والدگری موضوع بسیار مهمی است. همچنین MS در زنان دو تا سه برابر بیشتر از مردان روی می دهد؛ این در حالی است که مادران معمولاً نقش بیشتری در پرورش فرزند بر عهده می گیرند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تجارب فرزندپروری مادران مبتلا به بیماری MS (از نوع عود کننده - بهبود یابنده) می باشد.

روش: این مطالعه از نوع پدیدارشناسی توصیفی است. نمونه پژوهش شامل ۹ بیمار زن دارای فرزند بود که به روش نمونه گیری هدفمند از بین مراجعه کنندگان به یکی از انجمن های حمایت از بیماران مبتلا به MS شهر یزد انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با بیماران صورت گرفت. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه بود که با رضایت شرکت کنندگان ضبط شده و سپس روی کاغذ پیاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش ۷ مرحله ای کلازی (خواندن دقیق کلیه توصیف های شرکت کنندگان، استخراج عبارات با اهمیت و جملات مرتبط با پدیده، مفهوم بخشی به جملات مهم استخراج شده، مرتب سازی توصیفات شرکت کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته های خاص، تبدیل کلیه عقاید استنتاج شده به توصیفات جامع و کامل، تبدیل توصیفات کامل پدیده به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر، و مراجعه به شرکت کنندگان برای روشن نمودن ایده های به دست آمده و موثق نمودن داده ها) استفاده شد.

یافته ها: از مجموع مصاحبه ها در دو مرحله تحلیل، ۲۵۰ کد به دست آمد. این کدها در ۱۱ زیرمقوله (مواجهه با بیماری و تأثیرات آن، تجارب درمانی، تلاش های جبرانی، جابجایی نقشها، درون ریزی و برون ریزی عوارض بیماری، واکنش های فرزندان، بارداری به عنوان تکنیک درمانی یا چالش ناتوان کننده، چالش تغذیه کودک با شیر مادر، اثرات بیماری بر نقش مادری، بازدارنده ها و تسهیلگرهای محیطی و تجارب انطباقی) و ۴ مقوله کلی «اثرات ادراک شده و واقعی بیماری و درمان»، «مضامین اجتماعی»، «چالش والدگری» و «دوگانگی های ذهنی و کارکردی» قرار گرفتند.

نتیجه گیری: ایفای نقش مادری در مادران مبتلا به MS با برخی چالش های آشکار و ضمنی مواجه است و گستره ای از کارآمدی ادراک شده تا ناتوانی مزمن را در بر می گیرد. شناخت افکار و نیازهای آنها احتمالاً می تواند در طراحی و ارائه برنامه های مختلف مشاوره ای، آموزشی و حمایتی ویژه مؤثر واقع شده و جایگاه و نقش مادری را علیرغم تجربه بیماری مزمن حفظ نموده یا ارتقاء بخشد.

**کلیدواژه ها:** فرزندپروری، تجربه زیسته، مولتیپل اسکلروزیس

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

## مادران چگونه در رضایت فرزندان جوان خود از زندگی ایفای نقش می کنند؟ مدل یابی روابط ادراکات از فرزندپروری مادر، احساس تعلق، احساس تنهایی اجتماعی و رضایت از زندگی در دانشجویان

سجاد صداقتی<sup>۱</sup>، فرهاد تنهای رشوانلو<sup>۲</sup>

مقدمه: رضایت از زندگی، بعد شناختی بهزیستی ذهنی است. این سازه، علاوه بر شاخص های فردی، بعدی اجتماعی نیز دارد؛ آنجا که افراد بر اساس گستره تعاملات اجتماعی خود به قضاوت در مورد زندگی شان می پردازند. انسان دارای نیازی قوی به تعلق و ارتباط با دیگران است. نخستین تعلقات در خانواده و در ارتباط با مراقب، که معمولاً مادر است، شکل می گیرند. به نظر می رسد پاسخ به این سوال که چگونه مادران می توانند رضایت از زندگی را در فرزندان خود موجب شوند؟ نیازمند بررسی بیشتر است. هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط ادراکات از فرزندپروری مادر، احساس تعلق، احساس تنهایی اجتماعی و رضایت از زندگی در دانشجویان در قالب تحلیل مسیر بود.

روش: در یک طرح همبستگی و به طور دقیق تر مدل یابی غیر آزمایشی و تحلیل مسیر، ۲۰۲ نفر (۱۰۲ زن و ۱۰۰ مرد) از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد با میانگین سنی  $21/21 \pm 3/24$  با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ۸۸/۱ درصد این دانشجویان مجرد و ۶۷/۳ درصد ساکن خوابگاه بودند. گردآوری داده ها با مقیاس های ادراکات والدینی، نیازهای بنیادین در روابط (لاگواردیا و همکاران، ۲۰۰۰)، تنهایی اجتماعی (دی توماس و همکاران، ۲۰۰۴) و رضایت از زندگی (داینر، ۱۹۸۵) صورت گرفت..

یافته ها: در غربالگری داده ها، مقادیر دور افتاده و گمشده اصلاح شدند؛ پرت تک متغیره ای وجود نداشت؛ دو مورد پرت چند متغیره حذف شدند؛ نرمال بودن تک متغیره و چندمتغیره احراز شد؛ استقلال خطاها و عدم هم خطی چندگانه نیز محقق گردید. مدل یابی مسیر پس از بررسی روابط ساده متغیرها، نیز نشان می داد که ادراکات از فرزندپروری مادر اثر مستقیم و معناداری بر رضایت از زندگی ندارد. مدل اصلاح شده نشان می داد که درگیری مادر، به واسطه نیاز به احساس تعلق (۰/۰۴) و نیز احساس تنهایی اجتماعی (۰/۰۷-) بر رضایت از زندگی اثر غیرمستقیم و معناداری دارد ( $P \leq 0/05$ ). حمایت مادر از خودمختاری به واسطه احساس تنهایی اجتماعی (۰/۰۷-) بر رضایت از زندگی اثر غیر مستقیم و معناداری داشت ( $P \leq 0/01$ ). اثر غیرمستقیم گرمی مادر بر رضایت از زندگی نیز به واسطه نیاز به احساس تعلق (۰/۰۹) معنادار بود. اثر غیرمستقیم درگیری مادر بیشتر از سایر سبک های فرزندپروری و برابر با ۰/۱۱ بود. اثر مستقیم نیاز به احساس تعلق با رضایت از زندگی مثبت و معنادار و برای احساس تنهایی اجتماعی منفی و معنادار بود ( $P \leq 0/01$ ). مدل از برازش مطلوبی برخوردار بود. یافته های پژوهش حاکی از آن بود که درگیر شدن مادران در مسائل فرزندان احساس تعلق را در آنان افزایش داده و با کاهش احساس تنهایی، رضایت از زندگی را موجب می شود. حمایت مادران از خودمختاری از طریق دادن فرصت هایی برای انتخاب با کاهش احساس تنهایی و رفتار گرم و پذیرنده بدون قید و شرط با فرزندان از طریق افزایش احساس تعلق، به رضایت از زندگی منتهی می شود. به نظر می رسد رفتار های مادر و شیوه تفکر و تعامل وی اثرات ماندگاری بر باورهای شناختی جوانان در خصوص زندگی داشته باشد.

**کلیدواژه ها:** فرزندپروری مادر، احساس تعلق، احساس تنهایی، رضایت از زندگی

۱. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی اثربخشی مشاوره‌ی حمایتی مبتنی بر خوددلسوزی بر کنترل رفتار و سازگاری اجتماعی

### کودکان خیابانی شهر مشهد

مهسا رزم‌گر<sup>۱</sup>، دکتر سید علی کیمیایی<sup>۲</sup>، دکتر ایمان‌الله بیگدلی<sup>۳</sup>

مقدمه: اهمیت دادن به موقعیت کودک و دوران کودکی پدیده‌ای مدرن و مربوط به دوران معاصر است. از طرفی نوجوانی دوره‌ی انتقال از کودکی به بزرگسالی است، و از زمان آغاز رشد و بلوغ جنسی تا سن استقلال فرد، گسترش می‌یابد. مسئله‌ی کودکان خیابانی بیش از یک دهه است که در زمره‌ی مشکلات اجتماعی کشور شناخته می‌شود. حضور و کار کودکان در خیابان به عنوان پدیده‌ای نوظهور و مغایر با فرهنگ و ارزش‌های کشور سبب شد تا مسئله‌ی کودکان خیابانی منشأ مباحثات و مطالعات فراوانی به منظور شناخت این کودکان و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر ورود آن‌ها به خیابان و پیامدهای آن در ایران شود. به‌طور کلی، هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی مشاوره‌ی حمایتی مبتنی بر خوددلسوزی بر کنترل رفتار و سازگاری اجتماعی کودکان خیابانی شهر مشهد می‌باشد.

روش‌شناسی: این پژوهش یک مطالعه شبه آزمایشی است که با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه‌ی این پژوهش شامل کلیه‌ی کودکان خیابانی پسر واقع در مرکز نگهداری کودکان خیابانی و کار شهر مشهد می‌باشد. که پس از انتخاب آزمودنی‌ها به شیوه‌ی تصادفی ساده در گروه جایگزین شدند. پس از تعیین سطح میزان سازگاری اجتماعی، عاطفی و آموزشی و نیز میزان مشکلات رفتاری آن‌ها به صورت تصادفی در دو گروه آموزشی و یک گروه کنترل (هرکدام ۱۰ نفر) قرار گرفتند. داده‌ها نیز به وسیله‌ی پرسشنامه‌ی سازگاری سینه‌ها و سینگ و پرسشنامه‌ی خودسنجی نوجوانان (YSR) جمع‌آوری شد. گروه آزمایش نیز به مدت ۸ جلسه مورد آموزش گروهی قرار گرفتند ولی گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد.

یافته‌ها: برای بررسی داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره استفاده شده است. و به‌طور کلی مشخص شد که مشاوره‌ی حمایتی مبتنی بر خوددلسوزی با کنترل رفتار رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد یعنی این که توانسته مشکلات رفتاری کودکان را تا حدی کاهش دهد؛ اما با سازگاری اجتماعی رابطه‌ی معناداری دیده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: این پژوهش به‌طور کلی با هدف بررسی اثربخشی مشاوره‌ی حمایتی مبتنی بر خوددلسوزی بر کنترل رفتار و سازگاری اجتماعی کودکان خیابانی شهر مشهد صورت گرفت و همان‌طور که در مشاهده شد این نوع مشاوره توانست که بر کنترل رفتار کودکان اثر بگذارد یعنی به آن‌ها کمک کرد تا بتوانند مشکلات خود را در زمینه‌ی رفتارهای درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کاهش دهند. اما در زمینه‌ی سازگاری اجتماعی نتوانست اثرگذار باشد و آن را افزایش دهد. از طرفی، چون در این‌گونه پژوهش‌های رفتاری، آزمودنی‌ها را معمولاً انسان‌ها تشکیل می‌دهند، اکثراً نتایج به‌دست آمده ممکن است غیرقابل پیش‌بینی باشد چراکه آزمودنی‌ها گاهی تحت تأثیر شرایط آزمون و سؤالات پرسشنامه قرار می‌گیرند و ممکن است پاسخ‌ها کمی دور از شخصیت واقعی آن‌ها رقم بخورد. به هر حال پژوهش بر روی کودکانی با سطح سواد بالاتر می‌تواند نتایج مناسب‌تری را ایجاد کند. همچنین به دلیل این که این کودکان در از لحاظ بعد حمایتی، عزت نفس و غیره ضعف دارند این رویکرد آموزشی در جهت ارتقای این ابعاد در کودکان توصیه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** کودکان خیابانی، مشاوره‌ی حمایتی مبتنی بر خوددلسوزی، کنترل رفتار، سازگاری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استاد گروه روانشناسی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## مداخله مبتنی بر شواهد برای اختلال نارسایی توجه/فزون کنشی در پیش‌دبستان: مرور توصیفی آموزش فرزندپروری

زهرا حسین زاده ملکی<sup>۱</sup>، کاظم رسول زاده طباطبایی<sup>۲</sup>، علی مشهدی<sup>۳</sup>، فاطمه محرری<sup>۴</sup>

مقدمه: اختلال نارسایی توجه/فزون کنشی، اختلالی در گستره عمر با شروع در کودکی است که به دلیل شیوع بالا و پیامدهای گسترده، مستلزم بکارگیری مداخلات مؤثر و زودهنگام می‌باشد. در گذشته، این اختلال کم‌تر در بازه پیش‌دبستان شناسایی می‌گردید و تصور رایج این بود که خط اول درمان ADHD در سنین پیش از دبستان، همانند سنین مدرسه، دارودرمانی و خصوصاً داروهای محرک می‌باشد؛ اما امروزه خط اول مداخلات ADHD پیش‌دبستانی، آموزش فرزندپروری است که مبتنی بر سبب‌شناسی تحولی، به مهم‌ترین عامل محیطی در سنین آغازین یعنی والدین و به ویژه مادر توجه دارد؛ بدین ترتیب، بسته‌های متعدد فرزندپروری به منظور کاهش نشانه‌ها و پیامدهای این اختلال ارائه شده و بکار می‌رود.

روش شناسی: مرور توصیفی به سازماندهی، یکپارچه‌سازی و ارزشیابی مطالب منتشر شده پیشین می‌پردازد تا پژوهش را به سوی وضوح بخشیدن مسئله هدایت نماید؛ مطالعه حاضر با استفاده از مرور توصیفی، به آموزش فرزندپروری و ضرورت بکارگیری آن برای ADHD پیش‌دبستانی همچنین الگوهای موجود که از حمایت شواهد پژوهشی برخوردار هستند پرداخت.

یافته‌ها: ضرورت بکارگیری آموزش‌های فرزندپروری به دلیل تأثیرات آن همچنین محدودیت‌های درمان دارویی برای این گروه سنی ارائه گردید؛ بسته‌های فرزندپروری ارجح که برای مادران دارای کودکان مبتلا به ADHD در سنین پیش‌دبستان بکار می‌روند شناسایی و معرفی شدند همچنین ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و محدودیت‌های اصلی آن‌ها بررسی شدند؛ این بسته‌ها عبارت بودند از: (۱) کودکان نافرمان، (۲) کمک به کودکان نافرمان، (۳) درمان تعاملات والد - کودک، (۴) سال‌های افسانه‌ای، (۵) برنامه فرزند پروری مثبت و (۶) برنامه رویش نو.

بحث و نتیجه‌گیری: این مطالعه همسو با یافته‌های پژوهشی، آموزش فرزندپروری را به عنوان مداخله خط اول در سال‌های نخستین تحول ADHD معرفی می‌نماید همچنین، خلاصه‌ای از اهم برنامه‌های رایج فرزندپروری برای این اختلال را ارائه می‌کند؛ با این حال، آشکار می‌سازد که پژوهش‌های کنونی، عمدتاً از در نظر گرفتن ADHD به عنوان یک اختلال تحولی که از سنین پیش-دبستانی آغاز می‌گردد غفلت ورزیده‌اند؛ این در حالی است که اهداف مداخله درمانی برای این اختلال عصب‌تحولی، به فرآیند تحول وابسته است و می‌بایست منعکس کننده نیازها و شرایط باشد. خصوصاً آنکه این بسته‌های رایج، کم‌تر از ابعاد و ظرفیت سازوکارهای زیربنایی تعامل والد-کودک برای بهبود نشانه‌ها و پیامدهای اختلال بهره گرفته بودند. بنابراین، این مطالعه مروری، بر ضرورت غنی‌سازی الگوهای موجود و به ویژه، طراحی بسته‌های نوین که بیش از پیش به سبب‌شناسی تحولی ADHD توجه داشته و متمرکز بر بازه سنی پیش‌دبستان باشد تأکید دارد. از این رو، در پایان مبتنی بر مرور انجام شده، پیشنهادهایی را در این رابطه ارائه می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** اختلال نارسایی توجه/فزون کنشی، ADHD، پیش‌دبستان، آموزش فرزندپروری، مادر

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار روان شناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس - دانشیار روان شناسی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار روان شناسی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴. دانشیار روان پزشکی، مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

## نقش مادر در پیشرفت فرزندان: روابط چندگانه ادراک درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر با

### انگیزش پیشرفت

طلیعه سعیدی رضوانی<sup>۱</sup>، فرح انگیز نادمی<sup>۲</sup>، فرهاد تنهای رشوانلو<sup>۳</sup>

مقدمه: انگیزش پیشرفت به تلاش افراد برای عملکرد بهینه و احساس شایستگی در فعالیت‌های روزمره اشاره دارد. بر طبق رویکردهای انسان‌گرایانه، برای برانگیختن افراد باید نیاز آنان به خودتعیین‌گری، که خود مشتمل بر احساس شایستگی، حرمت خود و خودمختاری است را تقویت کرد. به نظر می‌رسد مادران با تشویق فرزندان به عمل کردن بر اساس علایق شخصی و نیز دوری از رویکرد کنترل‌کننده در تعامل با آنان، می‌توانند بر تحقق بهینه نیاز به شایستگی و خودمختاری آنان تأثیر داشته و بر سطح انگیزش آنان برای تعالی و پیشرفت موثر باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط چندگانه ادراک درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر با انگیزش پیشرفت دانشجویان انجام شد.

روش: روش پژوهش در زمره مطالعات همبستگی و به‌طور دقیق‌تر رگرسیون و پیش‌بینی قرار داشت. جامعه‌آماري پژوهش را دانشجویان زن دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ تشکیل دادند. با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای، تعداد ۲۳۵ نفر از این دانشجویان انتخاب شدند و مقیاس‌های انگیزش پیشرفت (هلمریچ و اسپنس، ۱۹۷۷) و ادراکات والدینی (رابینز، ۱۹۹۴) را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با استفاده از نرم افزار SPSS. 16 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج پس از غربالگری داده‌ها و بررسی مفروضات مشتمل بر نرمال بودن تک‌متغیره و چندمتغیره، همخطی چندگانه و استقلال خطاها، نشان داد که میان حمایت از خودمختاری و گرمی مادر با انگیزش پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $P \leq 0/05$ ). اما میان درگیری و انگیزش پیشرفت رابطه معناداری وجود نداشت ( $P \geq 0/05$ ). تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که ۴۰ درصد از واریانس انگیزش پیشرفت، برحسب حمایت از خودمختاری ( $\beta = 0,42$ ) و ادراک از گرمی مادر ( $\beta = 0,33$ ) تبیین می‌شود. این متغیرها پیش‌بینی‌کننده مثبت انگیزش پیشرفت بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک تربیتی مادر با انگیزش پیشرفت دانشجویان در ارتباط است و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند. به‌عبارت دیگر در صورتی که مادران از طریق دادن فرصت‌هایی برای انتخاب، به‌ویژه در مواردی که به مسائل فردی فرزندان مربوط می‌شود، نیاز آنان را به خودمختاری تحقق بخشند و علاوه بر آن رفتار گرم و پذیرنده با آنان داشته باشند، میل فرزندان به تلاش در جهت اهداف شخصی‌شان و دستیابی به عملکرد بهینه، افزایش می‌یابد. به‌نظر می‌رسد این تأثیر در عنفوان جوانی نیز پایدار بماند. تعمیم یافته‌های این پژوهش به‌واسطه اجرا در یک بافت دانشگاهی محدود قابل تعمیم به سایر گروه‌های دانشجویی نیست. اجرا در میان گروه‌های دانشجویی دیگر و نیز مقایسه‌های جنسیتی میان دانشجویان دختر و پسر به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود. در نهایت با نظر به یافته‌های تحقیق، به مادران پیشنهاد می‌گردد، با در نظر داشتن اقتضائات سنی، محیط اجتماعی را فراهم کنند که زمینه ساز تحقق نیاز خود به شایستگی، خودمختاری و احساس تعلق در فرزندان باشد.

**کلیدواژه‌ها:** حمایت از خودمختاری، درگیری، گرمی، انگیزش پیشرفت

۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲ کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان مشهد

۳ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## میزان توجه به مادر در آثار سخن‌سرایان پارسی‌گوی

صلاح محمدپور<sup>۱</sup>

مقدمه: هدف پژوهش حاضر مطالعه و بررسی میزان توجه به مادر در آثار سخن‌سرایان پارسی‌گوی است. این مهم با استفاده از فراوانی واژه (مادر) در آثارشان صورت گرفته است.

روش‌شناسی: نوع پژوهش حاضر کمی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. واحد تحلیل در این پژوهش واژه (مادر) بود که توسط جستجوی کامپیوتری صورت گرفت. برای این منظور سایت‌ها و اپلیکیشن‌های مختلفی برای این کار مورد بررسی و آزمایش قرار گرفت. در نهایت سایت (ganjoo.net) انتخاب گردید. سایت مذکور تعداد به مراتب بیشتری از سخن‌سرایان پارسی‌گوی را تحت پوشش قرار می‌داد. همچنین امکان جستجوی پیشرفته با واژه‌های دلخواه نیز که مورد نیاز این پژوهش بود، وجود داشت. در نهایت ۷۰ سخن‌سرای پارسی‌گوی از نظر میزان توجه به مادر در آثارشان مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری: اعضای باشگاه ۱۰۰ تایی‌های سخن‌سرایان علاقمند به مادر عبارتند از: ۱- رشیدالدین میبیدی با ۲۶۵ فراوانی ۲- مولوی با ۲۲۰ فراوانی ۳- عطار با ۱۶۶ فراوانی ۴- ملک‌الشعراى بهار با ۱۳۸ فراوانی ۵- فردوسی با ۱۲۷ فراوانی ۶- صائب تبریزی با ۱۰۶ فراوانی. همگی این سخن‌سرایان بیش از ۱۰۰ بار از واژه مادر در آثار خود استفاده کرده‌اند. تمامی شعراى مشهور و نامی‌تر (گذشته و معاصر) با شدت و حدت به مادر توجه داشته‌اند و در بین شاعران گمنامی همچون رشحه و عبدالواسع جبلی و ... این بی‌توجهی (که البته آن را نیز می‌توان به تبحر و آثار کمتر آنان نسبت داد) دیده می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که مادر تصویری است که در آثار اکثر قریب به اتفاق شاعران ایرانی از دیرباز مورد توجه و عنایت خاص بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** توجه به مادر، آثار، سخن‌سرایان پارسی‌گوی.

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز

## کنش روانشناختی نامادری در فرایند تفرّد قهرمان زن در قصه‌های پریان ایرانی

مرضیه صادق‌زاده<sup>۱</sup>، معصومه بذرافشان<sup>۲</sup>

مقدمه: فرایند تفرّد در روان‌شناسی تحلیلی همچون سفری برای رشد و بالندگی شخصیت انسانی در نظر گرفته شده و در تمامی عمر جریان دارد. به باور یونگ، بهترین بازتاب و انعکاس فرایند تفرّد را می‌توان در قصه‌های پریان نقل شده در فرهنگ‌های مختلف جهان جستجو نمود.

هدف و روش پژوهش: هدف از پژوهش حاضر، مطالعه کنش روان‌شناختی نامادری در آن بخش از قصه‌های پریان ایرانی است که تفرّد یک قهرمان زن را مورد توجه قرار داده‌اند. در واقع این پژوهش، پاسخ به سه سوال را مورد توجه قرار می‌دهد: ۱. نامادری به عنوان یکی از کاراکترهای شناخته شده در قصه‌های پریان دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ۲. براساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ، کنش یا خویشکاری نامادری درخصوص قهرمان زن داستان چیست؟ ۳. آیا می‌توان برای این کنش یا خویشکاری معنای روان‌شناختی خاصی در نظر گرفت؟ مطالعه حاضر به لحاظ روش در زمره پژوهش‌های تحلیلی-توصیفی قرار می‌گیرد و به عنوان واحد تحلیل، داستان‌های پریان ایرانی مطرح شده در مجموعه گردآوری شده توسط علی اشرف درویشیان و رضا خندان را مدنظر قرار می‌دهد که پیرامون یک قهرمان زن مطرح می‌گردند.

یافته‌های پژوهش: تحلیل مجموعه داستانی موردنظر نشان می‌دهد که نامادری در قصه‌های پریانی که دارای قهرمان زن هستند دارای ویژگی‌هایی همچون استقلال، سواد، نفوذ اجتماعی، توانمندی استدلال و برنامه‌ریزی می‌باشد. کنش یا خویش‌کاری او نیز همواره متوجه تضعیف و بی‌ثبات نمودن موقعیت قهرمان زن و ایجاد دشواری یا محول نمودن تکالیفی دشوار به عهده اوست. البته در داستان‌هایی که خود نامادری نیز دارای یک فرزند دختر است، خویش‌کاری یا کنش دوم شخصیت نامادری در قالب حمایت‌گری و راهنمایی زیاد اما بی‌نتیجه ضدقهرمان داستان نیز دیده می‌شود. معنای روان‌شناختی این کنش نیز چنان که در سوال سوم پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته، ایجاد نوعی فشار روان‌شناختی بر قهرمان زن داستان به منظور ترک خانه یا چنان که در الگوی مورد نظر مورداک در رابطه با تفرّد روان‌شناختی زنان مطرح گردیده، جدایی از زنانگی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: به طور کلی می‌توان گفت که نامادری وجهی از زنانگی را در رابطه با قهرمان زن یک داستان به نمایش می‌گذارد که او را وادار به ترک موقعیت یا جایگاه فعلی زنانه کرده و به تقویت جنبه مردانه روان ناگزیر می‌سازد. چنان که مورداک در الگوی مورد نظر خود مطرح می‌نماید، پرورش ویژگی‌هایی که برحسب معمول مردانه نگریسته می‌شوند، مرحله‌ای لازم در سیر تفرّد زنان و حتی بازگشت آنها به سوی یک زنانگی اصیل‌تر است که به باور وی پس از درک و حاضر شدن در نزد ایزدبانوی روان تحقق می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** نامادری، تفرّد، قصه‌های پریان، ریخت‌شناسی پراپ، چرخه روانی مورداک.

۱. استادیار دانشگاه سلمان فارسی کازرون

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی



## معیارها و مؤلفه‌های توانمندسازی زنان در کشورهای مختلف

دکتر بابک شمشیری<sup>۱</sup>، دکتر فهیمه کشاورزی<sup>۲</sup>

مقدمه: جوامع گوناگون توسعه یافته و در حال توسعه تمرکز خود را بر روی برنامه‌های توانمندسازی زنان در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و غیره گذاشته‌اند. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و ابعاد مختلف توانمندسازی زنان در ۸ کشور منتخب از فهرست پایگاه علمی - آماری اسکوپوس و نیز کشورهای توسعه یافته انجام شده است. علاوه بر آن، این موضوع در سطح بین‌المللی و در سازمان‌های جهانی بانک جهانی، سازمان ملل، یونسکو و بنیاد آسیا نیز پرداخته شده، تا درک عمیق‌تری از نگاه‌ها و اقدامات در حوزه توانمندسازی زنان و مبارزه با نابرابری جنسیتی در سطح جهان به دست آید. روش‌شناسی: گردآوری داده‌ها در این روش با توجه به ماهیت کیفی پژوهش (پویا، چندجانبه و تعاملی) به صورت باز و به شکل مطالعه اسنادی انجام پذیرفت. جامعه آماری پژوهش شامل اسناد و مدارک موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی قابل دسترس پژوهشگران در حوزه خانواده بود.

یافته‌ها: با توجه به جستجویی که در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده تاکنون صورت گرفته، مشاهده گردید که کشور ایالات متحده آمریکا در این حوزه نقش پررنگ‌تری را ایفا کرده و منابع و زمان بیشتری به برنامه‌ها و ابعاد توانمندسازی زنان در سطح ملی و بین‌المللی اختصاص داده است. هم‌چنین کشورهای هندوستان، انگلستان، کانادا، آفریقای جنوبی، استرالیا، بنگلادش، نیجریه، پاکستان و هلند پس از آنها دارای جایگاه دوم تا دهم در پرداختن به پژوهش‌های حوزه توانمندی‌سازی زنان و برابری جنسیتی در جهان می‌باشند. این آمار که بر اساس تحلیل پایگاه علمی - آماری اسکوپوس به دست آمده است، نشان می‌دهد که این ده کشور در پرداختن به پژوهش در این حوزه‌ها سهم بیشتری داشته‌اند. علاوه بر کشورهای مذکور، بررسی موضوع توانمندسازی در سایر کشورهای توسعه یافته نیز حائز اهمیت است. چرا که دید بهتری را از اقدامات و نگاه این کشورها به برنامه‌ها و ابعاد توانمندسازی در سطح ملی و بین‌المللی می‌دهد. برخی از این کشورها که در اولویت‌های بعدی تحلیل پایگاه علمی اسکوپوس نیز به چشم می‌خورند، عبارت‌اند از: آلمان، ایتالیا، ژاپن، سوئد، سوئیس، برزیل، اسپانیا و ... هم‌چنین، برخی سازمان‌ها و بنیادهای معتبر جهانی، از جمله سازمان ملل، بانک جهانی، یونسکو و یونیسف، با توجه ویژه به بحث توانمندسازی زنان و رفع نابرابری جنسیتی چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، همگی سعی در بهبود وضعیت و جایگاه زنان در سطوح و ابعاد مختلف جامعه دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی، تغذیه، سلامت جسم و روح از مهم‌ترین ابعاد در بحث از توانمندسازی زنان و نیز رفع چالش‌های تنوع جنسیتی می‌باشد. ابعاد دیگری که در بحث توسعه پایدار پا به میدان گذاشته و سازمان‌ها و برخی کشورها به آن‌ها توجه نشان داده‌اند، عبارت‌اند از، مسائل فرهنگی، زیست‌محیطی و روان‌شناختی. با توجه به مطالب مذکور، توانمندسازی زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که به تمامی جوانب مهم آن توجه شده و آموزش‌های لازم برای استفاده از فرصت‌های به زنان داده شود. در این صورت است که با استفاده و به‌کارگیری شرایط فراهم آمده، سرمایه انسانی کشورها در جهان توسعه یافته و منجر به پایداری خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** مادر، خانواده، توانمندسازی مادر، توانمندسازی زنان.

۱. دانشیار و عضو هیات علمی، دانشگاه شیراز

۲. استادیار و عضو هیات علمی، دانشگاه شیراز

## بازنگری در نقش مادری زنان از دیدگاه جراید زن‌نگار دوره قاجار (مطالعه موردی: روزنامه زبان زنان)

علی باغدار دلگشا<sup>۱</sup>

مقدمه: دوره قاجار را یکی از ادوار مهم ظهور برخی اندیشه‌های تجددگرایانه در جامعه ایرانی می‌توان دانست. یکی از اصلی‌ترین این رویکردهای اصلاح‌گرایانه توجه به موضوع حقوق شهروندی زنان، مسئله زن و نقش مادری زنان در ایران بوده است. توجه به این مسائل با انتشار جراید زن‌نگار از ۱۲۸۹ شمسی به بعد با پرداختن به موضوعاتی چون نابرابری جنسیتی، برابری میان زنان و مردان و بازنگری در نقش مادری زنان همراه شد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر به روش اسنادی و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل محتوا گردآوری شده است. دوره زمانی مورد بحث در این پژوهش اختصاص به فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۹ شمسی دارد. منابع مورد استفاده نیز عبارتند از برشماری کامل و غیر گزینشی تمامی نسخ موجود از روزنامه زبان زنان که در کتابخانه دانشگاه هاروارد آمریکا موجود می‌باشند.

یافته‌ها: هم‌زمان با شکل‌گیری اندیشه‌های تجددطلبانه در دوره ناصری در رساله صد خطابه به موضوع ارتباط میان رحم زنانه و تربیت فرزندان توجه شده است. پس از آن برای نخستین بار جراید مردنگای چون حبل‌المتین با نگاهی سنتی و تا حدودی مردمدارانه به موضوع جایگاه تربیتی "عورات [زنان]" در خانواده توجه نشان داده شد. با انتشار جراید زن‌نگار در ایران در سال ۱۲۸۹ شمسی به بعد تغییرات در این خصوص مهم‌ترین نقش اجتماعی زنان، نقش مادری و مهم‌ترین وظیفه زنان، ارائه شد. هم‌زمان با انتشار سومین جریده زن‌نگار یعنی روزنامه زبان زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی به موضوع نقش مادری با نگاهی انتقادی نگریسته شد و بیش از نقش مادری به "جنس زن" توجه شد. روزنامه زبان زنان همانند روزنامه نامه بانوان با نگاهی انتقادی به موضوع زنانه پنداشتن نقش مادری پرداخت و برای مردان نیز همانند زنان نقش تعلیمی و تربیتی قائل شد. در میان جراید زن‌نگار دوره قاجار بیشترین توجه به نقش مادری زنان در سه روزنامه دانش، شکوفه و جهان‌زنان و انتقادی‌ترین نگاه به موضوع "نقش مادری" در دو جریده زبانی‌زنان و نامه بانوان انعکاس یافته است؛ البته روزنامه زبان زنان در دوره دوم انتشار خود که در سال ۱۳۲۱ شمسی بوده است تغییراتی در رویکردهای خود در خصوص "نقش مادری" داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: هم‌زمان با انتشار جراید زن‌نگار در سال‌های ۱۲۸۹ شمسی به بعد نقش مادری به عنوان اصلی‌ترین نقش زنانه مورد توجه قرار گرفت به صورتی که ضریب تکرار اصطلاح "مادر" و "مام" را از پرتکرارترین واژگان مندرج در جراید زن‌نگار دوره قاجار می‌توان دانست. با این وجود به دلیل اتخاذ برخی رویکردهای فمینیستی در دو جریده زبان‌زنان و نامه بانوان، این دو روزنامه زن‌نگار برای نخستین بار، موضوع نقش مادری و انحصار آن برای زنان را با رویکردی انتقادی مورد دقت نظر نشان دادند و در تلاش بودند تا اصطلاح "زنان باسواد" بدون تأکید شاخص بر نقش مادری را جایگزین اصطلاح مادران باسوادی سازند که تنها کارشان "تدبیر منزل" است.

**کلیدواژه‌ها:** نقش مادری، تغییرات اجتماعی، نابرابری جنسیتی، روزنامه زبان زنان، دوره قاجار

## مقام زن در اسلام

ملیحه خارایی<sup>۱</sup>، وحیده لطفی<sup>۲</sup>، مهسا مرادی<sup>۳</sup>، محمد کریمی<sup>۴</sup>

زن، مظهر رحمت و جمال خداوند است. امروزه دانشمندانی که مادی، غیر عقلانی و غیر وحیانی می‌اندیشند، با نگرش‌های متفاوتی به مقوله زن، باورهای انحرافی را به ذهن‌ها منتقل می‌کنند و از آن‌جا که نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و در طول تاریخ بر این قشر، ستم‌های فراوانی رفته و نیز در خصوص نابرابری زن و مرد نسبت‌های ناروایی به مکتب اسلام داده شده است و بانوان مسلمان در تیررس تهاجم فرهنگی قلم‌های مسموم قرار دارند، برآن شدیم که با استعانت از خداوند بزرگ، ضمن درک وظیفه خطیر قلم در این زمینه، در حد توان مطالبی را به رشته تحریر درآوریم؛ این در حالی است که دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، گام‌های مهمی در ترسیم جایگاه واقعی زن برداشته است و در نوشتار حاضر که به روش اسنادی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است با بررسی آیات و روایات و تفسیر نهج البلاغه، ضمن ارائه و ترسیم جایگاه والای زن در اسلام که نشأت گرفته از آیات و روایات است، به رفع شبهه از سخن امام علی(ع) در خطبه ۸۰ نهج البلاغه پرداخته شده است تا منظور از کلام مولا درباره نقص زن در ایمان و عقل و ارث مشخص شود و زمینه هرگونه انحراف و تحریف را چه در مقام معرفی و منزلت زن و چه در جایگاه استفاده ابزاری از او منتفی سازد و نیز روشن سازد که تعالیم اسلام و گفتار معصومین غیر قابل تردید و ضامن سعادت و خوشبختی ما هستند و بر ماست که اگر در آیه یا روایتی شبهه‌ای برایمان پیش آمد، بدون پیش‌داوری و یا جانبداری نا به حق و بدون این که آن را پایه و اساس اصول و اندیشه دینی قرار دهیم، تفسیر و تبیین آن را به اهلبیت واگذاریم.

**کلیدواژه‌ها:** مقام زن، اسلام

---

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲ کارشناس علوم تربیتی، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

۳ کارشناس علوم تربیتی، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

۴ کارشناس علوم تربیتی، پردیس شهید بهشتی مشهد

## نقش میانجی‌گری تعامل مادر و کودک در مدل روابط ساختاری تحول حرکتی و دیداری-فضایی با تحول هیجانی-کارکردی در کودکان پیش از دبستان

شیوا زارع زاده خیبری<sup>۱</sup>، سید امیر امین یزدی<sup>۲</sup>، شهربانو عالی<sup>۳</sup>، حسین کارشکی<sup>۴</sup>

مقدمه: در مرکز این رویکرد تحول یکپارچه، نقش هیجانات و علایق طبیعی کودک قرار دارد که برای یادگیری تعاملات ضروری است؛ تعاملاتی که بخش‌های مختلف ذهن و مغز را برای همکاری با یکدیگر و ایجاد سطوح بالاتری از ظرفیت‌های اجتماعی، هیجانی و شناختی قادر می‌سازد. در این میان تعامل مادر و کودک از اهمیت بسزای برخوردار است. از طرفی تحول یک کودک در واقع انبوهی از تجارب تعاملی است که از طریق تمام حواس در کنار هم گرد آمده و بر پایه‌ی تعامل با محیط پیرامون و دیگر افراد جهت فعال‌سازی، سازماندهی و یکپارچه‌سازی تجارب به منظور معنادهی بدان‌ها، شکل می‌گیرند. تحول دیداری-فضایی از مهم‌ترین بنیان‌های تحول است، چراکه نقش عملکرد اولیه‌ی تمام یادگیری‌ها و ارتباطات را بازی می‌کند. این توانایی آن چیزی است که افراد بازنمایی‌های ذهنی و درونی راجع به دنیای بیرون را بر پایه‌ی آن شکل می‌دهند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌گری تعامل مادر و کودک بر مدل رابطه تحول حرکتی و دیداری-فضایی بر تحول هیجانی-کارکردی انجام شد.

روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه کودکان بهنجار پیش‌دستانی شهر مشهد بودند. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۰۷ نفر بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با توجه به ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیر پژوهش از مقیاس‌های آزمون ارزیابی حرکتی-۲، پرسشنامه تحول دیداری-فضایی، مقیاس رابطه والد و کودک و پرسشنامه تحول هیجانی-کارکردی استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تحلیل مسیر تحلیل شدند.

یافته‌ها: پیش از بررسی ضرایب ساختاری برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. مقادیر اکثر شاخص‌های برازندگی مدل نشان‌دهنده برازش قابل قبول الگوی پیشنهادی با داده‌های حاصل از نمونه‌ها بودند ( $\chi^2 = 0/6$ ,  $RSMEA = 0$ ). یافته‌ها نشان داد که تحول حرکتی و تحول دیداری-فضایی با میانجی‌گری تعامل مادر و کودک پیش بین قدرتمندی برای تحول هیجانی-کارکردی کودکان بود. از طرفی رابطه معناداری بین تحول حرکتی و تحول دیداری-فضایی با تعامل مادر و کودک مشاهده شد و نیز تحول حرکتی و دیداری-فضایی با تحول هیجانی-کارکردی همبستگی مثبت معناداری داشتند. تحول حرکتی و دیداری-فضایی می‌توانند بر تحول هیجانی-کارکردی کودک نقش بسزایی داشته باشند. این اثرگذاری در بستری از رابطه مادر و کودک اتفاق می‌افتد. از آنجا که یافته‌های پژوهش ارتباط بین رابطه‌ی مادر و کودک و رشد هیجانی را نشان داد، و با توجه به علاقه و رغبت بسیاری از مادران برای افزایش آگاهی و درک خود برای تربیت فرزندشان، پیشنهاد می‌شود برای مادران کودکان کم سن و سال، یا مادرانی که نوزاد تازه متولد شده دارند، دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی جهت آشنایی با مفهوم تحول دیداری-فضایی برگزار شود. همچنین این دوره‌ها می‌تواند به توانمندسازی و آگاه‌سازی مادران از تاثیر تعاملاتشان بر تحول حرکتی، دیداری-فضایی و هیجانی نوزاد کمک کند.

**کلیدواژه‌ها:** تحول حرکتی، تحول دیداری-فضایی، تعامل مادر و کودک، تحول هیجانی-کارکردی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴. دانشیار گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

## حقوق مادران از منظر کنوانسیون های بین المللی

سید حسن موسوی<sup>۱</sup>، معصومه وزیری همامانه (یگانه)<sup>۲</sup>

منشور ملل متحد، نخستین اجماع بین المللی الزام آور است که بر تساوی زن و مرد تاکید نموده است. هیچ گاه در طول تاریخ، سندی حقوقی، بدین گونه، برابری همه انسانها را به رسمیت نشناخته بود. در مقدمه منشور، به تساوی حقوق بین زن و مرد و تشریک مساعی، پرداخته شده و در این راستا، صراحتاً بر تمایز از جهت نژاد، زبان و مذهب تکیه شده است؛ همچنین در بند ب ماده ۱۳ و بند ج ماده ۵۵ نیز این مساله مورد تاکید قرار گرفته است: ترویج همکاری بین المللی در زمینه های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب و احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب. در بین اهداف اساسی، نظام قیومیت وفق مقاصد ملل متحد تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب . . . و تامین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری برای همه اعضای ملل متحد و اتباع آن ها و نیز رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع قرار دارد. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی-تحلیلی می باشد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق مادر، کنوانسیون، میثاق بین المللی، سازمان ملل.

---

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان

۲ کارشناس حقوق قضایی

## فرزندپروری و ویژگی های شخصیتی مادر با پرخاشگری و اضطراب کودکان پیش دبستانی

عبدالجواد احمدی<sup>۱</sup>، سائنا هجرتی<sup>۲</sup>

ویژگی های شخصیتی مادر و روش های تربیتی وی به عنوان مهم ترین عوامل موثر در شکل گیری رفتار و ویژگی های شخصیتی کودکان آن ها مطرح شده است. این پژوهش به منظور بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و ویژگی های شخصیتی مادر با پرخاشگری و اضطراب کودکان پیش دبستانی انجام شده است. جامعه پژوهش، کلیه دانش آموزان دوره پیش دبستانی منطقه ۲ شهر تهران هستند که از این جامعه تعداد یکصد نفر (۶۱ دختر و ۳۹ پسر) به همراه مادران آن ها به صورت تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ملاقات با آزمودنی های تحقیق در محل مدرسه ۳۹ دختر و صورت گرفت و در همان محل به پرسشنامه های تحقیق پاسخ گفته شد. جهت جمع اوری اطلاعات از پرسش نامه های پرخاشگری رابطه ای و آشکار (شهیم، ۱۳۸۸)، فرم کوتاه پنج عاملی نئو، مقیاس چند بعدی اضطراب کودکان (مارچ و همکاران، ۱۹۷۷) و سبک های فرزند پروری (بامریند، ۱۹۹۱) استفاده شد. از موم فرضیه اول پژوهش که بر اساس مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی کاستا و مک کرا بنا شده بود نشان داد که روان رنجورخویی مادر با اضطراب و پرخاشگری کودکان رابطه مثبت دارد اما عامل های دلپذیری و مسئولیت پذیری مادر با اضطراب کودکان رابطه منفی دارد. فرضیه دیگر پژوهش که بر اساس نظریه سبک های دلبستگی با مریند مطرح شده و مورد آزمون قرار گرفت، نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با پرخاشگری و اضطراب کودکان رابطه منفی دارد و سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه مثبت معناداری را با پرخاشگری و اضطراب کودکان داراست. همچنین سبک فرزندپروری سهل گیرانه رابطه مثبت معناداری را با پرخاشگری کودکان آشکار ساخت. نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که ویژگی شخصیتی روان رنجورخویی و سبک فرزندپروری مستبدانه به نحو قوی تری پیش بینی کننده اضطراب و پرخاشگری کودکان هستند.

**کلیدواژه ها:** سبک های فرزندپروری، ویژگی های شخصیتی، پرخاشگری، اضطراب، کودکان پیش دبستانی

۱. عضو هیئت علمی گروه روان شناسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی

## مقایسه سبک‌های فرزند پروری مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی و عادی

مهدی ارخودی قلعه نوئی<sup>۱</sup>، فاطمه جنگی<sup>۲</sup>، معصومه نقی پور<sup>۳</sup>

مقدمه: سبک فرزند پروری یکی از مؤلفه‌های اساسی در تربیت فرزندان است و زمینه‌ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش‌ها، احساس‌ها و عادت‌های افراد است. در نظریه بامریند سه سبک اساسی فرزند پروری مشتمل بر استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه تعریف شده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های فرزند پروری مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی و عادی شهر مشهد انجام شد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه ای بود. جامعه آماری شامل مادران دانش آموزان دبستانی کم‌توان ذهنی و عادی شهر مشهد و نمونه پژوهش شامل ۲۴۰ نفر (۱۲۰ نفر از مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی و ۱۲۰ نفر از مادران دانش آموزان عادی) بود. مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی به شیوه دردسترس از میان دو مدرسه ابتدایی (یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه) کم‌توان ذهنی و مادران دانش آموزان عادی به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و از آن‌ها خواسته شد تا به پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری که در سال ۱۹۹۵ توسط رابینسون، ماندلکو، السن و هارت، ساخته و در سال ۲۰۰۲ توسط علیزاده و آندریس در ایران هنجاریابی شده است پاسخ دهند. شایان ذکر است پرسشنامه مذکور دارای روایی و پایایی قابل قبولی در هر سه سبک فرزند پروری است.

یافته‌ها: برای آزمون فرض معنی‌داری از تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه سبک‌های فرزند پروری مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی و عادی استفاده شد نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد میانگین نمره سبک فرزند پروری استبدادی مادران کودکان کم‌توان ذهنی (۳۹,۸۹) از میانگین نمره این سبک در مادران دانش آموزان عادی (۲۸,۶۲) بالاتر بود که این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار بود ( $F=45.802$  و  $P<0.001$ ). همچنین میانگین نمره سبک فرزند پروری اقتداری در مادران دانش آموزان عادی (۶۲,۰۶) از میانگین نمره مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی (۵۶,۲۰) به‌طور معنی‌داری بالاتر بود ( $F=13.019$  و  $P<0.001$ ). افزون بر این میانگین سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه مادران دانش آموزان عادی (۱۳,۳۴) بالاتر از میانگین نمره مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی (۱۲,۸۹) بود اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست ( $F=0.379$  و  $P>0.05$ ).

بحث و نتیجه‌گیری: در انتخاب یک سبک فرزند پروری مؤلفه‌های بسیاری چون توانایی شناختی، مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی و عزت‌نفس اثرگذار است. از آنجا که تفاوت معنی‌داری بین مؤلفه‌های فوق‌الذکر در دانش آموزان عادی و کم‌توان ذهنی وجود دارد، می‌توان تفاوت در سبک‌های فرزند پروری مادران این دو گروه را تبیین نمود. با توجه به تفاوت در وضعیت اجتماعی اقتصادی در خانواده دو گروه، تعمیم نتایج به جامعه نیازمند لحاظ متغیرهای فوق‌الذکر است. محدودیت‌هایی نیز در هنگام اجرای پژوهش وجود داشت که می‌توان به داده‌های از دست‌رفته زیاد با توجه به سواد اندک برخی مادران و نیز عدم تمایل مادران برای شرکت در پژوهش اشاره نمود که این امر موجب نیاز به تعداد نمونه بیشتری جهت انجام پژوهش بود. درنهایت با توجه به تفاوت بین سبک‌های فرزند پروری در دو گروه، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش سبک‌های فرزند پروری برای مادران دانش آموزان کم‌توان ذهنی ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزند پروری، دانش آموزان دبستانی، کم‌توان ذهنی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه خيام مشهد

۳. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور

## اثر بخشی گروه درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر مؤلفه‌های روانی مثبت

### مادران دارای کودک اوتیسم

محمد ارقبایی<sup>۱</sup>، فریبا قلعه نوی<sup>۲</sup>

زمینه: اختلالات طیف اوتیسم، نوعی از اختلالات عصب‌رشدی در دوران کودکی است که تاثیرات روانی آن متوجه والدین و اطرافیان کودک مبتلا می باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر مولفه های روانی مثبت مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم انجام شد.

روش بررسی: روش پژوهش نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون‌پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی مادران دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اوتیسم که به مراکز آموزشی کودکان اوتیسم زیر نظر بهزیستی شهر مشهد مراجعه کردند بود. نمونه‌گیری به شیوه در دسترس انجام شد. ۳۰ نفر از مادران دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اوتیسم براساس ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند (هر گروه ۱۵ نفر). گروه آزمایشی، قبل و بعد از مداخله، به پرسشنامه مؤلفه‌های روانی مثبت پاسخ دادند. در گروه آزمایش درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد براساس بسته درمانی لیلیس<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۸) انجام شد و هیچ گونه مداخله‌ای بر گروه کنترل صورت نگرفت.

یافته‌ها: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری تفاوت معناداری بین میانگین پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های روانی مثبت نشان داد ( $P < 0.05$ )؛ به‌طور کلی مداخله مبتنی بر رویکرد پذیرش و تعهد بر بهبود مؤلفه‌های مثبت روانی (توکل به خدا، خوش بینی، احساس کارآمدی، وظیفه‌شناسی، احساس کنترل، هدفمندی، امیدواری، معنادار بودن زندگی، رضایت از زندگی، خلق مثبت و شادمانی، اجتماعی بودن، عزت نفس و احساس ارزشمندی، احساس آرامش) مثبت مادران دارای کودک اوتیسم تأثیر معناداری داشته است.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج، برای ایجاد و بهبود مولفه های روانی مثبت مادران دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اوتیسم می‌توان از درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد برای مادران کودکان اختلال طیف اوتیسم بهره برد.

**کلیدواژه‌ها:** گروه درمانی، پذیرش و تعهد، مؤلفه‌های روانی مثبت، اوتیسم.

۱. دکترای مشاوره خانواده، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد



## سبک‌های فرزندپروری ادراک شده: با نگاهی بر تفاوت‌های جنسیتی

سمانه اسعدی<sup>۱</sup>، مدینه یکتاپرست<sup>۲</sup>

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با توجه به تفاوت‌های جنسیتی در گروه نمونه ۱۲ تا ۲۵ ساله انجام گرفت، و با استفاده از آنچه که افراد گزارش کرده بودند به این مسئله پرداخت که ادراک افراد از سبک‌های فرزندپروری والدینشان با توجه به جنسیتش چه تفاوت‌هایی دارد؟ روش‌شناسی: این پژوهش از نوع همبستگی بود و جامعه‌ی آماری آن شامل تمامی افراد ۱۲ تا ۲۵ ساله ساکن یا مشغول به تحصیل در شهر یزد در سال تحصیلی ۱۳۹۵ بودند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۴۰ نفر دختر و پسر بودند که به صورت تصادفی ساده نمونه‌گیری شدند، و به پرسشنامه‌ی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده (نقاشیان، ۱۳۵۸) پاسخ دادند. پرسشنامه مرکب از ۷۷ گویه است که فرزندان بر حسب روشی که والدینشان با آن‌ها برخورد کرده‌اند بر اساس یک مقیاس لیکرتی ۵ گزینه‌ای در دامنه‌ی ای از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم به سوالات پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه شامل دو بعد اصلی تربیت یعنی (( کنترل آزادی )) و (( محبت طرد )) است که هر دو بعد از تعدادی مقیاس فرعی تشکیل شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های دو استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌ها: بر اساس نتایج آزمون‌های دو ادراک سبک‌های فرزندپروری بر اساس جنسیت متفاوت بود. با توجه به درصد فراوانی هر یک از سبک‌های فرزندپروری در دوجنس، اگرچه سبک فرزندپروری مقتدر به عنوان ایده‌آل‌ترین سبک فرزندپروری در هر دوجنس بیشترین میزان را داشت اما زنان به نسبت مردان بیشتر تحت تاثیر این نوع فرزندپروری بودند. مردان بعد از سبک مقتدر بیشتر تحت تاثیر سبک فرزندپروری بی‌اعتنا بوده‌اند، در حالی که سبک آسان‌گیر برای دختران جایگاه دوم را داشت. از سوی دیگر کم‌ترین سبک فرزندپروری ادراک شده در زنان سبک فرزندپروری بی‌اعتنا و در مردان سبک فرزندپروری سختگیر بود. بحث و نتیجه‌گیری: به طور کلی سبک فرزندپروری مقتدر هم در دختران و هم در پسران نسبت به سایر سبک‌ها بیشتر ادراک شده است، اما با توجه به تفاوت تاثیر نیروهای اجتماعی، نقش‌پذیری جنسیتی، جامعه‌پذیری متفاوت و جامعه‌ی سنتی (گافمن، ۱۹۹۷)، با دختران بیشتر به سبک مقتدر برخورد شده است. از سوی دیگر بر خلاف پسران با دختران به ندرت به سبک بی‌اعتنا برخورد شده است که با توجه به بافت سنتی و مذهبی شهر یزد و نظام سنتی حاکم قابل توجه است (برای مثال؛ کراچی، ۱۳۹۴). از آنجایی که این پژوهش در بافت سنتی شهر یزد انجام شده تعمیم نتایج آن به سایر مناطق باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مرتبط با سبک‌های فرزندپروری به طور مستقیم روی والدین و در مورد والدینی که فرزندان سنین پایین‌تر دارند نیز اجرا شود تا نتایج قابل اطمینان‌تری به دست آید.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، سبک فرزندپروری، ادراک شده

۱ استادیار بخش روانشناسی، دانشگاه یزد

۲ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه یزد

## مادرخواندگی: فرصت ها و چالش های ایفای نقش مادری برای کودکان بی سرپرست و بدسرپرست

سید محسن اصغری نکاح<sup>۱</sup>

مقدمه: کودکان بی سرپرست و بدسرپرست (OVC) به دلایل مختلفی از خانواده و آغوش مادر زیستی خویش محروم می شوند و نیازمند راه های جایگزین مراقبت و سرپرستی هستند و در این میان مادرخوانده به عنوان مادر تربیتی و مراقبتی کودک می تواند بخش عمده ای از خلاء حضور مادر را جبران نماید هر چند این مسیر با فراز و نشیب های ویژه ای همراه است که مقاله حاضر آنها را از منظر تجارب مشاوره و تعامل با مادران متقاضی فرزندخواندگی یا مادران فرزندپذیرفته مورد بررسی قرار میدهد و راهکارهایی را برای افزایش فرصت ها و کاهش آسیب های احتمالی پیشنهاد می کند.

روش شناسی: روش مقاله حاضر از نوع مروری- تحلیلی است و برخاسته از حدود ۱۵ سال تجارب تربیتی- مشاوره ای در تعامل با مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست و خانواده های متقاضی فرزندخواندگی است.

یافته ها: آمارهای موجود نشان می دهد، سالانه حدود ۱۶۰۰ کودک به فرزندخواندگی بصورت امین موقت سپرده می شوند که اکثر آنها بدسرپرست و دارای والدین زیستی فاقد صلاحیت هستند، از طرفی یافته ها نیز نشان می دهد شیرخوارگاه و مراکز نگهداری کودکان OVC، فضایی روانشناختی مناسبی برای رشد همه جانبه کودکان نیست و لازم است در اولین موقعیت، این کودکان از شرایط روان شناختی و تربیتی خانواده جایگزین تحت عنوان کلی فرزندخواندگی بهره مند شوند. هرچند همه اعضای خانواده به سهم خود درگیر مساله می شوند، لیکن بار اصلی فرزندپذیری بر دوش مادران خانواده است. اسناد و گزارش های موجود نشان میدهد طرح امین موقت و اجرای آزمایشی طرح مشک از طرف بهزیستی برای تسهیل پیوندزدن کودکان به محیط خانواده طراحی و اجرا شده است و اکنون خانواده های بسیاری نیز تمایل به پذیرش فرزند دارند لیکن در کنار لحظات خوشایند، چالش های متعددی نظیر مشکلات خاص زندگی با فرزندخوانده و گاه ناکامی در فرزندخواندگی و بازگرداندن کودک به مراکز نگهداری نیز توسط مادرخوانده ها گزارش می شود که نیازمند چاره جویی و ارائه خدمات تخصصی به مادر خوانده ها در فرایند فرزندپذیری و فرزندپروری است.

بحث و نتیجه گیری: فرزندپذیری و ایفای نقش مادرخواندگی فرصتی است چالش انگیز که نیازمند انتخابی آگاهانه و فرزندپروری ماهرانه و نیازمند رضایت دورنی و همراهی همسر و خانواده و بخصوص نیازمند بهره مندی از آموزش و خدمات مشاوره ای قبل و حین پذیرش فرزندخوانده است، لازم است علاوه بر لزوم اصلاح نگرش به کودک بی سرپرست و جایگاه مادر خوانده و فرهنگ سازی و ترویج فرزندپری و مسایلی نظیر: آگاهی از چالش های فرزندپذیری، شناخت انگیزه های واقعی، آمادگی برای بیان واقعیت، مواجهه با مشکلات فرزندپروری، بلوغ و نوجوانی، بحران هویت یابی، مسایل تحصیلی، تربیتی و معنوی فرزندخوانده، چالش بین فرزندخوانده و سایر فرزندان، آمادگی برای ارتباط فرزندخوانده با خویشاوندان، آمادگی برای تحویل احتمالی فرزندخوانده به والدین زیستی، همچنین نحوه مواجهه با کنجکاو و مداخله دیگران در کانون توجه سازمان های متولی و متخصصان مرتبط برای حمایت از خانواده های فرزندپذیر بخصوص شخص مادرخوانده باشد، بدین ترتیب می توان چالش های مادرخواندگی را به فرصتی برای کودکان OVC و خانواده های فرزندپذیر تبدیل کرد.

**کلیدواژه ها:** مادرخوانده، فرزندپذیری، کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، مشاوره فرزند خواندگی.

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی

## نگرش قانون اساسی به حقوق مادران

محسن افتخاری<sup>۱</sup>، معصومه وزیری همامانه(یگانه)<sup>۲</sup>

در مقدمه قانون اساسی ایران مبحثی به زن در قانون اساسی اختصاص یافته است که ضمن آن به استیفای حقوق زنان تحت ستم (بیشتر) نظام طاغوتی در نظام جمهوری اسلامی اشاره شده است و در ادامه با اشاره به نقش خانواده در ساختن اجتماعی سالم، به نقش زن به عنوان مادر پرداخته و ارزش و کرامتی والا را برای وی فرض نموده است. اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی افراد اعم از زن و مرد را از مناظر حقوق انسانی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی یکسان در حمایت قانون دانسته است و در اصل بیست و یکم بر وظیفه دولت در تضمین حقوق زن با رعایت موازین اسلامی تاکید کرده است و از جمله این وظایف را حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و نیز اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها و در صورت نبود ولی شرعی دانسته است؛ قوانین ساری و جاری نیز بر همین مبنا تدوین شده اند. آنچه بدیهی است این است که مادری تنها خاصیت فیزیولوژیکی زن نیست، به واسطه به وجود آمدن فرزند نه تنها تکالیفی برای مادر ایجاد می شود بلکه حقوقی نیز باید برایش مفروض شود، حقوقی که متأسفانه در قوانین ما چندان به رسمیت شناخته نمی شود؛ حقوق مادر را نمی توان تنها به حق حضانت در دوران کودکی فرزند و یا قیمومیت ( و نه سرپرستی ) با قید و شرط های فراوان خلاصه کرد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق مادران، حقوق کودک، قانون اساسی، موازین اسلامی.

---

۱ . مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامسر

۲ کارشناس حقوق قضایی

## پیش بینی خودکارآمدی پرهیز از مواد بر اساس گرایش به رفتارهای پر خطر و سرمایه روانشناختی

### مادران سرپرست خانواده

مطهره اله ربی<sup>۱</sup>

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی خودکارآمدی پرهیز از مواد بر اساس گرایش به رفتار پرخطر و سرمایه روانشناختی دانش آموزان انجام شد. طرح پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزانی بود که در سال ۱۳۹۶ در دبیرستان تحصیل می کردند. نمونه پژوهش ۱۰۰ نفر از دانش آموزان که به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری پژوهش شامل پرسشنامه سنجش میزان خودکارآمدی پرهیز از مواد، مقیاس خطرپذیری و پرسشنامه سرمایه روانشناختی بود. پرسشنامه بعد از جمع آوری با نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد مولفه های پرخطر در کل ۴۱ درصد از واریانس نمرات خودکارآمدی پرهیز از مواد را تبیین می کند و مولفه های گرایش به الکل، گرایش به الکل، گرایش به رابطه با جنس مخالف قادر به پیش بینی خودکارآمدی پرهیز از مواد می باشند. سرمایه های روانشناختی ۴۹ درصد از واریانس نمرات خودکارآمدی پرهیز از مواد را تبیین می کند و مولفه های امید، تاب آوری و خوش بینی به صورت مثبت و معنادار قادر به پیش بینی خودکارآمدی پرهیز از مواد می باشند. در کل گرایش به رفتار بزهکارانه و پرخطر، افراد را به سمت اعتیاد سوق می دهد و خودکارآمدی پرهیز از مواد را افزایش می دهد و افزایش سرمایه های روانشناختی نیز پرهیز از مواد را افزایش می دهد.

---

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

## بررسی ارتباط عوامل فردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ازدواج دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی مشهد

حمید رضا امیرزاده<sup>۱</sup>، حسین کدخدای<sup>۲</sup>، حسین حسن زاده<sup>۳</sup>، علی حیدری<sup>۴</sup>، امیر حسین رضایی<sup>۵</sup>

هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتباط ازدواج دانشجویان فرهنگی با عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و اجتماعی بود. روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش دانشجویان هفت رشته‌ی متفاوت کارشناسی پیوسته‌ی دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی مشهد در بازه‌ی زمانی ترم پاییز ۱۳۹۷ به تعداد ۳۵۰ دانشجو بود، که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۱۱۵ نفر برای پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه عوامل موثر در ازدواج آسان از شمخانی و یوسفی بود. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاکی از آن بود که: بین عوامل فردی با عوامل اجتماعی ( $r=37, p<0001$ )، عوامل فرهنگی ( $r=30, p<001$ ) و عوامل دولتمردان و مسئولین تفاوت معنادار ( $r=24, p<01$ ) وجود دارد. بین عوامل اجتماعی با عوامل فرهنگی ( $r=41, p<0001$ )، اقتصادی ( $r=30, p<001$ )، دولتمردان و مسئولین تفاوت معنادار ( $r=30, p<001$ ) وجود دارد. بین عوامل فرهنگی با عوامل اقتصادی ( $r=24, p<008$ )، دولتمردان و مسئولین تفاوت معنادار ( $r=51, p<0001$ ) وجود دارد. این تحقیق بر روی پسران دانشجوی فرهنگی و آن هم بر روی تعداد محدودی انجام شد بنابراین در تعمیم دادن نتایج آن باید دقت بیشتری نمود. نتایج این تحقیق می‌تواند به دولتمردان و دست‌اندرکاران امر ازدواج کمک شایانی بنماید.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج، دانشجویان فرهنگی، عوامل فردی، اجتماعی، مسئولین.

---

۱ دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی، مشهد  
۲ استادیار روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی، مشهد  
۳ دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی، مشهد  
۴ دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی، مشهد  
۵ دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی، مشهد

## ضرورت آموزش و استفاده از والدین در شناسایی و هدایت دانش‌آموزان با استعداد (طرح شهاب)

محسن آیتی<sup>۱</sup>، محمد علی پور<sup>۲</sup>

مقدمه: دانش‌آموزان با استعداد و تیزهوش، نخبگان آینده‌ساز کشور هستند. شناسایی و هدایت این دانش‌آموزان یکی از رسالت‌های مهم نظام آموزشی است. در ایران طرح شهاب جهت شناسایی و هدایت این دانش‌آموزان اجرا شده است، در این طرح معلم نقش محوری را دارد و شناسایی دانش‌آموزان صرفاً برعهده معلمان است. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد وجود یک منبع جهت شناسایی و هدایت کافی نیست و والدین می‌توانند نقش بسزایی در امر شناسایی و هدایت دانش‌آموزان با استعداد داشته باشند. هدف از این پژوهش بررسی نقش والدین در شناسایی و هدایت دانش‌آموزان با استعداد برتر و تیزهوش است.

روش‌شناسی: روش این پژوهش توصیفی - مروری است و از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های قبلی استفاده شده است. در این مقاله سعی شده که در زمینه مفهوم شناسایی تیزهوشی، با استعدادی و مفاهیم مرتبط با آن‌ها، ویژگی‌های دانش‌آموزان با استعداد و تیزهوش، نقش والدین در شناسایی و هدایت دانش‌آموزان و ضرورت آموزش به والدین در راستای امورات دانش‌آموزان با استعداد اطلاعاتی ارائه شود.

یافته‌ها: نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به اینکه دانش‌آموزان از ابتدای کودکی و بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنند، والدین می‌توانند در ترسیم ویژگی‌ها و استعداد فرزندان نقش بسزایی داشته باشند. از آنجایی که طرح شهاب به دنبال شناسایی دانش‌آموزان با استعداد است، باید نظر والدین همراه با سنجش معلم، معیاری برای شناسایی قرار بگیرد. همچنین در مرحله دوم والدین باید زمینه هدایت این استعدادها را برای فرزندان خود فراهم نمایند و از آن‌ها حمایت‌های معنوی، عاطفی و مادی نمایند. در جامعه مدرن امروزی، برخورد با دانش‌آموزان با استعداد به صورت فعالانه و صبورانه ضرورت دارد و آموزش والدین در جهت هدایت و حمایت از دانش‌آموزان با استعدادشان ضرورتی انکارناپذیر است، تا فرصت آشنایی با این دانش‌آموزان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها فراهم شود تا والدین به توانایی شناخت و درک بهتر مشکلات این دانش‌آموزان برسند.

بحث و نتیجه‌گیری: شناسایی و هدایت دانش‌آموزان با استعداد در مدارس نمی‌تواند صرفاً براساس نظر معلمان صورت بگیرد و می‌بایست از منابع و ابزارهای دیگر مانند والدین استفاده گردد تا امر شناسایی و هدایت دانش‌آموزان مستعد بهتر صورت گیرد. لذا می‌بایست در حوزه طرح ملی شهاب، ابزاری جهت دریافت نظر والدین در حوزه استعدادها و فرزندانشان طراحی شود، که تحلیل داده‌های آن، در کنار نظر معلم معیاری برای سنجش استعداد دانش‌آموزان باشد یا معلمان مجری طرح شهاب از نظر والدین در خصوص استعداد فرزندانشان در طرح شهاب کمک بگیرند و نظر آن‌ها را دریافت و به کار بندند. در حوزه آموزش طرح شهاب به والدین، می‌بایست کتابی تدوین گردد و برای آن‌ها کارگاه‌هایی غنی برگزار گردد، تا با نحوه چگونگی شناسایی و هدایت این دانش‌آموزان آشنا شوند.

**کلیدواژه‌ها:** والدین، طرح شهاب، دانش‌آموزان، استعداد برتر.

۱. دانشیار برنامه ریزی درسی، هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند

## پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس تعارض والد-فرزند و کمال‌گرایی

فرزین باقری شیخانگفشه<sup>۱</sup>، زهرا نجاتی<sup>۲</sup>

مقدمه: اهمال‌کاری، برای توصیف اقدام به انجام عملی که به صورت غیرضروری به تأخیر افتاده است، به کار می‌رود و در نهایت زمانی تمایل به تکمیل آن کار در فرد به وجود می‌آید که از نظر هیجانی احساس ناراحتی کند. در این راستا هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس تعارض والد-فرزند و کمال‌گرایی در دانش‌آموزان شهر رشت بود.

روش‌شناسی: طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوره اول ناحیه دو شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ بود. نمونه‌ها ۲۰۰ دانش‌آموزان پسر و دختر مقاطع هفتم، هشتم و نهم بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. دانش‌آموزان به پرسشنامه‌های اهمال‌کاری تحصیلی (سولومون و راثلوم، ۱۹۸۴)، تعارض والد-فرزند (اشتراس، ۱۹۹۰) و کمال‌گرایی چند بعدی (هویت و فلت، ۱۹۹۱)، پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد.

یافته‌ها: اثر تعارض والد-فرزند ( $p < 0/05$ ) و کمال‌گرایی ( $p < 0/01$ ) بر اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان، مثبت و معنادار بود. همچنین تعارض والد-فرزند و کمال‌گرایی مقدار قابل توجهی از واریانس نمرات اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع، نتایج به دست آمده ارتباط و امکان پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان از طریق بررسی تعارض والد-فرزند و کمال‌گرایی را در نوجوانان نشان می‌دهند. بر طبق یافته‌های حاصل از پژوهش، می‌توان کاهش تعارضات میان والدین و فرزندان و همچنین کمتر کردن کمال‌گرایی، از میزان اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان کاست.

**کلیدواژه‌ها:** اهمال‌کاری تحصیلی، تعارض والد-فرزند، کمال‌گرایی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان

## نقش نظارت والدین، شیوه حل مسئله و خودتنظیمی در بروز رفتارهای پرخطر

فرزین باقری شیخانگفشه<sup>۱</sup>، زهرا نجاتی<sup>۲</sup>

مقدمه: دوره نوجوانی از دوران‌های مهم و سرنوشت ساز زندگی انسان محسوب می‌شود. در این دوره که حد فاصل بین دوره کودکی و جوانی محسوب می‌شود، نوجوانان تغییرات بسیار سریع جسمی، روانی و اجتماعی را تجربه می‌کنند. در این راستا هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس نظارت والدین، شیوه حل مسئله و خودتنظیمی در دانش‌آموزان شهر رشت بود. روش‌شناسی: طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوره دوم شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود. نمونه‌ها ۲۵۰ دانش‌آموزان پسر و دختر بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. دانش‌آموزان به پرسشنامه‌های رفتارهای پرخطر (شجاعی و باغینی، ۱۳۸۷)، نظارت والدین (سینگر و همکاران، ۲۰۰۴)، نظارت والدین (هپنر و پترسن، ۱۹۸۲) و خودتنظیمی (بوفارد و همکاران ۱۹۹۵)، پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد.

یافته‌ها: اثر نظارت والدین ( $p < 0/01$ )، شیوه حل مسئله ( $p < 0/01$ ) و خودتنظیمی ( $p < 0/05$ ) بر رفتارهای پرخطر نوجوانان، منفی و معنادار بود. همچنین نظارت والدین، شیوه حل مسئله و خودتنظیمی مقدار قابل توجهی از واریانس نمرات رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع، نتایج به دست آمده ارتباط و امکان پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان از طریق بررسی نظارت والدین، شیوه حل مسئله و خودتنظیمی را در نوجوانان نشان می‌دهند. بر طبق یافته‌های حاصل از پژوهش، می‌توان با مدیریت و افزایش نظارت والدین، شیوه حل مسئله و خودتنظیمی، از میزان رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان کاست.

**کلیدواژه‌ها:** خودتنظیمی، رفتارهای پرخطر، شیوه حل مسئله، نظارت والدین

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان



## نقش سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده در پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی

فرزین باقری شیخانگفشه<sup>۱</sup>، زهرا قائمی<sup>۲</sup>

مقدمه: خودکارآمدی به شیوه‌های مختلف بر رشد و کارکرد شناختی افراد تأثیر فراوان می‌گذارد. باور دانشجویان نسبت به خودکارآمدیشان می‌تواند به طور قابل توجهی بر یادگیری و موفقیت‌های تحصیلی آن‌ها تأثیر مستقیم داشته باشد. در این راستا هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی بر اساس سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده در دانشجویان دانشگاه گیلان بود.

روش‌شناسی: طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ بود. نمونه‌ها ۲۰۰ دانشجوی خانم و آقا بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. دانشجویان به پرسشنامه‌های خودکارآمدی تحصیلی (اون و فرامن، ۱۹۸۸)، سبک‌های دلبستگی (هازان و شیور، ۱۹۸۷) و انسجام سازمان یافته خانواده (فیشر و همکاران، ۱۹۹۲)، پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد.

یافته‌ها: اثر سبک دلبستگی ایمن ( $p < 0/01$ ) و انسجام خانواده ( $p < 0/01$ ) بر خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، مثبت و معنادار بود. اثر سبک‌های دلبستگی اجتنابی ( $p < 0/01$ ) و اضطرابی ( $p < 0/01$ ) بر خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، منفی و معنادار بود. همچنین سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده، مقدار قابل توجهی از واریانس نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان را پیش-بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع، نتایج به دست آمده ارتباط و امکان پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان از طریق بررسی سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده را در افراد نشان می‌دهند. بر طبق یافته‌های حاصل از پژوهش، می‌توان با افزایش سبک‌های دلبستگی ایمن و افزایش انسجام خانواده، میزان خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان را افزایش داد.

**کلیدواژه‌ها:** انسجام خانواده، خودکارآمدی تحصیلی، سبک‌های دلبستگی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان

## اثر بخشی آموزش فرزندپروری مثبت نگر ساندرز بر بهبود رابطه مادر\_ کودک

فائزه بهمنی<sup>۱</sup>، علیرضا رجایی<sup>۲</sup>، محمد ابراهیم حکم آبادی<sup>۳</sup>

هدف از پژوهش حاضر تعیین میزان اثر بخشی آموزش فرزند پروری مثبت نگر ساندرز بر بهبود رابطه ی مادر - کودک مادران کودکان دبستانی(۷-۱۲ ساله) بود . این پژوهش نیمه آزمایشی ، از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود . جامعه ی آماری مادرانی بودند که فرزندان آن ها در دبستان دخترانه پروین اعتصامی تحصیل می کردند و یا مراجعین کلینیک رسا و مرکز توانبخشی نغمه بودند. با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۱۲۰ نفر از مادران انتخاب شدند و سپس پرسشنامه رابطه ی مادر - کودک (رجایی و مطیع)، را پر کردند. سپس از بین آنها تعداد ۴۰ نفر که تحمل پایین تری داشتند را انتخاب کرده و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند و بعد از آن گروه آزمایش در ۸ جلسه ی ۹۰ دقیقه ای آموزش فرزند پروری در مدت یک ماه و هفته ای دو جلسه شرکت کردند و پس از پایان دوره ی آموزش پس آزمون و پیگیری برگزار گردید و داده های به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (تحلیل واریانس اندازه گیری مکرر) تجزیه و تحلیل شدند، یافته های به دست آمده نشان دادند که میانگین نمرات رابطه مادر - کودک در پس آزمون گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات پس آزمون گروه کنترل بالاتر بوده است . براساس یافته های این تحقیق می توان گفت که آموزش فرزند پروری مثبت نگر ساندرز بر بهبود رابطه ی مادر کودک کودکان دبستانی تاثیر دارد.

**کلیدواژه ها:** فرزندپروری مثبت نگر، رابطه ی مادر - کودک

---

۱ گروه روانشناسی، واحد تربیت جام، دانشگاه آزاد اسلامی

۲ گروه روانشناسی، واحد تربیت جام، دانشگاه آزاد اسلامی

۳ گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی

## بررسی مقایسه‌ای رابطه‌ی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار مادران با و بدون کودکان دارای نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای (ODD)

ناهید پارسایی<sup>۱</sup>، حمیدرضا آقامحمدیان شعرفاف<sup>۲</sup>، زهرا طبیبی<sup>۳</sup>، مرضیه دین دوست<sup>۴</sup>

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه نظم جویی شناختی هیجان مادران با کودکان مبتلا به نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای و کودکان عادی انجام شد.

روش شناسی: پژوهش با توجه به هدف کاربردی و با توجه به عدم دخالت محقق در داده‌ها توصیفی، از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مادران دارای کودک ۵ تا ۷ ساله مشغول به تحصیل در مقطع پیش دبستانی (آمدگی) در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ در مناطق ۷ گانه آموزش و پرورش شهر مشهد، بوده است. برای دستیابی به نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. مادران پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۲) و پرسشنامه علایم مرضی کودکان گادو و اسپیرافکین (۱۹۹۴) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران و نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای کودکان، رابطه منفی معنادار وجود دارد. بدین معنی که مادرانی که راهبردهای سازگارانه‌ای جهت تنظیم شناختی هیجان خود در مقابله با موقعیت‌های تنش‌زا استفاده می‌کنند به احتمال کمتری دارای فرزندی با نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای خواهند بود. همچنین بین راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مادران و نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای کودکان، رابطه مثبت معنادار وجود دارد، یعنی مادرانی که راهبردهای ناسازگارانه برای تنظیم شناختی هیجان خود استفاده می‌کنند به احتمال بیشتری دارای فرزندی با نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای خواهند بود. به این ترتیب هر دو فرضیه پژوهش تایید شد. با در نظر گرفتن نتایج فوق به نظر می‌رسد که آموزش راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان برای بهبود تعامل والد-کودک و کاهش مشکلات رفتاری کودکان ضروری است. یافته‌های پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش‌های مشابه همخوان است. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این مورد اشاره کرد که پژوهش بر روی نمونه‌ای محدود از مادران و فرزندان آنها انجام شد که تعمیم‌پذیری نتایج را با مشکل مواجه می‌کند. محدودیت دیگر پژوهش آن است که پرسشنامه‌ها ماهیت خودسنجی داشتند. پیشنهاد می‌شود رابطه بین راهبرد تنظیم شناختی هیجان با سایر اختلالات روانی و رفتاری کودکان مورد بررسی قرار گیرد، این پژوهش در سایر گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان انجام شود و رابطه این متغیرها در جمعیت بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلال نافرمانی مقابله‌ای، راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان، راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان، مادر

۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲ استاد گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳ دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴ دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

## رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با سازگاری و سلامت روان فرزندان با تأکید بر دیدگاه اسلام

شهلا پاکدامن<sup>۱</sup>، بهاره السادات حیدریه زاده<sup>۲</sup>

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد در تاریخ و تمدن انسانی است که افراد بشری در آن با شیوه‌های زندگی جمعی و تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می‌گردند. خانواده مناسب‌ترین بستر فعلیت یافتن قابلیت‌ها و استعدادها و توانایی‌های انسان است و بخش اعظمی از شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تحمل، بردباری در برابر دیگران و واکنش‌های عاطفی در آن شکل می‌گیرد. هدف از نگارش این مقاله بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و نقش آن بر بهزیستی و سلامت روان فرزندان با تأکید بر دیدگاه اسلام بود که با روش کتابخانه‌ای (تحلیلی - اسنادی) و با استفاده از کتاب‌ها و منابع الکترونیکی و بانک اطلاعاتی انجام شد. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که چهار نوع شیوه‌های تربیتی در خانواده‌ها، والدین بر فرزندان اعمال می‌کنند که عبارت‌اند از: (۱) شیوه تربیتی استبدادی (۲) شیوه تربیتی قاطع (۳) شیوه تربیتی سهل‌انگار و (۴) شیوه تربیتی مسامحه‌کار. هرکدام از این شیوه‌های تربیتی حاکم بر خانواده‌ها که والدین در جهت تربیت فرزندان بکار می‌برند خود دارای تأثیراتی بر سلامت روان و سازگاری آنان دارد. در منابع اسلامی نیز به شیوه‌های تربیت فرزند اشاره شده است. اندیشمندان اسلامی با الهام‌گیری از کلام خدا، دستورالعمل‌هایی در این زمینه ارائه داده‌اند. در این مقاله در ابتدا سبک‌های رایج فرزندپروری و رابطه آن‌ها با سازگاری و سلامت روان فرزندان بررسی شده و در ادامه دیدگاه اسلام در مورد سبک‌های فرزندپروری آمده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سبک مقتدرانه نزدیکترین شیوه به روش تربیتی اسلام است. هر یک از سبک‌های فرزندپروری با بروز و نگهداری رفتارها و ویژگی‌های خاصی در فرزندان رابطه نشان داده‌اند. برای مثال عزت‌نفس بالا، پیشرفت تحصیلی و کفایت‌های اجتماعی از جمله متغیرهایی است که با فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارند. همچنین مشکلات افسردگی، رفتاری و سایر مشکلات روان‌شناختی با فرزندپروری مسامحه‌کارانه مرتبط‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** والدین، شیوه‌های فرزندپروری، سازگاری، بهزیستی روان، دیدگاه اسلام

---

۱ دانشیار روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۲ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

## تدوین و اعتباریابی مقدماتی مقیاس شیوه تربیتی والدین ایرانی: یک طرح آمیخته

فرهاد تنهای رشوانلو<sup>۱</sup>، حمید درودی<sup>۲</sup>، علی اکبر سلیمانیان<sup>۳</sup>، طلحه سعیدی رضوانی<sup>۴</sup>

مقدمه: شیوه فرزندپروری والدین، بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است. ابزارهای متعددی جهت سنجش این سازه تدوین و در پژوهش متعدد خارجی و داخلی مورد استفاده قرار گرفته اند. اما با توجه به تأثیرپذیری فرزندپروری از فرهنگ از یک سو و ویژگی های روانسنجی بعضاً متناقض ابزارهای موجود، تدوین و اعتباریابی مقیاسی جهت سنجش شیوه تربیتی والدین متناسب با فرهنگ ایرانی، ضروری به نظر می رسد. پژوهش حاضر با همین هدف طراحی و اجرا شده است.

روش: در یک طرح آمیخته از نوع اکتشافی، ابتدا جهت تدوین ابزار اندازه گیری، نظریات موجود در زمینه شیوه های فرزندپروری، مطالعه شده و ۲۰ ابزار اندازه گیری استفاده شده در مطالعات داخلی و خارجی، از حیث مولفه ها، گویه ها و ویژگی های روان سنجی آنها، مورد بررسی قرار گرفتند. پس از کدگذاری و دسته بندی مولفه های استخراج شده، نسخه اولیه مقیاس مشتمل بر ۵۷ گویه طراحی و از حیث روایی محتوایی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه و پس از اصلاح برخی از گویه ها، با هدف بررسی مقدماتی و نیز همسانی درونی گویه ها، تعداد ۵۳ نفر از والدین دانش آموزان دبیرستانی شهرستان بجنورد به صورت در دسترس انتخاب شده و به فرم ۵۷ سوالی مقیاس شیوه تربیتی والدین ایرانی پاسخ دادند. در مطالعه دوم و با هدف بررسی ساختار عاملی، ۴۰۶ نفر از والدین دانش آموزان دبیرستانی شهرستان بجنورد، به شیوه تصادفی چندمرحله ای انتخاب شده و فرم نسخه اصلاح شده ۴۵ گویه ای را تکمیل کردند. جهت بررسی روایی همگرا از پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS.16 تحلیل شدند.

یافته ها: در بخش کیفی ابتدا ۱۸۶ مقوله از مبانی نظری استخراج و پس از کدگذاری های چندگانه، ۵۷ مولفه برای فرم اولیه در نظر گرفته شد. اعتبار داده ها از طریق بررسی صاحب نظران مورد تأیید قرار گرفت. در مطالعه مقدماتی ۱۲ عبارت دارای قدرت تشخیص پایین حذف شدند. در مطالعه اصلی، تحلیل عاملی اکتشافی با الگوی مولفه های اصلی و چرخش پرومکس اجرا شد. نتایج نشان داد که مقیاس شیوه تربیتی والدین ایرانی با ۲۴ عبارت، شش عامل گرمی و مشارکت، پیگیری روند تحصیلی، توجه تحصیلی- رشدی، خودمختاری، دانش رشدی و ساختارمندی را در بر می گیرد. واریانس تبیین شده این ساختار ۶۵/۶۶ درصد بود. عامل ها از همبستگی درونی مطلوبی برخوردار بودند ( $P \leq 0/05$ ). ضرایب پایایی مقیاس، با محاسبه آلفای کرونباخ از ۰/۶۳ تا ۰/۸۸ و با دو نیمه کردن از ۰/۵۹ تا ۰/۸۷ در تغییر بود. همبستگی معناداری نیز میان ابعاد پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند و مقیاس جدید وجود داشت ( $P \leq 0/05$ ).

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد مقیاس شیوه تربیتی والدین ایرانی، از روایی و پایایی مناسبی برخوردار باشد. این مقیاس به صورت خودگزارشی بوده و توسط والدین تکمیل می شود. برای نائل آمدن به ویژگی های یک ابزار روان سنجی معتبر، نیازمند بررسی روایی تأییدی، واگرا و پیش بین و نیز اجرا در جامعه آماری وسیع تر با ویژگی های فرهنگی متنوع تر است. تا انجام چنین مطالعاتی، مقیاس جدید با محدودیت اجرا در سایر بافت های فرهنگی ایران، مواجه است.

**کلیدواژه ها:** فرزندپروری، اعتباریابی، طرح آمیخته، مقیاس شیوه تربیتی والدین ایرانی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار گروه راهنمایی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد

۴. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی شکاف دیجیتال میان مادران و دختران نوجوان در بین بانوان مراجعه‌کننده به

### کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

صادق جهانگیری<sup>۱</sup>، جمیله جهانی<sup>۲</sup>، لیلا زمانی<sup>۳</sup>

این پژوهش با هدف بررسی شکاف دیجیتال بین مادران و دختران نوجوان در میان بانوان مراجعه‌کننده به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی انجام می‌شود. روش پژوهش پیمایشی و از نظر نوع کاربردی است. ابزار گردآوری اطلاعات دو پرسشنامه محقق ساخته یکی مربوط به مادران و دیگری مربوط به دختران است که این دو پرسشنامه، اطلاعات نمونه مورد بررسی را از ۵ جنبه‌ی میزان در اختیار داشتن تجهیزات سخت‌افزاری، علاقه‌مندی، آشنایی و استفاده و موانع و مشکلات بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردآوری خواهد شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه بانوان و نوجوانان دختر مراجعه‌کننده به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی طی شش ماه ابتدای سال ۱۳۹۷ است که بر اساس فرمول کوکران با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده‌ی یک مرحله‌ای، حجم نمونه‌ای شامل ۳۸۴ نفر از مادران و ۳۸۰ نفر از نوجوانان دختر، انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش به بررسی میزان در اختیار داشتن تجهیزات سخت‌افزاری، علاقه‌مندی به فاوا، میزان آشنایی با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مشکلات و موانع فراروی مادران و نوجوانان در بهره‌گیری از فاوا، بررسی سطح تحصیلات بر میزان در اختیار داشتن، علاقه‌مندی، آشنایی و میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تا چه میزان تأثیرگذار است.

**کلیدواژه‌ها:** شکاف دیجیتال، فناوری اطلاعات و ارتباطات، فاوا، مادران، دختران نوجوان، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

- 
۱. مدیریت امور عمومی، دانشگاه بین المللی امام رضا(ع)، دانشجوی دکتری علوم تربیتی، گرایش مدیریت آموزشی
  ۲. کارشناس نشریات غیرفارسی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد
  ۳. کارشناس مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور مشهد

## بررسی نگاه ارزشی رسانه‌ها به زنان در جایگاه و نقش مادری با تأکید بر روزنامه خراسان منتشر شده طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ موجود در آرشیو مطبوعات آستان قدس رضوی

جمیله جهانی<sup>۱</sup>، زهرا بیاتی بیات<sup>۲</sup>، نفیسه پویامنش<sup>۳</sup>

به عقیده برخی از صاحب‌نظران رسانه، مطبوعات یکی از پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها هستند که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شخصیت افراد دارند. از آنجا که امروزه، زنان علاوه بر ایفای نقش مادری در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و... حضور فعال و بیشتری نسبت به گذشته دارند، اهمیت نقش رسانه‌ها در پرداختن به حضور زنان در اجتماع با حفظ مسئولیت‌های مادری و تأثیری که بر جامعه می‌گذارند در این زمینه بیشتر می‌شود. جامعه آماری پژوهش روزنامه خراسان منتشر شده طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ است که به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت. طبق فرمول کوکران، نمونه‌ای با حجم ۳۱۶ شماره از روزنامه خراسان موجود در آرشیو مطبوعات آستان قدس رضوی انتخاب شد و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. کلیه مطالب منتشر شده در روزنامه با توجه به میزان پرداختن آن به نقش و جایگاه زنان به عنوان مادر بر اساس سه سازه اصلی پذیرش، محافظت و پرورش بر اساس سیاهه محقق ساخته‌ای که روایی آن بر اساس پژوهش‌های پیشین تأیید شده تحلیل و بررسی شد. پذیرش زیرمؤلفه‌های نداشت؛ زیرمؤلفه‌های محافظت عبارت بود از: تأمین نیازهای زیستی، حفظ از خطر و مراقبت‌های پیش‌گیرانه؛ زیرمؤلفه‌های پرورش نیز عبارت بود از: پرورش جسمی، توجه به بازی کودک، محبت، تکریم، توجه به موانع رشد و جهت‌دهی مذهبی.

**کلیدواژه‌ها:** رسانه، زنان، مادری، روزنامه خراسان، مطبوعات آستان قدس رضوی

---

۱. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد- کارشناس نشریات غیرفارسی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

۲. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور مشهد- کارشناس نشریات غیرفارسی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

۳. کارشناس علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور مشهد- کارشناس نشریات غیرفارسی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

## مقایسه تاب آوری، شکوفایی، کیفیت زندگی در مادران دارای فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور و مادران

### دارای فرزند سالم

زهرا حاج زاده<sup>۱</sup>، ریحانه طوسی<sup>۲</sup>

مقدمه: تالاسمی ماژور مانند هر بیماری مزمن و محدود کننده دیگر تاثیر نامطلوبی بر سلامت روانی بیمار و خانواده آنها خواهد گذاشت. مادران بیماران تالاسمی به دلیل مراجعات مکرر همراه فرزندان به بیمارستان دچار بار عاطفی و نگرانی های روحی روانی می شوند. این تحقیق با عنوان «مقایسه تاب آوری، شکوفایی و کیفیت زندگی در مادران دارای فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور و مادران دارای فرزند سالم انجام گرفته است. هدف آن درک بهتر ویژگی های جسمی، سلامت روان شناختی، شناسایی بهتر وضعیت مادران دارای فرزند بیمار از نظر شکوفایی و تاب آوری و کیفیت زندگی و یافتن راه حل برای کمک و حمایت از آنان و مقایسه این ویژگی های در گروه مادران دارای فرزند سالم بوده است.

روش: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، تعداد ۵۸ مادر دارای فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور که به همراه فرزندشان در شهرهای مشهد و رشت و قم به مراکز درمانی مراجعه کردند به طور در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. همچنین ۵۸ مادر دارای فرزند سالم و بدون بیماری های مزمن که از نظر سن، وضعیت تحصیلی همسان با این مادران به عنوان شاهد انتخاب شدند. داده ها توسط پرسشنامه تاب آوری کاترودیدسون، پرسشنامه شکوفایی (HFQ) بر مبنای مدل پنج عاملی سلیگمن (هیجان های مثبت، روابط، معنایی، پیشرفت، مجذوبیت) و پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL-BREF) که کیفیت زندگی را در ۴ حیطه سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط و محیط اجتماعی می سنجد، گردآوری شد. در این پژوهش اطلاعات توسط برنامه کامپیوتری SPSS-24 و سطح معناداری ۵٪ و به کمک آمار توصیفی و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته: مقایسه تاب آوری در دو گروه مادران فرزند بیمار و مادران سالم با استفاده از آزمون t نشان داد که میانگین تاب آوری در مادران فرزند سالم به طور معناداری بیشتر از میانگین تاب آوری در مادران فرزند بیمار است ( $t(114) = -3/656$  و  $p < 0/001$ ). در مقایسه شکوفایی در دو گروه مادران فرزند سالم و مادران فرزند بیمار نشان داد که میانگین شکوفایی در گروه مادران فرزند سالم به طور معناداری بیشتر از گروه مادران فرزند بیمار در سطح ۹۵ درصد می باشد ( $t(115) = -4/54$  و  $p < 0/001$ ). مقایسه هیجان مثبت، سنجش روابط، سنجش معنایی و سنجش پیشرفت در دو گروه مادران فرزند سالم و بیمار نشان داد که میانگین مؤلفه های شکوفایی در مادران دارای فرزند سالم به طور معناداری بیشتر از مادران دارای فرزند بیمار می باشد (هیجان مثبت  $t(114) = -3/576$  و  $p < 0/001$ )، سنجش روابط  $t(114) = -3/592$  و  $p < 0/001$ )، سنجش معنایی  $t(114) = -4/275$  و  $p < 0/001$ )، سنجش پیشرفت  $t(114) = -3/575$  و  $p < 0/001$ ) و بر اساس پرسشنامه کیفیت زندگی، مقایسه نمرات استاندارد کیفیت زندگی تفاوت معناداری در دو گروه مادران فرزند سالم و بیمار در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارند ( $t(114) = -1/96$  و  $p = 0/052$ ) و در مقایسه نمرات استاندارد ابعاد کیفیت زندگی (سلامت جسمی، سلامت روان، روابط اجتماعی) تفاوت معناداری بین مادران دو گروه در سطح ۹۵٪ وجود ندارد. لیکن تفاوت معناداری بین سلامت محیط و کیفیت زندگی و سلامت عمومی کلی در دو گروه مشاهده شد، به طوری که میانگین سلامت محیط و کیفیت زندگی و سلامت عمومی کلی در گروه مادران سالم به طور معناداری بیشتر از گروه مادران بیمار می باشد ( $t(114) = -2/688$  و  $p = 0/008$ )، ( $t(114) = -2/541$  و  $p = 0/012$ ). مادران دارای فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور دارای مشکلاتی در تاب آوری و شکوفایی و برخی از مولفه های کیفیت زندگی هستند. لذا حائز اهمیت است که به منظور ارتقای سطح بهداشت روان و ارائه مشاوره های فردی و گروهی در زمینه روان شناسی تاب آوری و شکوفایی و آموزش راهکارهای سازگاران در کنار ارائه خدمات کلینیکی و درمانی به بیماران، در همان مراکز و یا مرکز نزدیک محل سکونت، برای مادران در راستای برنامه ریزی و توجه قرار گیرد.

**کلیدواژه ها:** تاب آوری، شکوفایی، کیفیت زندگی، مادران دارای فرزند تالاسمی ماژور و سالم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد



## واکاوی نقش زنان در عرصه مدیریت

سیده فاطمه حبیبی<sup>۱</sup>، مرگان امیریان زاده<sup>۲</sup>

دانش و ظرفیت علمی نیروی کار در هر جامعه، مهمترین و مؤثرترین عامل در بهره برداری بهینه از منابع مادی و معنوی و اساساً توسعه فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آن جامعه است و از هدر رفتن سایر سرمایه ها از جمله زمان، جلوگیری می کند. بدیهی است که نیمی از همین نیروی انسانی زنان هستند و توجه به موقعیت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا حضور آنها در بخش وسیعی از فعالیت های جامعه، از جمله مدیریت با تنگناهایی همراه بوده که توسعه یافتگی یک جامعه مرهون تحول در وضعیت زنان و افزایش مشارکت آنان در فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه است. هدف از پژوهش حاضر واکاوی نقش زنان در عرصه مدیریت است. روش تحقیق بصورت کیفی، با استفاده از مصاحبه نیمه ساختمند، گروه کانونی و پیشینه تحقیق که از طریق مثلث سازی یافته ها تحلیل شده اند. طبق یافته ها زنان می توانند در پنج بعد اجتماعی - سیاسی، اقتصادی، سازمانی، فرهنگی و تربیتی نقش موثری داشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت، زنان، مشارکت، سقف شیشه ای

---

۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت

۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت

## مطالعه پدیدارشناسانه نگرش مادران به تربیت جنسی دختران نوجوان خود

زهرا حجازی<sup>۱</sup>

مقدمه: مادران نقشی اساسی در تربیت و آموزش جنسی دختران خود ایفا می نمایند. اطلاع از دیدگاه ها و نگرش های مادران، به عنوان افرادی کلیدی، نقشی مهم و تسهیل گر در طراحی برنامه های آموزشی و تربیتی اثربخش جهت توانمندسازی آنان ایفا می کند. این پژوهش به منظور شناسایی و احصا نظرات و دیدگاه های مادران درباره آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوانشان در شهر تهران انجام شده است.

روش پژوهش: این تحقیق با استفاده از پدیدارشناسی و از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۷ مادر دارای دختر نوجوان ۱۱-۱۸ ساله با استفاده از نمونه گیری هدفمند انجام شد. پس از هر مصاحبه نظرات ثبت، دسته بندی و تم های اصلی آن استخراج و تحلیل گردید.

یافته های پژوهش: در این پژوهش ۵ تم اصلی احصا گردید که شامل اهمیت آگاه سازی دختران نوجوان در مورد مسایل جنسی، بازدارنده های تربیت جنسی دختران، لزوم توانمندسازی و آگاه سازی مادران در مورد تربیت جنسی، منابع اطلاعاتی مادران درباره مسایل جنسی در دوران نوجوانی خود می باشد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن بود که با وجود تمام تحولات فرهنگی در خصوص آموزش مسایل جنسی در خانواده ها که نمونه هایی از آن در مادران پژوهش حاضر ملاحظه شدند، هم چنان فرهنگ عرفی در جامعه و خانواده ها یا بعضی جوانب آموزش مسایل جنسی با احتیاط شدید برخورد می کنند. به طوری که با وجود اهمیت نقش برجسته مادران در آموزش این گونه مسایل، مادران در این حیطة احساس عدم کفایت می کنند. بیشتر مخاطبان به لزوم آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان به شکل محدود اعتقاد داشتند، مادران آموزش دیده را بهترین فرد برای آموزش دختران می دانستند و موانعی مانند خجالت از طرح موضوع، نگرانی از گستاخی و کنجکاوی دختران، آگاهی ناکافی درباره مسایل جنسی و نبود مهارت برقراری ارتباط موثر با دختران خود را بیان کردند.

**کلیدواژه ها:** پدیدار شناسی، تربیت جنسی، دختران نوجوان

---

۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی

## مقام زن در اسلام

ملیحه خاراچی<sup>۱</sup>، وحیده لطفی<sup>۲</sup>، مهسامرادی<sup>۳</sup>، محمد کریمی<sup>۴</sup>

زن، مظهر رحمت و جمال خداوند است. امروزه دانشمندانی که مادی، غیر عقلانی و غیر وحیانی می اندیشند، با نگرش های متفاوتی به مقوله زن، باورهای انحرافی را به ذهن ها منتقل می کنند و از آن جا که نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می دهند و در طول تاریخ براین قشر، ستم های فراوانی رفته و نیز در خصوص نابرابری زن و مرد نسبت های ناروایی به مکتب اسلام داده شده است و بانوان مسلمان در تیررس تهاجم فرهنگی قلم های مسموم قرار دارند، برآن شدیم که با استعانت از خداوند بزرگ، ضمن درک وظیفه خطیر قلم در این زمینه، در حد توان مطالبی را به رشته تحریر درآوریم؛ این در حالی است که دین اسلام به عنوان کامل ترین دین، گام های مهمی در ترسیم جایگاه واقعی زن برداشته است و در نوشتار حاضر که به روش اسنادی و بر اساس مطالعات کتابخانه ای گردآوری شده است با بررسی آیات و روایات و تفسیر نهج البلاغه، ضمن ارائه و ترسیم جایگاه والای زن در اسلام که نشأت گرفته از آیات و روایات است، به رفع شبهه از سخن امام علی(ع) در خطبه ۸۰ نهج البلاغه پرداخته شده است تا منظور از کلام مولا درباره نقص زن در ایمان و عقل و ارث مشخص شود و زمینه هرگونه انحراف و تحریف را چه در مقام معرفی مقام و منزلت زن و چه در جایگاه استفاده ابزاری از او منتفی سازد و نیز روشن سازد که تعالیم اسلام و گفتار معصومین غیر قابل تردید و ضامن سعادت و خوشبختی ما هستند و بر ماست که اگر در آیه یا روایتی شبهه ای برایمان پیش آمد، بدون پیش داوری و یا جانبداری نا به حق و بدون این که آن را پایه و اساس اصول و اندیشه دینی قرار دهیم، تفسیر و تبیین آن را به اهلش واگذاریم.

**کلیدواژه‌ها:** مقام زن، اسلام

---

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲ کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

۳ کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

۴ کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید بهشتی مشهد

## بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری و بروز اختلال لکنت زبان در کودکان

محدثه داودی چیتگر<sup>۱</sup>

مقدمه: از آنجا که خانواده به عنوان نظام تعاملی و وابسته به هم مطرح می شود که تک تک اعضای آن بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند، سبک های فرزند پروری مناسب به ویژه در سال های اولیه کودکی بسیار پر اهمیت است و همواره تحت تاثیر عوامل بافتی به ویژه محیط خانوادگی روابط والدین با یکدیگر و تعامل والدین با فرزندان قرار می گیرد. (شعبانی، ۱۳۹۴، ص ۲۹). هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری و بروز اختلال لکنت زبان در کودکان است.

روش شناسی: جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مادران دانش آموزان دختر و پسر مقطع دبستان شهرستان قوچان تشکیل داده که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بوده اند، بدین منظور ۵۰ نفر از مادران کودکان دارای اختلال لکنت زبان این شهرستان که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده بودند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک فرزند پروری بامریند و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. سطح معنا داری در این پژوهش ۰.۰۵٪ در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری (مقتدرانه) والدین با اختلال لکنت زبان در کودکان رابطه ی مستقیم و بین سبک فرزند پروری (مستبدانه) والدین با اختلال لکنت زبان رابطه معکوس برقرار است.

بحث و نتیجه گیری: این نتایج نشان می دهد که اختلال لکنت زبان در کودکان یک امر تک بعدی نیست و همواره تحت تاثیر عوامل خانوادگی و سبک های فرزند پروری قرار می گیرد این نتایج در قالب الگوی چارچوب شناختی در بافت سیستمی در آسیب تحولی تاییدکننده ی نقش سبک های فرزند پروری در اختلال لکنت زبان در کودکان است.

**کلیدواژه ها:** سبک فرزند پروری-اختلال لکنت زبان - پرسشنامه بامریند.

---

۱. دانشجوی روانشناسی کودکان استثنایی

## مقایسه ویژگی‌های ترسیمی کودکان پیش دبستانی دارای مادر شاغل و مادر خانه دار

### براساس آزمون ترسیم خانواده

فهمیه دهقانی<sup>۱</sup>، زهرالسادات حنیفی<sup>۲</sup>

مقدمه: امروزه جای تردید وجود ندارد که خانواده بالاخص مادران نقش بسیار مهمی در ترتیب فرزندانشان دارند. در سالهای اخیر بدلیل افزایش تعداد زنان شاغل، مطالعات بسیاری به بررسی تاثیر اشتغال مادران بر ویژگی‌های روانشناختی فرزندان پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت نقش مادر در تحول همه جانبه کودکان، پژوهش حاضر با هدف مقایسه ویژگی‌های ترسیمی کودکان پیش دبستانی دارای مادر شاغل و مادر خانه دار انجام شده است.

روش‌شناسی: طرح پژوهش حاضر توصیفی، از نوع علی مقایسه‌ای بود. نمونه پژوهش شامل ۶۰ کودک پیش دبستانی (۳۰ کودک دارای مادر شاغل و ۳۰ کودک دارای مادر خانه دار) بود که بصورت دردسترس از دو مرکز پیش دبستانی شهر یزد انتخاب شدند. ابزار پژوهش آزمون ترسیم خانواده بود که در صورت تمایل از شرکت کنندگان گرفته می‌شد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون مجذور خی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج بدست آمده نشان داد که بین کودکان دارای مادر شاغل و خانه دار از نظر اولین و بزرگترین شخص ترسیم شده تفاوت وجود دارد. کودکان دارای مادر شاغل بیشتر از کودکان دارای مادر خانه دار، خود را به عنوان اولین شخص و مادر را به عنوان بزرگترین شخص ترسیم کردند. اما بین سایر شاخص‌های محتوایی ترسیم خانواده شامل آخرین فرد ترسیم شده، موضوع همسانسازی، حذف کامل، افزودن فرد جدید و ساختهای ترسیمی از جمله وسعت ترسیم، نیروی خطوط ترسیم، جهت ترسیم و فاصله‌ی کودک از والدین بین دو گروه تفاوت معنی‌داری دیده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش واکنش عاطفی کودکان دارای مادر شاغل تا حدودی متفاوت از کودکان دارای مادر خانه دار است. به نظر می‌رسد تاثیر شغل مادر بر وضعیت روانشناختی خصوصاً ویژگی‌های عاطفی کودکان به نحوه برخورد و تعامل مادر با فرزندش بستگی دارد. با وجود اینکه حضور مادر عامل بسیار مهمی در زمینه تحول روانشناختی کودکان به شمار می‌رود اما کیفیت این حضور اهمیت بیشتری دارد. با توجه به اینکه نمونه پژوهش محدود به کودکان پیش دبستانی بود پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی در بین کودکان با سنین مختلف و با حجم وسیعتر اجرا گردد، تا امکان مقایسه نتایج بین گروه‌های سنی فراهم گردد و قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج بیشتر شود.

**کلیدواژه‌ها:** ترسیم خانواده، مادر شاغل، مادر خانه دار، کودک

۱ استادیار روانشناسی، دانشگاه یزد

۲ دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه یزد

## ارتباط بین سبک دلبستگی مادر و انتخاب لالایی برای کودکان

زهرا دیانتي پور<sup>۱</sup>، دکتر سکینه سلطانی<sup>۲</sup>

مقدمه : لالایی ها به عنوان ترانه های عامیانه ای که به صورت شفاهی نسل به نسل منتقل شده اند نخستین گام کسب امنیت روانی کودک و ارتباط و آشنایی کودک با جهان از طریق لالایی مادر است. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه و تاثیر سبک دلبستگی مادران بر انتخاب محتوای لالایی ها انجام شده است. پژوهشگر بر این باور است که سبک دلبستگی مادر در انتخاب مضامین و محتوای لالایی ها تاثیر گذار است.

روش شناسی : نمونه مورد بررسی در این تحقیق ۲۰۰ نفر از مادران ۲۰ تا ۴۰ ساله بودند که بر اساس نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه از پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) بر پایه توصیفهایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی ارزیابی شد. داده‌های به دست آمده از طریق روش همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها : نتایج نشان میدهد که بین دلبستگی مادر و انتخاب مضمون لالایی ها ارتباط معناداری وجود دارد. پژوهشگر بر این باور است که بین سبک دلبستگی ایمن مادران و لالایی هایی که سلامت و نوازش را بیان میکند رابطه وجود دارد. و بین سبک دلبستگی اجتنابی مادران و لالایی هایی که غم درد و هجران را بیان میکند رابطه وجود دارد. و همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرای مادران و لالایی هایی که تردید و دودلی را بیان میکند رابطه وجود دارد. در مجموع می توان لالایی ها را به مثابه رسانه ای جهت بیان سبک دلبستگی مادران دانست.

بحث و نتیجه گیری : طبق نتایج این مطالعه، سبک دلبستگی مادر از عوامل مرتبط با انتخاب مضامین و محتوای لالایی است. هر چه مادر سبک دلبستگی ایمنی داشته باشد در انتقال آرامش و محبت به کودک بهتر عمل میکند و هر چه مادر سبک دلبستگی ناایمن تری داشته باشد موجب انتقال اضطرابها نگرانی ها و استرس از طریق محتوای لالایی هایی است که برای کودک میخواند. لذا پیشنهاد میشود این مساله در برنامه ریزی های مربوط به بهداشت روانی مادران مدنظر قرار گیرد و دوره های آموزشی پیش از تولد کودک برای مادران در نظر گرفته شود.

**کلیدواژه‌ها:** لالایی، مضامین لالایی، سبک دلبستگی مادران.

۱ دانشجوی فوق لیسانس روانشناسی عمومی، دبیر آموزش و پرورش مشهد

۲ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی رابطه اشتغال مادر بر سلامت عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان

معصومه ذاکری<sup>۱</sup>، داوود ذاکری

مقدمه: خانواده از اساسی ترین نهاد های اجتماعی می باشد و زن به عنوان یک رکن اساسی در این نهاد دارای وظایفی مهم از جمله همسری و مادری است. امروزه با توجه به تغییر در ساختار فرهنگی و اقتصادی جامعه نگرش نسبت به زن و اشتغال وی نیز تغییر کرده است. لذا این تحقیق با در نظر داشتن فرصتها و چالش های اشتغال مادران، باهدف بررسی رابطه اشتغال مادران بر سلامت عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان، صورت گرفته است.

روش شناسی: جامعه آماری مورد بررسی ۵۰ نفر از ۲۵۸ دانش آموز دختر دوره دوم ابتدایی آموزشگاه شیخ صدوق است که به صورت کاملا تصادفی انتخاب شده اند. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-همبستگی است و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه ای و پرسشنامه راتز و استاینمیتز گرد آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

یافته ها: نتایج بدست آمده حاکی از این است که اشتغال مادران در رده های شغلی با ثبات تر در دانش آموزان باعث سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتر و بهتر می شود. افزون بر این همبستگی مثبت و معناداری بین میزان تحصیلات و رضایت شغلی مادران و عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان وجود دارد. با توجه به اشتغال مادران مشکلاتی مانند کمبود وقت و همزمانی ساعت مدرسه با کار مادران، عدم آگاهی برخی مادران کم سواد و فقر فرهنگی برخی از مهاجرین از مشکلاتی بود که دانش آموزان از آن رنج می بردند.

بحث و نتیجه گیری: در راستای یافته های حاصل از این تحقیق مشخص شد هرچه مادران در مشاغل فرهنگی، آموزشی و پزشکی مشغول باشند و از شغل های آزاد که اغلب متناسب با جنسیت و جایگاه خاص بانوان جامعه نمی باشد اجتناب نمایند فرزندان آن ها دارای عملکرد رفتاری و آموزشی مناسب تری می باشند زیرا علاوه بر اینکه این گونه مشاغل زمان بیشتری به مادران جهت رسیدگی به فرزندان می دهد به دلیل رابطه عاطفی که بین آن ها ایجاد می شود به فرزندان نوعی اعتماد به نفس نیز اعطا می کند که آثار آن در عملکرد رفتاری فرزندان نمود پیدا می کند.

**کلیدواژه ها:** اشتغال، پیشرفت تحصیلی، عملکرد رفتاری

---

۱. معاون آموزشی آموزشگاه شیخ صدوق منطقه تبادکان

## بررسی ارتباط روابط عاطفی بین مادر و فرزندان با خودکارآمدی دانش آموزان پایه ی ششم

### شهرستان داورزن

شیما ذبیحی فرا<sup>۱</sup>، فاطمه فروزش<sup>۲</sup>

مقدمه: هدف این پژوهش بررسی ارتباط روابط عاطفی بین مادر و فرزندان با خودکارآمدی دانش آموزان پایه ی ششم شهرستان داورزن بوده است .

روش: این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ جمع آوری داده ها به شیوه ی توصیفی- همبستگی انجام شده است . خودکارآمدی متغیر ملاک و روابط مادر-فرزند متغیر پیش بین بود .جامعه ی آماری پژوهش دانش آموزان کلاس ششم شهرستان داورزن در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده اند . روش نمونه گیری ، تصادفی ساده بود و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۴۹ نفر برآورد گردید. ابزارهای اندازه گیری متغیر ها عبارت بودند از: (۱) پرسشنامه ارزیابی رابطه والد - فرزند (PCRS) توسط مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسچووبل (۱۹۸۳) ، (۲) پرسشنامه باورهای خودکارآمدی شرر و همکاران(۱۹۸۲). داده های جمع آوری شده با استفاده از شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و همچنین شاخص های موجود در آمار استنباطی از جمله همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت . برای تجزیه و تحلیل داده ها از بسته نرم افزاری SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

یافته ها: یافته های این تحقیق نشان داد که بین نمره ی رابطه ی مادر-فرزند و نمره ی خودکارآمدی ضریب همبستگی مثبت(۰/۶۱۷) وجود دارد و این رابطه نیز در سطح خطای ۰/۰۵ تایید شد ، دراین پژوهش رابطه ی مادر-فرزند دارای چند خرده مقیاس بود و ما مولفه ی میزان ارتباط مادر و فرزند و احساسات مثبت که فرزند از مادر دریافت میکند را بررسی کردیم که رابطه ی بین خودکارآمدی با مولفه ی احساس مثبت در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار تر شد . نتیجه گیری: نتایج تحقیق ناشی از آن است که خودکارآمدی دانش آموزان با رابطه ی مادر و فرزند ارتباط دارد نتایج این تحقیق میتواند در کیفیت رابطه ی مادر و فرزند تاثیر گذار باشد .

**کلیدواژه ها:** روابط مادر- فرزند ، خودکارآمدی ، دانش آموزان، احساس مثبت

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهیدرجایی تهران، دبیرآموزش و پرورش

۲. کارشناسی ارشد فلسفه، دبیرآموزش و پرورش



## بررسی رابطه مولفه های مادر - فرزندی و اعتیاد به اینترنت دانشجویان دختر

نجمه رضاداد<sup>۱</sup>، حمیدرضا آقامحمدیان شعرباف<sup>۲</sup>

مقدمه: نقش مادر در خانواده پدیده‌ای انکار ناپذیر است و نوع رابطه میان مادر و فرزندان، طور مستقیم بر همه‌ی ابعاد تربیتی آنها که یک مورد آن شیوه‌ی کاربست اینترنت است، تاثیر گذار خواهد بود و این مساله ایست که در نظریات گوناگون از جمله نظریه کوهات (۱۹۹۲) مورد تایید قرار گرفته است که بر این عقیده بود ضعف رابطه مادر- فرزند، عامل وابستگی به اشیاء بیرونی از جمله اینترنت است. بی توجهی مادر نسبت به نیازهای فرزند باعث می شود خودنظم‌دهی با موفقیت انجام نشود و ساختارهای روانی مرتبط با مهار درونی رفتار شکل نگیرند. در نتیجه این افراد به امور و اشیای بیرونی وابستگی پیدا می کنند و اعتیاد به اینترنت می تواند یکی از شیوه‌های جبران کمبودهای درونی آنها محسوب شود. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مطالعه همبستگی میان رابطه‌ی مادر - فرزند با اعتیاد به اینترنت انجام شده است .

روش: پژوهش انجام شده، تحقیقی بنیادی توصیفی از نوع همبستگی است . جامعه آماری ، دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد می باشند و نمونه مورد نظر با حجم ۲۵۰ دانشجو ، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیده است. ابزار گردآوری داده‌ها ، مقیاس رابطه ولی- فرزندی (PCRS/ نسخه مادر) فاین و همکاران (۱۹۸۳) و تست اعتیاد به اینترنت (IAT) یانگ (۱۹۸۸) می باشد. به منظور توصیف و تحلیل داده ها ، علاوه بر استفاده از روش های آمار توصیفی ، از رگرسیون خطی، ضریب همبستگی پیرسون و سپس آزمون Z جهت معناداری ضریب استفاده شده است.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که اعتیاد به اینترنت با متغیر مادر- فرزند با ضریب همبستگی ۰/۷۷ و هم‌چنین سه خرده مقیاس آن یعنی عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط با گفت و شنود با ضرایب همبستگی، ۰/۵۵، ۰/۳۴ و ۰/۴۸ ، رابطه معکوس و از سوی دیگر با خرده مقیاس آزردهی / ابهام نقش با ضریب ۰/۶۰ رابطه مثبت دارد. ( $p < 0/05$ ) . همچنین نتایج رگرسیون نشان دادند که رابطه مادر- فرزند توان بالایی در پیش بینی اعتیاد به اینترنت دارد و ۶۰٪ واریانس نمرات اعتیاد به اینترنت را تبیین می کند. نتیجه گیری: نظر به اهمیت نقش مادر و اینکه کودک، مادر را اولین پایگاه عاطفی امن در زندگی می یابد و نیز شخصیت مادر در تحول شخصیت فرزندان اهمیت اساسی دارد، ماهیت ارتباط مادر- فرزند در سلامت فرزندان در حال و آینده مهم ترین نقش را برعهده دارد. بنابراین هرچه نوجوان با مادر خود رابطه بهتری داشته باشد ، محبت بیشتری از جانب وی دریافت کند ، بیشتر و راحت تر به گفت و گو با مادر بپردازد، دلخوری و آزردهی کمتری در رابطه آنها وجود داشته باشد و شفافیت جایگاه مادر در خانواده بیشتر باشد ، میزان احتمال ابتلا به اعتیاد به اینترنت در آن ها کمتر خواهد بود. محدودیت پژوهش، اتکا به داده های خودگزارشی، عدم توان تبیین علی روش و تک جنسیتی بودن شرکت کنندگان به دلیل عدم سهولت دسترسی به پسران بود. پیشنهاد می شود پژوهش های آتی با روش های علی و تلفیق مصاحبه با والدین با داده های خودگزارشی و نیز بررسی هر دو جنس به مطالعه بپردازند تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد.

**کلیدواژه‌ها:** رابطه مادر - فرزند، اعتیاد به اینترنت ، مادر، دختران.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد گروه روانشناسی بالینی ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

# تحلیل محتوای بازنمایی تصویر مادر در کتاب های «تفکر و پژوهش» پایه ششم ابتدایی، «تفکر و سبک زندگی» پایه هفتم و هشتم متوسطه اول

مهرداد سادات رضوانیان<sup>۱</sup>

مقدمه: باتوجه به اهمیت نقش تربیتی و هدایت گری مادر در دوران نوجوانی و محتوای کتاب های درسی تدوین شده برای این دوره، پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل میزان توجه به مادر و نقش تربیتی او در تصاویر و متون کتاب های تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی و تفکر و سبک زندگی پایه های هفتم و هشتم متوسطه اول می پردازد.

روش شناسی: روش پژوهش از نوع توصیفی و با تکنیک تحلیل محتوا می باشد. یافتن نسبت بین اهداف و محتوا به منظور بهبود محتوای موجود، علت اصلی تحلیل محتوا می باشد. جامعه آماری این پژوهش کتاب های تفکر و پژوهش پایه ششم و تفکر و سبک زندگی پایه های هفتم و هشتم می باشد. واحد ثبت در قسمت متون، پاراگراف و در قسمت تصاویر، صفحه می باشد. سوالات پژوهش حاضر: به چه میزان به نقش مادر در کتاب های تفکر و پژوهش و تفکر و سبک زندگی توجه شده است؟ با توجه به دوره سنی ارائه شده این دروس، این میزان توجه به جایگاه و نقش تربیتی مادر کفایت می کند؟

یافته ها: در محور تصاویر، در کتاب های تفکر و پژوهش پایه ششم و تفکر و سبک زندگی پایه هفتم تنها دو مورد تصویر زن، در جایگاه مادر دیده شده است، این در حالی است که در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم هیچ تصویری از مادر دیده نمی شود. در محور متون کتاب ها این طور نشان می دهد که؛ واژه مادر در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم بیشترین مقدار یعنی ۱۵ مورد را به خود اختصاص داده و در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم با یک مورد کمتر، ۱۴ بار واژه مادر بیان شده است. در مقابل در کتاب تفکر و پژوهش پایه ششم تنها به کاربرد دو مورد از واژه مادر بسنده شده است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش، لزوم بازنمایی تصویر مادر به عنوان اساسی ترین جایگاه در محیط خانواده و طرح مسائلی چون وظایف فرزندان در قبال وی و ایجاد رابطه دوستانه فرزندان با مادر در سنین نوجوانی در کتاب های مهارتی این دوره سنی احساس می شود. از آنجایی که از اهداف اصلی تولید محتواهایی با این قبیل عناوین، توجه به بعد پرورش در نظام آموزش و پرورش می باشد و همچنین نوجوانان در این دوره سنی با مسائل هویتی مواجه هستند، به نظر می رسد مطلوب است با توجه به سند تحول بنیادین در موضوع ارزشمندی نظام خانواده، توجه به نقش مادر و جایگاه تربیتی آن در محتوا های درسی بیشتر بیان شود. بدین ترتیب پیشنهاد می شود در فعالیت هایی که در این کتاب در نظر گرفته شده است علاوه بر توجه به فعالیت های فردی فراگیر، فعالیت ها به گونه ای طراحی شود که نقش تربیتی مادر بیشتر ظهور پیدا کند تا از این طریق فراگیر به این درک برسد که مادر در زندگی اجتماعی او نقش حاشیه ای ندارد بلکه یکی از موثر ترین افرادی است که در هویت شناسی، روابط اجتماعی، طرز تفکر، انتخاب های مهم و سایر موارد می تواند راهنما و هدایتگر باشد.

**کلیدواژه ها:** مادر، تحلیل محتوا، تفکر و پژوهش، تفکر و سبک زندگی، ششم، هفتم، هشتم

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد

# بررسی اثربخشی آموزش ذهن آگاهی مبتنی بر استرس بر کاهش تعارض زناشویی و کیفیت زندگی مادران کودکان نابینا

عارفه رنجبر<sup>۱</sup>

مقدمه: هدف این پژوهش به منظور اثربخشی آموزش ذهن آگاهی مبتنی بر استرس بر کاهش تعارض زناشویی و کیفیت زندگی مادران کودکان نابینا می باشد.

روش شناسی: این پژوهش یک پژوهش شبه تجربی با طرح پیش آزمون - و پس آزمون همراه با گروه کنترل بود، جامعه آماری پژوهش حاضر همه مادران کودکان نابینا در شهر مشهد را شامل می شود. انتخاب نمونه‌ی مورد پژوهش به صورت در دسترس از مدرسه نابینایان ستایش انجام شد ابتدا قبل از اجرای درمان از آزمودنی ها ۶۵ آزمودنی پرسشنامه های تعارض زناشویی. (ثنایی، براتی، بوستانی پور ۱۳۷۹) و کیفیت زندگی (سازمان بهداشت جهانی) گرفته شد و تعداد ۲۰ آزمودنی که نمرات بالا در تعارض زناشویی و نمرات پایین در کیفیت زندگی کسب کردند به صورت تصادفی به گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش را تحت درمان ذهن آگاهی مبتنی بر تنیدگی در هشت جلسه ۹۰ دقیقه قرار گرفت و سپس از هر ۲ گروه تست های قبلی به عنوان پس آزمون اخذ شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد.

یافته ها: نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف نشان داد که این آزمون برای متغیرهای این پژوهش در گروه های کنترل و آزمایش و در مراحل پیش آزمون و پس آزمون معنی دار نشد و بنابراین نتیجه گرفته می شود که توزیع داده ها نرمال می باشد نتایج حاصل از مانکوا نشان داد که با در نظر گرفتن اثر پیش آزمون، اثر عضویت گروهی بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته تعارض زناشویی و کیفیت زندگی معنا دار بود. یافته های پژوهش حاصل از آزمون کواریانس نشان داد که آموزش ذهن آگاهی مبتنی بر تنیدگی بر کاهش تعارض زناشویی است ( $F=163/81, P=0/001$ ) و کیفیت زندگی ( $F=98/87, P=0/001$ ) مادران کودکان نابینا معنادار است. نتیجه گیری: زندگی کردن با کودک دارای اختلال یا ناتوانی، اغلب به صورت عاملی استرس زا برای کل خانواده درک شده و می تواند همه جنبه های خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان از آنجایی که مادر در تعامل بیشتر با این کودکان می باشد، احتمالاً بیشترین تأثیر را خواهد پذیرفت (جانسون و ماش، ۲۰۱۳). ذهن آگاهی از طریق ترکیب سر زندگی و واضح دیدن تجربیات، می تواند تغییرات مثبتی را در کاهش تنیدگی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی ایجاد نماید (محمدخانی و خانی پور، ۱۳۹۱). فنون مبتنی بر ذهن آگاهی با ترغیب افراد به تمرین مکرر توجه متمرکز روی محرک های خنثی و آگاهی قصدمندانه روی جسم و ذهن، در رهاسازی افراد از افکار خودکار، عادت ها و الگوهای رفتاری ناسالم کمک کند (جانکین، ۲۰۰۹). با توجه به ماهیت مفهوم ذهن آگاهی، می توان کیفیت بهره مندی از این سازه شناختی را به عنوان عاملی موثر در بهبود روابط افراد در نظر گرفت. بنابراین کاهش استرس مبنی بر ذهن آگاهی به مادران کودکان نابینا می تواند کمک کند که این فرصت را داشته باشند تا مهارت های خودکنترلی و خود کفایت مندی را که به آن نیاز دارند را توسعه دهند.

**کلیدواژه ها:** ذهن آگاهی، تعارض زناشویی، کیفیت زندگی، مادران کودکان نابینا

۱ دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

# سوگیری شناختی، حساسیت اضطراب و راهبردهای مقابله‌ای در مدل نشانه‌های اضطراب کودکان مقطع ابتدایی: مدل یابی معادلات ساختاری

شیرین زینالی<sup>۱</sup>

هدف: هدف اصلی این پژوهش مدل سازی ساختاری نشانه‌های اضطراب بر اساس سوگیری شناختی و حساسیت اضطراب به واسطه راهبردهای مقابله در کودکان مقطع ابتدایی بود.

روش: در این پژوهش ۲۷۹ دانش آموز (۱۵۰ دختر، ۱۲۹ پسر) ۱۲-۱۳ ساله مدارس شهر تبریز به روش نمونه گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های حساسیت اضطراب، سوگیری شناختی، راهبردهای مقابله و نشانه‌های اضطراب را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار لیزرل و SPSS تحلیل و بررسی شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد سوگیری شناختی و حساسیت اضطراب به واسطه راهبردهای مقابله‌ای پیش بین معناداری برای نشانه‌های اضطراب کودک هستند. شاخص برازندگی تطبیقی ( $RMSEA = 04/0$ ) و متوسط باقیمانده استاندارد شده ( $CFI = 95/0$ ) مطلوب محاسبه شدند.

بحث: این مدل مشخص می‌کند که متغیرهای حساسیت اضطراب، سوگیری شناختی و راهبردهای مقابله‌ای کودک مسیرهای مهمی در اضطراب کودک هستند و آمادگی شناختی و فیزیولوژیکی در ابتلا به اضطراب نقش دارند.  
**کلیدواژه‌ها:** حساسیت اضطراب، سوگیری شناختی، راهبردهای مقابله و نشانه‌های اضطراب کودک

## تعیین رابطه بین خودکارآمدی و سلامت روان با تاب آوری مادران سرپرست خانواده تحت پوشش

### کمپته امداد امام خمینی شهرستان اهر

شیرین زینالی<sup>۱</sup>، اکرم خوشنویس<sup>۲</sup>

هدف اصلی پژوهش بررسی تعیین رابطه بین خودکارآمدی و سلامت روان با تاب آوری زنان سرپرست خانواده تحت پوشش کمپته امداد امام خمینی شهرستان اهر بود. در این مطالعه توصیفی-همبستگی، جامعه ای آماری کلیه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمپته امداد امام خمینی ره بود (N=۲۲۰۰) که از این تعداد ۳۲۸ نفر با روش نمونه گیری کوکران به روش تصادفی انتخاب شده اند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه GHQ سلامت روان، پرسشنامه خودکارآمدی شرر، پرسشنامه تاب آوری کانر و دیویدسون استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS 19 استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد سلامت روان ( $r=0/3$ ) و خودکارآمدی ( $r=0/4$ ) رابطه مثبت معنی داری با تاب آوری در زنان سرپرست خانوار دارند ( $p=0/05$ ). همچنین متغیرهای سلامت روان و خودکارآمدی ۲۲ درصد از واریانس تاب آوری در زنان سرپرست خانوار را تبیین کنند. با توجه به ضرایب بتا سلامت روان ( $\beta=0/29$ ) و خودکارآمدی ( $\beta=0/38$ ) قدرت پیش بینی کنندگی برای تاب آوری در زنان سرپرست خانوار داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** خودکارآمدی، سلامت روان، تاب آوری، زنان سرپرست خانواده

---

۱ استادیار روان‌شناسی، دانشگاه سراسری ارومیه  
۲ کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر

## مقایسه پذیرش اجتماعی، فرسودگی تحصیلی و سلامت عمومی بین کودکان طلاق و غیر طلاق شهر کرمانشاه

شیرین زینالی<sup>۱</sup>، فروغ خندانی<sup>۲</sup>

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه ی پذیرش اجتماعی، فرسودگی تحصیلی و سلامت عمومی بین کودکان طلاق و عادی شهر کرمانشاه می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کودکان طلاق و عادی شهر کرمانشاه می باشد. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری هدفمند می باشد. با مراجعه به مراکز مشاوره ۱۵۰ کودک و فرزند طلاق به صورت تصادفی انتخاب و ۱۵۰ کودک عادی نیز به صورت نمونه انتخاب گردید. برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش، از پرسشنامه های پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۹)، فرسودگی تحصیلی مسلسل و پذیرش اجتماعی کروان و مارلو (SDS) استفاده شد. نرمال بودن توزیع داده ها با آزمون کلموگروف- اسمیرنوف بررسی گردید و فرضیات با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس یک راهه بررسی شدند. نتایج نشان داد که بین پذیرش اجتماعی در بین کودکان طلاق و عادی شهر کرمانشاه تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین فرسودگی تحصیلی کودکان طلاق و عادی شهر کرمانشاه تفاوت و معناداری وجود دارد. سایر نتایج همچنین نشان داد که بین سلامت روان کودکان طلاق و عادی شهر کرمانشاه تفاوت و معناداری وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** پذیرش اجتماعی، فرسودگی تحصیلی، سلامت عمومی

---

۱ استادیار روان‌شناسی، دانشگاه سراسری ارومیه.  
۲ کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر

## تبیین تجارب مادران روستای آروق در استفاده از جملات تکراری برای فرزندان (مطالعه کیفی)

نیر سلطانی<sup>۱</sup>، شبنم یوسفی آروق<sup>۲</sup>

مقدمه: ارتباط کلامی بین مادر و فرزند از عمیق‌ترین و تاثیر گذارترین ارتباطات می‌باشد چون زیربنای بسیاری از موفقیت‌ها و شکست‌های آتی فرزند را تشکیل می‌دهد این موضوع خواستگاه مطالعه‌ی بسیاری از زبان‌شناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان است.

روش‌شناسی: مطالعه‌ی حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی است. جامعه مورد مطالعه مادران روستای آروق در شهرستان ملکان واقع در استان آذربایجان شرقی می‌باشد. معیار ورود به مطالعه شامل تمایل به شرکت در تحقیق و دارا بودن حداقل سی و پنج سال برای مادری که دارای فرزند ۱۷ سال به بالا بودند، است. داده‌ها از طریق «مصاحبه‌های انفرادی نیمه‌ساختاریافته» با صاحب‌نظران جمع‌آوری شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و حجم نمونه به اشباع اطلاعات<sup>۳</sup> بستگی داشت. سوال پژوهش پس از شناسایی مادران واجد شرایط و با لحاظ معیارهای ورود به مطالعه از آنان مصاحبه و ضبط گردید. پس از انجام مصاحبه متن گفت و گوها از روی کاغذ پیاده‌سازی و داده‌های حاصل از هر مصاحبه کدگذاری شدند، سپس مصاحبه‌ی بعدی انجام گرفت. بعد از انجام ۶۰ مصاحبه، به دلیل اشباع داده‌ها و عدم استخراج کد جدید جمع‌آوری داده به اتمام رسید. مدت زمان مصاحبه ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بود. داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از روش مایرینگ تحلیل شده است. این رویکرد به پیش‌زمینه‌ی خاصی محدود نیست و عمدتاً در تحلیل دیدگاه‌های شخصی، که از طریق مصاحبه گردآوری شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. متن مصاحبه‌ها با نرم‌افزار مکس.کیو.دی. ای مدیریت شده است.

یافته‌ها: بیشتر رفتارهایی که در افراد مشاهده می‌شود توسط والدین به صورت ناخواسته در فرزندان درونی شده است. مادر به عنوان مظهر احساسات نقش زیادی در موفقیت‌ها و شکست‌های فرزندان خود دارند. در پژوهش فوق ۵ کد با عنوان «درونی کردن رفتارهای شایسته با تکرار توسط مادر»، «سمت و سو دهی به مسیر زندگی کودک با تکرار جمله‌های ثابت»، «انگیزه‌سازی در جهت رسیدن به اهداف بلند مدت»، «بازسازی اعتماد به نفس در حل مشکلات»، «اصلاح عادات بد با تکرار و تلقین رفتارهای شایسته» استخراج شده، همچنین ۱۸ طبقه و ۳۲ زیر طبقه از بین مصاحبه‌ها به دست آمده است.

نتیجه‌گیری: تبیین تجارب مادرانی که یک یا چند جمله را برای فرزندان در دوران کودکی تکرار می‌کردند، بیانگر آن است که قدرت کلمات مادران می‌تواند ذهنیت‌های مثبت و منفی از کودکی تا بزرگسالی و حتی کهنسالی در فرزندان ایجاد نماید. رفتار نادرست آنها را اصلاح نماید و یا آنها را در رسیدن به اهداف مناسب سوق دهد. این پژوهش در روستای آروق که بیشتر مادران با دنیای مجازی آشنایی نداشتند، انجام یافته است. آنها ارتباط کلامی دائمی با فرزندان داشته و تاثیر آن را در بزرگسالی بیان کرده‌اند. لذا توصیه می‌شود که در دنیای مجازی فرصت‌های ارتباط کلامی مادران با فرزندان به حداقل نرسد.

**کلیدواژه‌ها:** قدرت کلام مادر، فرزندپروری، سبک فرزندپروری

۱. کارمند دانشگاه پیام نور، مدیر واحد کتابخانه مرکز بناب

۲. دانشجوی کارشناسی رشته حسابداری، دانشگاه پیام نور مرکز بناب

## حفظ شخصیت حقوقی مادر باتاکید بر اصل لزوم رعایت مصلحت فرزند

عباسعلی سلطانی<sup>۱</sup>

مادری جوان با بچه ای سه ساله در بغل با چهره ای اندوهگین و صدای لرزان می گوید: چندروز پیش، شوهرم گفت میخواهم بروم خارج اینجا نمیتوانم کار کنم و رفت و من و فرزندمان را بلا تکلیف و سرگردان گذاشته است و... ۲-مادری دیگر در بیمارستان کنار تخت فرزند خردسالش فریادمیزد. من امضا میکنم عملش کنید. امامسئول بیمارستان به او گفت جراحی غیراورژانسی است و باید ولی کودک یعنی پدر یا جد پدری و یا حکم دادگاه باشد و... اینها و صداینها بازتاب تفکر خاص و در نتیجه وضع و اجرای قوانینی است که در نظام حقوقی کنونی جاری است. مسئله ولایت مادر بر فرزند از نهادهای حقوقی است که با توجه به تحولات جامعه نیازمند به بازنگری است جوامع سنتی؛ اساس روابط فرزند و والدین را سلطه و ریاست پدر یا جد پدری انگاشته و کودک را ملک متعلق به پدر و خاندان پدری میدانستند لذا پدر را حافظ مصلحت کودک می شمردند اما در عصر کنونی با تغییر و تحولات به وجود آمده در جامعه، مصلحت ایجاب می کند که مادر نیز دارای اختیارات ولایی در امور مالی و غیر مالی کودک باشد. با توجه به این که در منابع فقهی مبنای ولایت بر کودک، مصلحت کودک دانسته شده و در حقوق نیز همین مبنا در نظر گرفته شده است و با عنایت به پویایی فقه گرانسنگ شیعه میتوان بر مبنای همین مصلحت، در حقوق امروز برای مادر نیز حق ولایت قائل شد یقیناً چنین امری هم به مصلحت کودک است زیرا کودک بیشترین زمان خود را با مادر میگذراند و هم احترام به شأن و منزلت مادر را در بر دارد و نبود اختیارات ولایی مادر، میتواند به زیان کودک و بنیان خانواده باشد البته مادر دلسوزتر از هر فردی نسبت به کودک خود است. و در مسئله ۲ به منظور حفظ مصلحت کودک و مادر و بهمان دلیل که زوجه نمی تواند بدون اجازه زوج از کشور خارج شود در وضع کنونی زوج هم نتواند بدون ارائه دلیل مثبت رعایت مصلحت فرزند و زوجه از کشور خارج شود. در این پژوهش باتاکید بر اصل لزوم رعایت مصلحت کودک و با بهره مندی از ملاکات قرآنی و مناسبات عقلی و نقلی در اسلام و با استناد به مبانی پویای فقه مانند عدالت، اخلاق و مقتضیات زمان و مکان و رشد عمومی و عقلانی زنان و لزوم رعایت مصلحت کودک، ولایت قهری یا قضایی مادر بر کودک ضروری دانسه و اعلام شده و بر لزوم بازنگری در قوانین و اجرای آنها تاکید شده است.

**کلیدواژه‌ها:** منزلت مادر، مصلحت کودک، مبانی پویای فقه، بازنگری قوانین.



# بررسی نقش مادران در سواد اطلاعاتی کودکان پیش دبستانی در جمهوری اسلامی ایران:

## یک مطالعه موردی

مرضیه سیامک<sup>۱</sup>

### Abstract

Purpose of the study

The aim of the present study is to survey the role of mothers in information literacy of their children (5-7 years of age) in preschool of Ashtain (city), Islamic republic of Iran.

Research objectives: The present study has the following seven research objectives

1. To explore IL skills of the pupils in the selected preschools of Ashtain, Islamic republic of Iran . 2. To analyze the role of mothers in the pupils' information behavior and IL skills. 3.To propose an IL model based on findings

Research Questions: The following research questions will help in achieving these research objectives:

- What are the IL skills in preschools of Ashtain, Islamic republic of Iran?
- How are mothers applying IL skills for their children?
- To what extent are children able to apply what they have learnt in the classroom?

Methodology

There are many approaches to qualitative research. For the present study four research methods were considered. According to the nature of the study phenomenology, phenomenography, grounded theory and case study methods were taken into account. This study adopted a social constructivist stance (which is often combined with an interpretive approach) to investigate these IL skills.

Data Collection Methods

The data for the present study was collected from multiple sources: interviews, focus groups, analysis of related documents, pictures, task based activities and observation. For the present study the data was gathered from mothers through interviews, from school children through focus groups and task based activities. Also observation method and field notes were used to supplement other findings. Also related documents for example curriculum, classroom worksheets and pictures were analyzed to see holistic picture of the situation.

Findings: In total 27 mothers' interviews, 27 children' interviews and 9 Focus groups of 3 Children were conducted from selected preschools. The findings revealed that there was no IL in preschools of Ashtain, Islamic republic of Iran. It emerged that the mothers had no role in IL instruction and they were not aware of this concept except five educated mother. Additionally, the results of six activity based tasks which were conducted after focus groups to assess children's IL skills revealed that children had limited exposure to a variety of information sources. They ranked their mothers, fathers, elder brother/sisters and sources (books and internet) used by them as very high.

Keywords: Mothers, Information Literacy, Preschool Children, Ashtian, Islamic Republic of Iran

---

<sup>1</sup>. PhD student, Department of Knowledge and Information Science, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Iran \

## بررسی اثر بخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر مدل تحولی رشد یکپارچه انسان بر خودکارآمدی والدینی مادران دارای فرزند با مشکلات کاستی توجه / بیش‌فعالی DIR

الهه سیدکابلی<sup>۱</sup>

مقدمه: اختلالات کودکان ارتباط تنگاتنگی با مشکلات روانی والدین و شیوه‌های تربیتی آنان دارد. مشکلات روانشناختی، از جمله کمبود احساس شایستگی در میان مادرانی که کودک مبتلا به اختلال کمبود توجه / بیش‌فعالی دارند شایع است. در این پژوهش اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر مدل تحولی رشد یکپارچه انسان، بر خودکارآمدی این مادران مورد مطالعه قرار گرفته است. روش‌شناسی: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل است که در شهرستان سرخس در سال ۱۳۹۷ انجام شد. ۳۰ نفر از مادران کودکان دارای مشکلات توجه / بیش‌فعالی با دامنه سنی ۴-۵ سال در این مطالعه شرکت داده شدند و به طور تصادفی به دو گروه آموزش فرزندپروری مبتنی بر رویکرد (DIR) در دوازده جلسه (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) تقسیم شدند. گردآوری داده‌ها توسط پرسشنامه (PSAM) قبل از مداخله و بلافاصله بعد از اتمام آموزش (دو ماه بعد از پیش‌آزمون) صورت گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شدند. یافته‌ها: پس از تأیید پذیره‌های زیربنایی آزمون، نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که پس از حذف اثر پیش‌آزمون از پس‌آزمون، تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد به طوری که میانگین تعدیل شده پس‌آزمون در گروه آزمایش (۶۱،۷۲) به طور معنادار بیشتر از گروه کنترل (۱۹،۱) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها فوق می‌توان نتیجه گرفت آموزش فرزندپروری مبتنی بر مدل رشد یکپارچه انسان، می‌تواند در جهت افزایش خودکارآمدی مادران کودکان با مشکلات توجه / بیش‌فعالی اثربخش باشد. افزایش خودکارآمدی که با بهبود تعاملات مادر و کودک در ارتباط است می‌تواند به عنوان مدلی جامع مورد استفاده قرار گیرد. به دلیل شرایط خاص این کودکان و محدودیت‌های موجود، نمونه این پژوهش به صورت در دسترس و فقط مادران پسران انتخاب شدند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی نمونه‌گیری تصادفی و با جامعه مادران دختران نیز بررسی شود.

**کلیدواژه‌ها:** فرزندپروری، خودکارآمدی والدینی، مشکلات کاستی توجه / بیش‌فعالی، رویکرد DIR

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی

## مقایسه کیفیت روابط با همسالان دانش آموزان دارای مادر شاغل و غیرشاغل

محسن شاکری<sup>۱</sup>، مطهره دهقانی زاده<sup>۲</sup>، فاطمه سادات زیارتی<sup>۳</sup>، فاطمه ملک ثابت<sup>۴</sup>

مقدمه: اشتغال زنان، ضرورتها و انگیزه‌ها و تأثیراتی بر محیط خانواده به ویژه فرزندان می‌گذارد. شواهدی وجود دارد که نوجوانانی که مشکلات روابط با همسالان را تجربه می‌کنند، در خطر بالایی برای ابتلا به مشکلات روانی مانند عزت نفس پایین، مشکلات عاطفی، رفتارهای پرخطر، بزهکاری، و مشکلات اجتماعی قرار دارند. با این وصف این پژوهش در پی بررسی تأثیر اشتغال مادران کیفیت روابط با همسالان دانش‌آموزان از طریق مقایسه آن در مادران شاغل و غیرشاغل می‌باشد.

روش‌شناسی: در این پژوهش به لحاظ پرداختن به تأثیر اشتغال مادران بر متغیر کیفیت روابط با همسالان دانش‌آموزان از طرح علی مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر مدارس دوره اول متوسطه شهرستان مهریز بود. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۸۲ نفر تعیین شد ولی از آن جایی که تعداد دانش‌آموزان دارای مادر شاغل ۴۱ نفر بودند و تفاوت زیادی بین گروه‌ها برای مقایسه ایجاد می‌شد، در مجموع ۱۰۱ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفتند. ابزار این پژوهش پرسشنامه روابط با همسالان هادسون (۱۹۹۷) بود که شامل ۲۵ ماده است و برای اندازه‌گیری وسعت، شدت و بزرگی یک مشکل که آزمودنی با گروه همسالان خود دارد طراحی شده است. سلطانی‌فر، کیمیایی و رفتار (۱۳۹۰) در پژوهش خود میزان اعتبار و روایی آن را ۰/۸۶ به دست آورده‌اند.

یافته‌ها: فرضیه اصلی این پژوهش این بود که بین روابط همسالان در دانش‌آموزانی که مادر شاغل دارند و دانش‌آموزانی که مادرشان شاغل نیست تفاوت وجود دارد. آزمون تی مستقل جهت بررسی تفاوت میانگین‌های روابط همسالان دانش‌آموزان در بین آنهایی که مادر شاغل یا خانه دار دارند، انجام شد. نتایج نشان داد فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت کیفیت روابط با همسالان دانش‌آموزان دارای مادر شاغل و غیرشاغل تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که بین روابط همسالان در بین دانش‌آموزانی که مادران شاغل دارند با دانش‌آموزانی که مادر خانه دار دارند تفاوت معناداری وجود ندارد. به نظر می‌رسد اشتغال مادران و غیبت آنان در محیط خانه، در صورتی که سایر عوامل مطلوب باشد نمی‌تواند مانعی برای کیفیت روابط فرزندان با همسالانشان باشد. مهمترین محدودیت این پژوهش این بود که تعداد مادران شاغل و غیرشاغل بسیار نامتوازن بود و برای اجتناب از اختلاف زیاد میان گروه‌های مورد مقایسه تعداد زیادی از پرسشنامه‌ها از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مادرانی که قصد اشتغال دارند می‌توانند از طریق تنظیم برنامه و جایگزین‌های مناسب از آسیب‌های محتمل بر فرزندان جلوگیری نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** کیفیت روابط با همسالان، دانش‌آموزان، مادران شاغل، مادران غیرشاغل.

۱ عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد

۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد

۴ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد

## مقایسه شفقت به خود دانش آموزان دارای مادر شاغل و غیر شاغل

محسن شاکری<sup>۱</sup>، مطهره دهقانی زاده<sup>۲</sup>، فاطمه ملک ثابت<sup>۳</sup>، فاطمه سادات زیارتی<sup>۴</sup>

مقدمه: اشتغال زنان، ضرورت‌ها و انگیزه‌ها و تأثیراتی بر محیط خانواده به ویژه فرزندان می‌گذارد. یک از این تأثیرات این اشتغال، شفقت‌ورزی به خود فرزندان می‌باشد. شفقت‌ورزی به خود به مفهوم مهربانی با خود و داشتن درک غیر قضاوت‌گرایانه نسبت به نقایص خود است. با این وصف این پژوهش در پی بررسی تأثیر اشتغال مادران بر شفقت‌ورزی به خود دانش‌آموزان از طریق مقایسه آن در مادران شاغل و غیر شاغل می‌باشد.

روش‌شناسی: در این پژوهش به لحاظ پرداختن به تأثیر اشتغال مادران بر متغیر شفقت به خود دانش‌آموزان از طرح علی-مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر مدارس دوره اول متوسطه شهرستان مهریز بودند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۸۲ نفر تعیین شد ولی از آن جایی که تعداد دانش‌آموزان دارای مادر شاغل ۴۱ نفر بودند و تفاوت زیادی بین گروه‌ها برای مقایسه ایجاد می‌شد، در مجموع ۱۰۰ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفتند. ابزار این پژوهش پرسشنامه استاندارد شفقت‌ورزی به خود نف (۲۰۰۳) بود که شامل ۲۶ گویه است. این پرسشنامه دارای سه مقیاس دوقطبی: مهربانی با خود در برابر قضاوت و داوری در برابر خود، انسانیت مشترک در برابر انزوا، به‌شمارگی در مقابل همانندسازی افراطی است. این شش زیرمقیاس در مجموع واریانس کل را تبیین می‌کنند. در پژوهش خسروی و همکاران (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمده است.

یافته‌ها: فرضیه اصلی این پژوهش این بود که بین شفقت به خود دانش‌آموزانی که مادر شاغل دارند و دانش‌آموزانی که مادرخانه دار دارند تفاوت وجود دارد. آزمون تی مستقل جهت بررسی تفاوت میانگین‌های روابط همسالان دانش‌آموزان در بین آن‌هایی که مادر شاغل یا خانه‌دار دارند، انجام شد. نتایج نشان داد فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت شفقت به خود دانش‌آموزان دارای مادر شاغل و غیر شاغل تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که بین شفقت به خود دانش‌آموزانی که مادران شاغل دارند با دانش‌آموزانی که مادر خانه دار دارند تفاوت معناداری وجود ندارد. به نظر می‌رسد اشتغال مادران و غیبت آنان در محیط خانه، در صورتی که سایر عوامل مطلوب باشد نمی‌تواند مانعی برای شفقت به خود فرزندان باشد. مهمترین محدودیت این پژوهش این بود که تعداد مادران شاغل و غیر شاغل بسیار نامتوازن بود و برای اجتناب از اختلاف زیاد میان گروه‌های مورد مقایسه تعداد زیادی از پرسشنامه‌ها از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مادرانی که قصد اشتغال دارند می‌توانند از طریق تنظیم برنامه و جایگزین‌های مناسب از آسیب‌های محتمل بر فرزندان جلوگیری نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** شفقت به خود، دانش‌آموزان، مادران شاغل، مادران غیر شاغل.

۱ عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

۲ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد

۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد

۴ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد

## تأثیر بازی درمانی در اختلالات اضطرابی کودکان

فاطمه شکاریان یزد<sup>۱</sup>

اضطراب حالتی بیمارگون است که با احساس بیم و نگرانی، همراه با نشانه های جسمی حاکی از وجود فعالیت مفرط دستگاه عصبی خودکار مشخص می شود. اضطراب با ترس تفاوت داشته که عموماً ترس، علتی شناخته شده دارد ولی اضطراب اینگونه نمی باشد. «اختلالات اضطرابی» میزان شیوع بالایی در بین کودکان و نوجوانان دارد و منجر به اختلال در عملکرد تحصیلی، اجتماعی و زندگی می گردد. (جلالی؛ ۱۳۸۹، به نقل از وارنر، ۲۰۰۹). اضطراب شروع شده در دوره کودکی میتواند عامل خطر مهمی برای سایر اختلالات عاطفی و رفتاری در دوره بزرگسالی باشد. اختلال های اضطرابی جزو اختلال های درون نمود هستند. اختلال های درون نمود، الگوهای رفتاری سازش یافته ای هستند که بیش از آن که اطرافیان را آزار دهد، موجب رنجش خود کودک می شوند و هسته ی اصلی آن ها اختلال های خلق یا هیجان است ( دادستان و همکاران، ۱۳۸۹). از سویی اضطراب پاسخی تکاملی و انطباقی است. همه ی ما برای هوشیار بودن و داشتن عملکرد موثر به سطح معینی از اضطراب نیاز داریم. حتی برخی اوقات می تواند موجب بهبود عملکرد فرد بشود. برای مثال، نگرانی درباره ی امتحان، ما را به مطالعه ی بیشتر بر می انگیزد یا قبل از یک مسابقه به ما در عملکرد بهتر کمک می کند. اضطراب ملایم حتی به عملکرد هیجان طلبی ما کمک می کند. این امر می تواند توضیح دهد که چرا بعضی از مردم ترن هوایی یا تماشای فیلم های ترسناک را دوست دارند، چون موجب ایجاد اضطراب در آن ها می شوند. اما اضطراب زیاد باعث درماندگی می شود و موجب اختلال در امور مدرسه، شغل و روابط با دوستان و خانواده می شود (مرادی؛ ۱۳۹۴، به نقل از کندال، ۲۰۰۶).

**کلیدواژه ها:** بازی درمانی اختلالات اضطرابی در کودکان

## کارکرد تحولی-هیجانی خانواده های دارای فرزند با نقص شنوایی و طراحی برنامه آموزش گروهی ویژه

### مادران، مبتنی بر رویکرد تحول یکپارچه انسان

نغمه شورورزی<sup>۱</sup>، شهربانو عالی<sup>۲</sup>، سید امیر امین یزدی<sup>۳</sup>

مقدمه: نارسائیهای شنوایی از جمله معلولیت‌های بسیار پراسترس می‌باشند و مراقبت از کودکان کم‌شنوا سلامت روان خانواده به‌ویژه مادران را در معرض خطر قرار می‌دهد. مادران به لحاظ نقش خود، بیشترین سهم را در رشد کودک و ارتقاء سلامت خانواده دارند. آموزش‌های که بتواند به ارتقاء توانمندی‌های مادران در مراقبت از فرزندشان کمک کند بسیار ارزشمند خواهد بود. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی عملکرد خانواده‌های دارای فرزند کم‌شنوا و طراحی برنامه آموزش گروهی ویژه این مادران است.

روش: نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی و با توجه به شیوه گردآوری داده‌ها شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. بدین منظور از بین مادرانی که برای تربیت شنوایی فرزندشان به مراکز توانبخشی شهرستان مشهد مراجعه می‌نمودند با در نظر گرفتن ملاکهای ورود و خروج ۳۰ نفر به صورت داوطلبانه انتخاب شدند و به طور تصادفی در تصادفی در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. مادران شرکت‌کننده در گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه نود دقیقه‌ای (هر هفته دو جلسه) درمان گروهی خانواده محور که بر اساس مفروضه‌های رویکرد تحولی، تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط برای خانواده‌های دارای فرزند کم‌شنوا طراحی شد را دریافت کردند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه کارکرد تحولی خانواده (DFFAQ) بود. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس و نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین کارکرد تحولی مادران کودکان کم‌شنوا، پس از اجرای مداخله در گروه آزمایش بیشتر از میانگین گروه کنترل بوده و تفاوت از لحاظ آماری معنادار است ( $p < 0/001$ ) و نتایج تحلیل آمون کوواریانس نشان داد که اختلاف در تمام ابعاد کارکرد تحولی (توجه، صمیمیت، ارتباط متقابل، حل مسئله اجتماعی، ایجاد ایده‌ها، تفکر منطقی، انضباط) اختلاف معناداری بین دو گروه مورد مطالعه در مرحله پس‌آزمون وجود دارد. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مادران بر ارتقاء کارکرد مطلوب خانواده مؤثر بوده است.

بحث: در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت که همان‌طور که بنیان رویکرد تحول یکپارچه انسان اشاره داشته‌اند با تأثیری که بصورت یکپارچه تفاوت‌های فردی، توانمندی‌های تحولی مبتنی بر روابط تعاملی درون خانواده بر یکدیگر داشته‌اند باعث رشد در کارکردهای مطلوب مادران و خانواده‌ها می‌شود و در نتیجه سلامت روان کودک و خانواده‌های آنان ایجاد می‌شود و در این رابطه نیاز به آموزش در این حوزه را بیشتر می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** کارکرد تحولی-هیجانی، فرزند با نقص شنوایی، آموزش مادران، رویکرد تحول یکپارچه انسان

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲ استادیار روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳ استاد روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی آثار سوء کودک آزاری بر هویت روانی، اجتماعی و جنسیتی

سجاد شیبانی زاوه<sup>۱</sup>، حمید رضا قنبری<sup>۲</sup>، جعفر طالبیان شریف<sup>۳</sup>

مقدمه: نظریه شدت و حدت یافتن برخی آسیب های اجتماعی بر این باوریم که همزمان با توجه به عنصر رشد و تعالی انسان باید با انجام پژوهش های متممادی و کاربردی در بحث آسیب های اجتماعی شخصیت وجودی وی را از هر حیث امن ساخت تا روز به روز بر این رشد افزوده شود. از این رو نمودار رو به رشد آسیب تقریباً نوظهور کودک آزاری در انواع مختلف آن در کشور و تاثیر انکار ناپذیر آن بر هویت روانی، اجتماعی و جنسی فرد ما را بر آن داشت که با تکیه بر تحقیقات و پژوهش های علمی و در نهایت کاربردی سازی مطالب مفید و موثر در عرصه آگاه سازی و آموزش، پیشگیری و درمان های لازم بتوانیم سرعت این آسیب را در کشور متوقف و یا کاهش دهیم. بطور ویژه در مقوله کودک آزاری با روندی رو به رشد نه تنها در کشور بلکه در جهان مواجه هستیم و بر طبق گفته رییس سازمان اورژانس اجتماعی آمار سالانه کودک آزاری در کشور حدود ۲ هزار و ۷۶۵ مورد است که به نظر ایشان آمار واقعی چیزی فراتر از این رقم است، و طبق آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۹، چهل میلیون کودک در دنیا در معرض این آسیب قرار دارند و سالانه بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ کودک به این دلیل جان می بازند. همچنین انواع مختلف این عارضه همچون کودک آزاری روانی، جسمی، جنسیتی (جنسی) و بی توجهی دائمی حوزه هویتی شخصیت آینده فرد را تحت تاثیر قرار می دهد. لذا توجه ویژه به مولفه ی کودک آزاری، آثار سوء آن بر ابعاد متفاوت هویتی کودک در شخصیت آینده اش و راهکارهایی را در رابطه با این آسیب محورها و اهداف پیش رو در این مقاله است.

روش شناسی: تحقیق از نوع توصیفی و به روش مطالعه اسنادی، کتابخانه ای و جستجوی اطلاعات از منابع مختلف مکتوب و دیجیتالی موجود و در دسترس در این مبحث می باشد.

یافته ها: نتایج به بار آمده از این تحقیق بیان می دارد که آگاه سازی و آموزش به عموم جامعه و بطور ویژه به مراقبین اعم از والدین و... از آثار سوء این آسیب اجتماعی پیامد های مخرب آن بر ابعاد هویتی کودک در زندگی آتی قدمی لازم در جهت کاهش و یا رفع این مهم می باشد.

نتیجه گیری: بر طبق تحقیق فعلی کودک آزاری را اول از همه عدم آگاهی والدین و سایر مراقبین کودکان از ماهیت و همچنین پیامد های بعضاً جبران ناپذیر این آسیب و عدم انجام اعمال پیشگیرانه سبب می گردد. اما نکته قابل تامل این است که شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسب و یا بالعکس همچون: سطح درآمد خانواده، فقر فرهنگی و... عواملی محرک در جهت کاهش و یا افزایش سرعت این آسیب است.

**کلیدواژه ها:** کودک، کودک آزاری، آسیب اجتماعی، هویت روانی، اجتماعی و جنسیتی

۱ دانشجوی کارشناسی روانشناسی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی

۲ دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

۳ هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

## رابطه ادراکات محیطی دانش آموزان از مادر در خانواده با انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی آنان

منیره صالحی<sup>۱</sup>، فاطمه قوامی<sup>۲</sup>

از مهمترین دغدغه های امروز والدین، آماده نمودن فرزندانشان برای تحصیل و آینده شغلی آنان است. نظریه مسیر شغلی-تحصیلی ساویکاس به چهار وظیفه رشدی (دغدغه داشتن، کنترل داشتن، کنجکاو بودن و اعتماد نمودن) به عنوان مولفه های انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی می پردازد. در این راستا عوامل محیطی مانند خانواده، سبکهای فرزند پروری و ادراک فرزندان از والدین به ویژه مادر بر انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی دانش آموزان موثر است.

روش شناسی: روش تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی و توصیفی است. جامعه تحقیق شامل دانش آموزان پسر پایه دهم و یازدهم دبیرستان تبادکان مشهد هستند. با توجه به تعداد متغیرها و گروه ها و حجم جامعه، پرسشنامه ها بر روی ۵۴۱ دانش آموز اجرا و پر شدند. برای سنجش ادراکات محیطی خانوادگی (مادر) از پرسشنامه گروولنیک، دسی و ریان (۱۹۹۷) استفاده شد که شامل مؤلفه هایی چون درگیری، حمایت از خودمختاری و پذیرش است. ابزار سنجش انطباق پذیری مسیر شغلی، در ایران؛ توسط صالحی و همکاران (۱۳۹۳) اعتباریابی شده است. این ابزارها توسط کلیه آزمودنی ها به شکل گروهی تکمیل شد.

یافته ها: یافت ها نشان داد که ضریب همبستگی بین مؤلفه های ادراکات دانش آموزان از مادر در محیط خانواده به لحاظ آماری معنادار است. ( $p < 0/001$ ) کلیه مؤلفه های ادراکات دانش آموزان از مادر در محیط خانواده با همدیگر رابطه مثبت معناداری دارند. ( $p < 0/001$ ). همچنین کلیه مؤلفه های انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی دانش آموزان با همدیگر رابطه مثبت معناداری دارند. ( $p < 0/001$ ). نتایج نشان داد که کلیه مؤلفه های ادراکات دانش آموزان از مادر در محیط خانواده با کلیه مؤلفه های انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی دانش آموزان، رابطه مثبت معناداری دارند. همچنین رابطه همبستگی بین انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی دانش آموزان با ادراکات دانش آموزان از مادر در محیط خانواده با استفاده از همبستگی پیرسون  $0.363$  و مثبت و معنادار به دست آمد ( $p < 0/001$ ).

بحث و نتیجه گیر: والدین در توانمند نمودن فرزندشان برای برنامه ریزی، تصمیم گیریهای شغلی و آموزشی موثرند. در این میان نقش مادر به عنوان والدی که بیشترین ارتباط را در هفت سال اول زندگی با کودک دارد و با توجه به نوع نگاه سنتی اغلب خانواده های ایرانی برای تربیت فرزند، حائز اهمیت است. به این دلیل تحقیق حاضر رابطه بین ادراکات دانش آموزان از مادر در محیط خانواده را با انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی آنان مورد بررسی قرار داد. یافته ها نشان داد که بین مؤلفه های ادراکات دانش آموزان از مادر در محیط خانواده با کلیه مؤلفه های انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی دانش آموزان، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

پیشنهادات پژوهشی:

۱. بررسی میزان آگاهی مادران از ویژگی های موثر در توانمندسازی فرزندان برای انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی
  ۲. بررسی نقش شغل و سطح تحصیلات مادر بر انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی.
- کلیدواژه ها:** مادر، انطباق پذیری مسیر شغلی تحصیلی، ادراکات محیطی خانوادگی، دانش آموزان

۱. دکتری علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان

۲. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه



## تبیین جایگاه مادر در تربیت فرزند بر اساس آموزه های دینی

فاطمه صحرائی سرمزده

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) در نهاد خانواده، از میان سه نقش زن (نقش دختر، نقش همسر و نقش مادر)، نقش مادری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به گونه ای که بیشترین ستایش ها و زیباترین تصاویر از زن، زمانی است که در نقش مادری، عهده دار تربیت فرزندان خویش است.

در این جستار برآنیم، با سیری کوتاه در تفسیر آیاتی که در شأن والدین نازل شده است و نیز، با تحلیل و بررسی روایات وارده از معصومین (ع) در این خصوص، به تبیین جایگاه و نقش مادر در تربیت فرزند بپردازیم. و با ارائه مستندات و شواهد کافی اثبات کنیم که مهمترین و اثرگذارترین، نقش زن در کانون خانواده نقش مادری اوست.

در هفت سوره از قرآن کریم، پس از ایمان به خدا، نیکی و احسان به والدین سفارش شده است. در دو سوره لقمان و احقاف، روی واژه مادر «ام» تاکید شده است و منزلت مادر را بیش از پدر ارج نهاده و حقوق بیشتر او بر فرزندان را گوشزد کرده است.

در سیره معصومین (ع) تربیت کودک پیش از تولد آغاز می شود، یعنی از زمان انتخاب همسر؛ با انتخاب همسر، کانون تربیت فرزند رقم می خورد؛ زیرا پرونده دو عامل موثر در تربیت، یعنی عامل وارث و عامل محیطی بسته می شود. بر همین اساس، پیامبر اکرم (ص) به اهل بیت (ع) و دیگران سفارش کرده اند که در انتخاب همسر دقت لازم را داشته باشند.

نکته ای که در این مجال، حائز اهمیت است و از بطن آیات بر ما مکشوف می گردد اینست که، آن چه جایگاه و منزلت ویژه و شایسته تعظیم و تکریم به مادر میدهد، تحمل رنج و مشقت هایی است که در مسیر تربیت فرزند، به دوش می کشد. اسلام و فرهنگ قرآنی به تمامی کسانی که دارای نقش و کارکرد تربیتی هستند، ارج و منزلتی، بیش از سایرین بخشیده است.

اما مهمترین مساله ای که نگارنده را بر آن داشت تا به نگارش این مقاله اقدام کند، طرح چالش های حقوقی زنان در فقه اسلامی است. به خصوص چالش هایی که مربوط به نقش مادری زنان می شود؛ از جمله حق قیمومیت مادر است که در فقه اسلامی حق ولایت، بر کودکان صغیر پس از مرگ پدر به جد پدری می رسد و اگر او در قید حیات نباشد نوبت به مادر می رسد. در حالیکه طبق آیات قرآن کریم محبت مادر و خیرخواهی او نسبت به فرزندان او را بر سایر افراد ترجیح می دهد.

مطالعه متون دینی و غور در آیات قرآن کریم و صراحت این آیات در بیان نقش بی بدیل مادر در تربیت فرزند، می تواند بسیاری از چالش های حقوقی زنان و مادران، در علم فقه را مرتفع سازد. زن معاصر مسلمان، قوانین فقهی را که با موازین عادلانه، سازگار نیست بر نمی تابد. تعدادی از فقهای معاصر، رویکردی جدید به فقه اسلامی داشته اند و معتقدند که احکام فقه کهن با زندگی امروزی زن مسلمان هماهنگی ندارد و نیازمند بازنگری است. پیروان این رویکرد، در تکوین دیدگاهشان نسبت به زن، اتکای آشکار به قرآن کریم را در استنباط فقهی لازم و ضروری می دانند.

**کلیدواژه ها:** مادر، تربیت، فرزند، قرآن کریم، احادیث معصومین، فقه

## جستاری پیرامون حقوق مادر در اسلام و نقش مادر در سلامت جنسی فرزندان

مسعود طالبی مقدم<sup>۱</sup>

مقدمه: مقام مادری در همه‌ی ادیان و بویژه در دین اسلام از ارزش والایی برخوردار بوده و به بزرگی از این مقام یاد شده است. دانشمندان برای نقش مادر در سلامت کودک دو عامل ژنتیک و محیط را برشمرده‌اند که در هر دو عامل، مادر اصلی‌ترین وظیفه را عهده دار است. تأملی در حقوق مادر در اسلام و چگونگی نقش وی در سلامت جنسی فرزند، پرسشی است که نگارنده مقاله، کوشیده است با پژوهش در منابع اسلامی و علوم جدید، به آن پاسخ دهد.

روش‌شناسی: این پژوهش به روش اسنادی- کتابخانه‌ای انجام شده است. در پژوهش حاضر، با تأمل در منابع ادیان بیهودیت، مسیحیت و اسلام، مقام مادری را مورد بررسی قرار داده و مشخص گردید که همه‌ی ادیان الهی مقام ارزشمندی برای مادر قائل بوده و به وی احترام می‌گذارند؛ اما دین اسلام، حقی را که برای مادر مشخص کرده، بسیار بالاتر از حقی است که برای دیگران حتی پدر قائل گردیده؛ چرا که مادر را مربی انسان و در حقیقت پرورش دهنده جامعه دانسته است. سپس به مفهوم شناسی سلامت و سلامت جنسی پرداخته شده و با استفاده از منابع اسلامی و علوم جدید، نقش مادری در سلامت جنسی فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: بررسی‌های به عمل آمده حکایت از آن دارد که مادر نه تنها منتقل‌کننده صفات ژنتیکی به فرزندان است، بلکه ملکات اخلاقی و صفات اکتسابی را نیز به فرزندان منتقل می‌کند. امنیت جنسی کودک در طول زندگی وی، مرهون تلاش مادر است. در واقع، پذیرندگی و پاسخگو بودن مادر است که جهان را برای کودک به محیطی با ثبات و امن تبدیل کرده و کودک با اعتماد به مادر، نیازهایش را برآورده می‌کند، در این اتفاق، رابطه عمیقی بین کودک و مادر برقرار شده، کودک از رفتار و گفتار مادر الگو- برداری کرده و زمینه‌سازی برای سلامت جنسی و روانی کودک می‌شود. رفتار فرزند همانند آئینه‌ای می‌شود که مادر، رفتار خود را در آن می‌تواند مشاهده کند و نتیجتاً، رفتار ناصحیح مادر و ناآگاهی وی بر سلامت جنسی کودک تأثیر منفی می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری: مادر به دلیل ویژگی خاص شخصیتی خود و تفاوت‌های جنسیتی با پدر در زمینه‌های گوناگون، نقش بسیار حساسی در تأمین سلامت جنسی و بهداشت روانی خانواده بر عهده دارد. تولید نسل، پرورش روانی کودک، پرستاری، تأمین آرامش خانواده، انتقال فرهنگ و زبان، تأمین روانی مرد، اقتصاد خانواده و مانند اینها کارکردهای بسیار مهم و حیاتی است که تنها از مادر بر می‌آید. همه کارکردهای مادر را می‌توان کارکردهای فطری دانست و بیشتر این ویژگی‌ها و کارکردها را به صورت غریزه حتی در کودکی دختران می‌توان مشاهده نمود. نقش‌هایی نیز وجود دارد که از طرف مادر می‌بایست مورد توجه خاص قرار گیرد، در صورتی که مادر نسبت به این نقش‌ها توجه داشته باشد، به ایجاد استحکام در خانواده و سلامت جنسی فرزندان کمک می‌کند. یکی از نقش‌هایی که مادر به واسطه‌ی انجام آن می‌تواند سلامت جنسی فرزند خود را تأمین کند، عفت و پاکدامنی وی چه در محیط خانواده و چه در غیر آن می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مادر، مادری، اسلام، حقوق، سلامت جنسی، فرزندان.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان

## بررسی اثربخشی آموزش مهارت فرزند پروری مبتنی بر نظریه ی انتخاب بر بهبود رابطه مادر-کودک در مادران دارای کودکان هموفیلی

زهرا طاهر نیا بایگی<sup>۱</sup>، علی اصغر سیلانیان طوسی<sup>۲</sup>، زینب ضرابی مقدم<sup>۳</sup>

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت فرزند پروری مبتنی بر نظریه ی انتخاب بر بهبود رابطه مادر-کودک در مادران دارای کودکان هموفیلی انجام شد. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل مادران دارای فرزندان هموفیلی می باشد که به مرکز سرور شهر مشهد مراجعه می کنند، نمونه گیری در پژوهش حاضر به شیوه در دسترس است. از بین افراد مراجعه کننده به این مرکز تعداد ۳۰ تن از مادران دارای کودک هموفیلی انتخاب می شوند. از بین این افراد از طریق تخصیص تصادفی تعداد ۱۵ تن از این مادران در گروه آزمایش قرار می گیرند و ۱۵ نفر دیگر در گروه کنترل قرار می گیرند. ابزار پژوهش؛ پرسشنامه رابطه مادر-کودک: مقیاس رابطه والد-فرزند (PCRS) بود.

یافته ها: نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون و در شاخص بهبود رابطه ی مادر - کودک وجود دارد ( $P < 0/05$ ). بنابراین این فرضیه پژوهشی تایید و می توان گفت آموزش مهارت های فرزند پروری مبتنی بر نظریه انتخاب بر بر بهبود رابطه مادر- کودک مادران دارای کودکان هموفیلی تاثیر دارد.

**کلیدواژه ها:** آموزش مهارت فرزند پروری، نظریه ی انتخاب، رابطه مادر-کودک، مادران دارای کودکان هموفیلی.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام

۲. دانشيار روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام

۳. مربی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خيام

## نقش سلامت مادر در تربیت فرزندان در خانواده

مریم طاهری<sup>۱</sup>، معصومه طاهری<sup>۲</sup>، فاطمه موسوی<sup>۳</sup>

روان پزیشان فردی را از نظر روانی سالم می‌دانند که تعادلی میان رفتارها و کنترل او در مواجهه با مشکلات اجتماعی وجود داشته باشد. از این دیدگاه انسان و رفتارهای او در مجموع یک دستگاه در نظر گرفته می‌شود که براساس کیفیات تأثیر و تأثر متقابل عمل می‌کند. با این نگاه ملاحظه می‌شود که چگونه عوامل متنوع زیستی انسان بر عوامل روانی - اجتماعی او اثر گذاشته و یا برعکس از آن اثر می‌پذیرد؛ به سخنی دیگر در بهداشت و تعادل روانی، انسان به تنهایی مطرح نیست بلکه آن چه مورد بحث قرار می‌گیرد، پدیده‌هایی است که در اطراف او وجود دارند و بر جمع نظام او تأثیر می‌گذارند و از آن متأثر می‌شوند. برخی بهداشت روانی را عبارت از پیشگیری از پیدایش بیماری‌های روانی و سالم‌سازی محیط روانی و اجتماعی دانسته‌اند تا افراد جامعه بتوانند با برخورداری از تعادل روانی با عوامل محیط خود رابطه و سازگاری صحیح برقرار کرده تا بتوانند به هدف‌های اعلائی تکامل انسانی برسند. به سخنی دیگر از آن جایی که انسان ترکیبی از خیر و شر، ماده و معنویت و تن و جان است همواره در حالت کشمکش درونی است. از این رو، هر لحظه در معرض بحران‌های شخصیتی و خروج از تعادل است. برای حفظ تعادل شخصیتی، قرآن دستورها و آموزه‌هایی را بیان نموده است که در سایه آن شخصیت انسانی از تعادل لازم برخوردار خواهد شد. بهداشت روانی عبارت است از ایجاد تعادل شخصیتی در درون، میان آن چه فطرت و غریزه نامیده می‌شود؛ و در بیرون، میان آن چه تعادل قرآن تأکید می‌کند که خداوند آفریدگار انسان از یک غنای ذاتی برخوردار است و انسان به عنوان یک آفریده همواره گرفتار فقر ذاتی است؛<sup>(۱)</sup> از این رو هرگاه به علت عواملی این ارتباط خود را در هر جا نشان ندهد، آن بخش با اختلال مواجه خواهد شد.

نقش والدین بخصوص مادر فرزندان و زندگی حال و آینده آنها بسیار مهم است. درین مقاله سعی بر آن شده که وظایف و نقش‌های والدین در تربیت فرزندان مورد بررسی قرار گیرد و اگر مادر فاقد سلامت روحی و جسمی باشد این نقش‌ها دچار اختلال می‌شود. سرانجام آگاهی والدین از نقش‌ها و وظایف خود و تلاش بیشتر برای بهتر انجام دادن آنها مهم تلقی شده است و این تحقیق به روش کتابخانه‌ای معطوف است.

هر چند که این اختلال هیچ‌گاه به نیستی و نابودی نخواهد انجامید ولی در زندگی دنیوی و اخروی دچار تنگنا می‌شود. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»<sup>(۲)</sup> «هر کس از یاد خدا و ارتباط با او اعراض کند در زندگی دچار تنگنا خواهد شد. این تنگنا عبارت از همه مواردی می‌شود که انسان را از حالت تعادل شخصیتی بیرون می‌برد و دچار بحران‌های جسمی و روحی می‌نماید. بنابراین تنها با بهره‌گیری از توحید و یاد خداست که بهداشت روانی و تعادل درونی و بیرونی در انسان پدید خواهد آمد

**کلیدواژه‌ها:** بهداشت روانی، بهداشت نقش خانواده در بهداشت روانی، بهداشت روانی از دیدگاه قرآن؛ تعادل

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گرایش تحول دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر

۲ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملایر

۳ کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه ملایر

## بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از اختلال تکاملی کودکان در مادران دارای کودک یکسال شهرستان قم در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶

اعظم السادات طباطبایی سرشت<sup>۱</sup>، رضا توکلی<sup>۲</sup>، محمود محمودی<sup>۳</sup>

مقدمه: اختلالات تکاملی و رفتاری یکی از مشکلات شایع در طب کودکان است. غربالگری وضعیت تکاملی به لحاظ تشخیص زودرس این اختلالات جهت مداخله و درمان زودرس از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا این پژوهش با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از اختلال تکاملی کودکان در مادران شهرستان قم انجام شد.

روش شناسی: پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله ای از نوع پیش آزمون، پس آزمون با گروه کنترل است و روی ۱۰۶ مادر دارای کودک یکسال که به صورت تصادفی در دو گروه آزمون و شاهد قرار گرفتند، در سال ۱۳۹۷ انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی و پرسشنامه سنین و مراحل، شامل اطلاعات در پنج حیطه بود که در دو نوبت قبل و یک ماه بعد از آموزش از سوی مادران تکمیل شد. بعد از انجام پیش آزمون مداخله آموزشی طی ۴ جلسه آموزشی برای گروه آزمون انجام گرفت، در نهایت اطلاعات حاصل جمع آوری و از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آزمون های آماری تی زوجی، تی مستقل و کای دو تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: قبل از انجام مداخله دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک، میانگین نمرات سازه های مختلف الگو و رفتار تفاوت آماری معناداری با هم نداشتند. بعد از مداخله آموزشی، تفاوت معناداری در میانگین و انحراف معیار اثر آموزش نمره آگاهی ( $2/85 \pm 2/37$ )، نگرش ( $7/13 \pm 3/28$ )، هنجار انتزاعی ( $6/64 \pm 3/66$ )، کنترل رفتاری درک شده ( $11/05 \pm 4/33$ )، قصد رفتاری ( $9/8 \pm 3/92$ ) و رفتار ( $8/10 \pm 16/94$ ) بین دو گروه آزمون و شاهد دیده شد ( $p < 0/001$ ). میانگین نمره رفتار گروه مداخله از میانگین ۱۲/۹۶ در قبل از مداخله به ۲۲/۹۰ بعد از مداخله افزایش معناداری یافت ( $p < 0/001$ ) و از بین ۵۳ کودک، ۵۱ (۹۶/۲٪) نفر تکامل طبیعی داشتند و ۲ (۳/۷٪) نفر حداقل در یک حیطه غیرطبیعی بودند.

بحث و نتیجه گیری: یافته های این بررسی، مؤثر بودن آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده را در ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از اختلال تکاملی کودکان در مادران را نشان می دهد. با توجه به افزایش میزان نمرات حاصل از سازه ها، طراحی و اجرای برنامه آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده در مادران دارای کودک یکسال همراه با پیگیری فعال می تواند سبب افزایش عملکرد مادران در خصوص پیشگیری از اختلال تکاملی کودکان گردد. با وجود تکامل طبیعی در اکثر کودکان، تعدادی از کودکان دارای اختلال تکاملی حداقل در یک حیطه بودند. بنابراین نیاز به برنامه هایی جهت مقابله با عوامل خطر مرتبط و پیگیری مداوم از نظر تکامل این حیطه ها برای جلوگیری از عوارض در آینده ضروری می باشد.

**کلیدواژه ها:** مداخله آموزشی، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، اختلال تکاملی کودکان، مادران

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، قم، ایران
۲. دکترای تخصصی آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
۳. گروه مدیریت خدمات بهداشتی، دانشکده علوم و فن آوریهای پزشکی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

## بررسی رابطه نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی مادران با اختلال تصویر تن در دختران نوجوان

نسرین ظفرطلائی خالص<sup>۱</sup>، مریم حلاج<sup>۲</sup>، مهدیه محروقی<sup>۳</sup>، محدثه محمدزاده<sup>۴</sup>، حسین کدخدا<sup>۵</sup>

مقدمه: پژوهش حاضر با عنوان بررسی رابطه نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی مادران با اختلال تصویر تن در دختران نوجوان در دامنه موضوعی فرزندپروری قرار دارد. هدف از این پژوهش بررسی وجود یا عدم وجود رابطه میان نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی در با میزان پیش‌بینی و بروز اختلال تصویرتن در دختر نوجوان است.

روش‌شناسی: طرح پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای-کاربردی و روش گردآوری اطلاعات پیمایشی می‌باشد. جامعه مورد پژوهش کلیه مادران دارای دختر نوجوان بالای ۱۵ سال در سال ۱۳۹۷ ه.ش در شهر مشهد بوده‌اند. از میان این جامعه ۳۰ گروه مادر-فرزند با کمک روش تصادفی ساده انتخاب شدند؛ به این صورت که به کلیه آزمودنی‌ها در جامعه آماری فرصت انتخاب یکسان داده شد. پرسشنامه نشانگان اختلالات روانی برای بررسی نشانه‌های: شکایات جسمانی، بعد وسواس و اجبار، بعد حساسیت در روابط متقابل و ابعاد افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوئید و بعد روان‌پریشی برای مادران و پرسشنامه چندبعدی نگرش فرد درمورد تصویر بدنی خود برای نوجوانان برای بررسی این فرضیات که میان نشانگان اختلالات روان‌شناختی در مادر و اختلال تصویر تن نوجوان ارتباط معنادار و قابل پیش‌بینی وجود دارد؛ استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که میان نشانه‌های شکایت جسمانی، اضطراب، ترس مرضی و روان‌پریشی و بروز اختلال تصویرتن در نوجوان رابطه وجود دارد؛ اما، میان نشانه‌های وسواس و اجبار، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، پرخاشگری و افکار پارانوئید با بروز اختلال مذکور در نوجوان رابطه‌ی مثبتی وجود ندارد. همچنین؛ مقدار ضریب همبستگی به دست آمده از انجام فرآیند رگرسیون چندگانه (۰,۷۲۳) نشان می‌دهد که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (اختلال تصویرتن نوجوان) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰,۳۰۷) نشان می‌دهد که ۳۰,۷٪ از احتمال بروز این اختلال در نوجوان به این ۹ نشانه‌ی سنجیده شده در مادر وابسته باشد. به عبارت بهتر؛ مجموعه متغیرهای مستقل، حدود ۳۰ درصد از واریانس متغیر اختلال تصویر تن در نوجوان را پیش‌بینی می‌کنند. از محدودیت‌های پژوهش؛ امکان سوگیری افراد پاسخ دهنده به پرسشنامه‌ها و همچنین بررسی وضعیت مادر در زمان کوتاه و حال می‌باشد که امکان بررسی دقیق‌تر از پژوهشگر سلب می‌شود. این پژوهش ضرورت اوایه آموزش‌های لازم به مادران جهت فراگیری روش‌های خودمراقبتی روانی برای کاهش میزان احتمال ابتلا دختران نوجوان به اختلال تصویر تن را پیشنهاد می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلالات روان‌پریشی؛ اختلال تصویر تن، مادر، نوجوان، دختران

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خيام

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خيام

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خيام

۴ دانشجوی کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خيام

۵. استادبار، گروه آموزشی مشاوره و روان‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران

## ارتباط کمال گرایی مادران و خود تنظیمی هیجانی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان گناباد

زهرا عابدی زاده<sup>۱</sup>، حسین کدخدای<sup>۲</sup>

مقدمه: خانواده اولین و مهمترین نقش را در رشد شخصیت و اجتماعی شدن کودک به عهده دارد. مفهوم خود و ادراکی که افراد از خود دارند نقش مهمی را در شخصیت و تعادل روانی بازی می کند و زیر بنای این مفهوم در خانواده و نیز نخستین سال های زندگی فرد و بر اثر نگرش و طرز رفتار والدین بخصوص مادر نسبت به کودک ایجاد می شود. کمال گرایی مادران یکی از عوامل مهمی است که می تواند بر متغیرهای روانشناختی و شخصیتی فرزندان تاثیر بگذارد. مساله اصلی پژوهش این بود که آیا بین کمال گرایی مادران با خودتنظیمی فرزندان رابطه وجود دارد؟

روش شناسی: این پژوهش از نوع همبستگی بود جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش آموزان مدارس متوسطه دوم شهرستان گناباد به تعداد ۴۵۳۸ که در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل هستند، بود. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان به تعداد ۳۵۱ نفر برآورد شد. نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای بود. در این پژوهش از مقیاس کمال گرایی اهواز (APS) و مقیاس خود تنظیمی هیجانی مارس استفاده شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از ضریب پیرسون و نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: با توجه به مقدار ضریب همبستگی بین میزان کمال گرایی مادران و خود تنظیمی دانش آموزان (۰,۵۷۳) و سطح معنی داری که کوچکتر از ۰,۰۱ است فرض پژوهش که عبارت است از " بین کمال گرایی مادران و خود تنظیمی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد " با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته شد.

بحث و نتیجه گیری: افراد دارای کمالگرایی ناسازگارانه به دلیل ضعف خودتنظیمی قادر نیستند تا راه خود را انتخاب نمایند و منتظر می نشینند تا دیگران برای آنها تصمیم بگیرند که چون خودشان در آن نقشی نداشته اند، برای به ثمر نشاندن آنها هم انگیزه های ندارند. ارتباط بین کمالگرایی سازگارانه و خودتنظیمی ممکن است به این صورت باشد که افراد دارای کمالگرایی سازگارانه از نقاط ضعف و قوت خود آگاهی دارند و براساس این ضعف ها و توانایی ها برای خود اهدافی خودانگیخته تعیین می کنند که احتمالاً دارای جهتگیری یادگیری هستند، و برای دستیابی به اهداف از انگیزه کافی برخوردارند و از تمام امکانات و راه حل های ممکن از جمله راهبردهای خودتنظیمی استفاده می کنند و استفاده از راهبردهای خودتنظیمی مناسب خود باعث موفقیت بیشتر می گردد که در تعیین معیارهای کمالگرایانه سازگارانه دیگر کمک می کند. از آنجا که نمونه انتخاب شده مربوط به شهرستان گناباد است، بنابراین در تعمیم نتایج به سایر نقاط کشور باید احتیاط کرد. بدیهی است که انجام دادن پژوهش هایی در نمونه ای وسیع تر و با استفاده از ابزارهای سنجش جامع تر، امکان تعمیم نتایج را در سطحی بالاتر فراهم می سازد.

**کلیدواژه ها:** کمال گرایی مادران - خود تنظیمی هیجانی- دانش آموزان- شهرستان گناباد

۱ دبیر آموزش و پرورش، گناباد

۲ مدیر گروه و استادیار، گروه آموزشی مشاوره و روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان

## اثر بخشی آموزش ذهن آگاهی بر ناامیدی مادران کودکان آسیب دیده شنوایی

زهره عابدی زاده<sup>۱</sup>، حسین کدخدای<sup>۲</sup>

مقدمه: آسیب شنوایی کودکان، اثرات زیان آوری بر سلامت عمومی مادران به جا می گذارد، چرا که آسیب شنوایی عمیقاً عملکرد اجتماعی و ارتباطات بین فردی را تحت تأثیر قرار می دهد. پژوهش حاضر تلاش می کند تا به تعیین اثر بخشی آموزش ذهن آگاهی بر ناامیدی مادران کودکان آسیب دیده شنوایی بپردازد.

روش شناسی: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی بوده و با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل طراحی شد. جامعه آماری این پژوهش شامل مادران کودکان ناشنوا که در مقاطع ابتدایی (رده سنی ۶ تا ۱۲ سال) دوره اول و دوم در آموزشگاه شهید علویان در سال تحصیلی (۱۳۹۷-۱۳۹۸) مشغول به تحصیل هستند، بود. به علت محدود بودن جامعه آماری نمونه برابر با جامعه به تعداد ۳۲ نفر انتخاب شد که به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و شاهد تقسیم شدند. جهت اجرای پژوهش پیش آزمون در یک شرایط زمانی برای هر دو گروه اجرا شد. سپس برنامه آموزش مهارت ذهن آگاهی (متغیر مستقل) روی آزمودنی های گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه یک ساعته در ۴ هفته متوالی (هر هفته دو جلسه) اجرا شد. در این پژوهش از پرسش نامه مقیاس نگرش والدین نسبت به فرزند دارای نیازهای ویژه شان (سوالات مربوط به ناامیدی) استفاده شد. داده های جمع آوری شده در پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از تحلیل کوواریانس و نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج یافته های پژوهش نشان داد میانگین نمره گروه های آزمایش و کنترل در ناامیدی در پیش آزمون معنی دار نیست، در حالی که تفاوت بین گروه های آزمایش و کنترل در پس آزمون ناامیدی در سطح الفای ۰/۰۱ معنی دار است. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین های ناامیدی مادران شرکت کنندگان گروه آزمایش - کنترل برحسب عضویت گروهی در مرحله پس آزمون با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت وجود دارد ( $P < 0.05$ ). میزان تأثیر این مداخله ۰/۳۳ بوده است. نتایج مقایسه میانگین های تعدیل شده نشان داد که میانگین نمره ناامیدی والدین گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل افزایش بیشتری دارد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه آموزش مبتنی بر ذهن آگاهی توانست ناامیدی مادران کودکان آسیب دیده شنوایی را بهبود بخشد. از آنجا که نمونه انتخاب شده مربوط به شهرستان گناباد است، بنابراین در تعمیم نتایج به سایر نقاط کشور باید احتیاط کرد. مطالعه حاضر تنها در مورد والدین کودکان آسیب دیده شنوایی و به سادگی نمی توان از تعمیم نتایج در گروه های والدین دیگر کودکان با نیازهای ویژه سخن گفت. اگرچه پذیرش و درک ویژگی ها کودکان توسط والدین دشوار است، اما والدین می توانند با شرکت در جلسات آموزشی ذهن آگاهی راحت تر رفتار کودک خود را تبیین کنند و در نتیجه مشکلات رفتاری کودکان کاهش و اطاعت از دستورات والدین افزایش می یابد و والدین به میزان کمتری، فشار و تنش را احساس می کنند. بدیهی است که انجام دادن پژوهش هایی در نمونه ای وسیع تر و با استفاده از ابزارهای سنجش جامع تر، امکان تعمیم نتایج را در سطحی بالاتر فراهم می سازد. از روش مداخله ای ذهن آگاهی می توان برای غلبه بر ناامیدی کسانی که بیشترین بار مشکلات عاطفی و رفتاری این کودکان را به دوش می کشند، یعنی مادران کودکان آسیب دیده شنوایی استفاده کرد و با انعکاس نتایج آن به والدین و دست اندرکاران مربوط و با شناخت بهتر روحیات مادران کودکان استثنایی ضایعات و اثرات داشتن فرزند معلول را تا حدی برایشان تخفیف داد.

**کلیدواژه ها:** آموزش ذهن آگاهی - ناامیدی - مادران کودکان آسیب دیده شنوایی

۱ دبیر آموزش و پرورش، گناباد

۲ مدیر گروه و استادیار، گروه آموزشی مشاوره و روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان



## اثر بخشی ذهن آگاهی بر راهبرد های مقابله با استرس مادران کودکان

### کم توان ذهنی شهرستان گناباد

زهره عابدی زاده<sup>۱</sup>، حسین کدخدای<sup>۲</sup>

مقدمه: تولد یک کودک ناتوان تأثیر نامساعدی بر زندگی، هیجانات، افکار و رفتار اعضای خانواده می گذارد. به دلیل نیاز به مراقبت از کودک کم توان توسط مادر و تنش زا بودن شرایط و وجود عوامل مولد اضطراب و تنش باید تدابیری اندیشید تا سطح اضطراب، تنش و افسردگی مادران کاهش یابد. به نظر می رسد که بتوان با آموزش ذهن آگاهی، تغییراتی در جهت بهبود آن ایجاد کرد. لذا پژوهش در پی پاسخ به این سوال بود که آیا ذهن آگاهی بر راهبرد های مقابله با استرس مادران دارای کودک کم توان ذهنی موثر است؟

روش شناسی: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی بوده و با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل طراحی شد. جامعه آماری این پژوهش شامل مادران کودکان کم توان ذهنی که در مقاطع ابتدایی (رده سنی ۶ تا ۱۲ سال) دوره اول و دوم در آموزشگاه شهید علویان در سال تحصیلی (۱۳۹۷-۱۳۹۸) مشغول به تحصیل هستند، به تعداد ۵۶ نفر بود. نمونه پژوهش تعداد ۴۰ نفر از مادران بود که به صورت تصادفی انتخاب و به تصادف به دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و شاهد (۲۰ نفر) تقسیم شدند. جهت اجرای پژوهش پیش آزمون در یک شرایط زمانی برای هر دو گروه اجرا شد. سپس برنامه آموزش مهارت ذهن آگاهی (متغیر مستقل) روی آزمودنی های گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه یک ساعته در ۴ هفته متوالی (هر هفته دو جلسه) اجرا شد. در این پژوهش از مقیاس سبک های مقابله ای اندلر و پارکر (CISS) استفاده شد. داده های جمع آوری شده در پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از تحلیل کوواریانس و نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج یافته های پژوهش نشان داد میانگین نمره گروه های آزمایش و کنترل در سبک های مقابله ای (مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی) در پیش آزمون معنی دار نیست، در حالی که تفاوت بین گروه های آزمایش و کنترل در پس آزمون در سبک های مقابله ای (مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی) در سطح الفای ۰/۰۱ معنی دار است. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین های درسه سبک مقابله ای (مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی) مادران شرکت کنندگان گروه آزمایش - کنترل برحسب عضویت گروهی در مرحله پس آزمون با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت وجود دارد ( $p < 0,05$ ). میزان تأثیر این مداخله در سبک مقابله ای مسئله مدار (۰,۳۲۵)، سبک مقابله ای هیجان مدار (۰,۳۵۳) و سبک مقابله ای اجتنابی (۰,۲۱۹) بوده است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه آموزش ذهن آگاهی توانست استفاده از راهبرد هیجان مدار مقابله با استرس و راهبرد اجتناب مدار مقابله با استرس را در مادران کودکان کم توان ذهنی کاهش داده و باعث افزایش استفاده از راهبرد مسئله مدار مقابله با استرس را افزایش دهد. از آنجا که نمونه انتخاب شده مربوط به شهرستان گناباد است، بنابراین در تعمیم نتایج به سایر نقاط کشور باید احتیاط کرد. مطالعه حاضر تنها در مورد والدین کودکان کم توان ذهنی انجام گرفت و به سادگی نمی توان از تعمیم نتایج در گروه های والدین دیگر کودکان با نیازهای ویژه سخن گفت. نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که مادران کودکان کم توان ذهنی به آموزشی جامع نیاز دارند تا بتوانند باورهای نادرست و ناکارآمد در باره راهبرد های مقابله ای را اصلاح نمایند. این اصلاحات در نهایت زمینه را برای ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی این مادران آماده می کند. با توجه به محدودیت های سنی و جغرافیایی دانش آموزان مورد مطالعه پیشنهاد می شود که این تحقیق در دیگر گروه های سنی، جنسی، تحصیلی و جغرافیایی انجام گیرد.

**کلیدواژه ها:** آموزش ذهن آگاهی - راهبرد های مقابله با استرس - مادران کودکان کم توان ذهنی - شهرستان گناباد

۱ دبیر آموزش و پرورش، گناباد

۲ مدیر گروه و استادیار، گروه آموزشی مشاوره و روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان

## نقش تربیتی مادر در منابع اسلامی

دکتر علیرضا فاطمی<sup>۱</sup>، احمد دهقان پور<sup>۲</sup>

شارع مقدس اسلام در تمامی زمینه های فردی و اجتماعی آموزه‌ها و دستوراتی ارائه می‌دهد که منطبق با ظرفیت های وجودی نظام تکوینی است. و اجرای این فرامین، سعادت و کمال نهایی را برای بشر به ارمغان می‌آورد. مخاطب بسیاری از این دستورات سازنده، خانواده است که از آن به عنوان رکن اصیل مجتمع انسانی یاد می‌شود. خانواده در کنار کارکردهای فراوان و مختلف خود، نقش فرزندآوری و فرزندپروری را به عنوان مهمترین وظیفه خود قلمداد می‌نماید. و بدیهی است که مادر به عنوان یکی از دو رکن تشکیل خانواده نقشی بی بدیل را در تربیت فرزند ایفا می‌کند. آگاهی از رهنمودهای دین مقدس اسلام در زمینه نقش مادر در تربیت بسی ارزشمند و چراغ راه تربیت صحیح فرزندان خواهد بود.

در این نوشتار سعی شده است با مراجعه به متون اصیل دینی، همچون: قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات معصومین علیهم السلام، به دنبال دیدگاه اسلام در مورد نقش و جایگاه مادر در امر خطیر تربیت فرزند باشیم. با توجه به ماهیت منابع دینی در این تحقیق از شیوه توصیفی - تحلیلی جهت کنکاش در متون مورد نظر استفاده شده است. و لذا با مراجعه به منابع اسلامی همچون قرآن، نهج البلاغه و منابع حدیثی، مطالب مرتبط با موضوع انتخاب شده اند و سپس به صورت موضوعی مورد تحلیل قرار گرفته اند. البته شایان ذکر است در مراجعه به این منابع با حجم عظیمی از مطالب گوناگون مواجه هستیم که استخراج و شرح تمام آنها در این مجال میسر نخواهد بود. و لذا به گزیده هایی از آنها اکتفا شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سئوالات است که در منابع اسلامی نقش مادر در تربیت فرزند چگونه توصیف و ترسیم شده است، و این تربیت از چه زمانی آغاز می‌شود؟ فرضیه‌های بحث نیز بر این امر استوار است که با توجه به منابع اسلامی منعکس کننده دیدگاه‌های شریعت مقدس اسلام است، نقش مادر در تربیت فرزند، در این متون بی نظیر و بدون جایگزین معرفی می‌شود، و توجه مادر نیز در امر تعلیم و تربیت فرزند امری عقلانی و ضروری ارزیابی می‌شود و غفلت و سهل انگاری در آن زیان‌های جبران ناپذیر به دنبال دارد. همچنین این منابع، مقوله تربیت را امری مستمر دانسته که گستره آن از قبل از تولد کودک آغاز شده و در تمامی مراحل ارشد بعد از تولد ادامه خواهد داشت.

نتیجه ای که از تبیین این بحث حاصل گردید این بود که با توجه به اینکه سعادت و سلامت جامعه انسانی توسط زنجیره‌های به هم پیوسته فردی و اجتماعی حاصل خواهد شد، نقش تربیت فرزند در خانواده و توسط مادر به عنوان اولین و مهمترین حلقه، بسیار مهم و حساس خواهد بود. و منابع غنی و هدایتگر دینی، تدابیر و رهنمودهای بسیار دقیقی درباره نقش تربیتی مادر ارائه می‌دهند و راهبرد مهم در امر تربیت این است که، هر آنچه در راه تعلیم و تربیت فرزند توسط پدر و مادر هزینه شود در واقع سرمایه گذاری سودمند است. از طرف دیگر با عنایت به نقش کلیدی مادر که بدون جایگزین هم خواهد بود. توجه جدی مادی و معنوی به مادر و رفع نیازهای مختلف او، و ایجاد بستری آرام و سالم و به دور از هر گونه فشارهای روحی و جسمی به وی، از اولویت‌های مقدماتی تربیت فرزند محسوب می‌گردد و پس از فراهم نمودن این مقدمات باید منتظر ایفا نقش مادر بر اساس آنچه دین مبین اسلام از مراحل قبل از تولد تا دوران مختلف رشد فرزند بود. و اگر این وظیفه به خوبی ایفا گردد روابط دیگر فرزند همچون ارتباط با خداوند، ارتباط با خانواده، ارتباط با جامعه و ... از سلامت و قداست کافی برخوردار خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** مادر، تربیت، فرزند، منابع اسلامی

۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دورود

۲ دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، خرم آباد

## تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر مؤلفه‌های هوش عاطفی دانش‌آموزان

نسترن فریوراد<sup>۱</sup>، هادی صمدیه<sup>۲</sup>، معصومه احمدی<sup>۳</sup>، زهره سادات حسینی قصر<sup>۴</sup>

مقدمه: خانواده نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت هر جامعه را مرهون سلامت و رضایتمندی اعضای آن دانسته‌اند و تأثیر هر یک از افراد و روابط مثبت یا منفی بین آنان از دوام، عمق و شدت زیادی برخوردار است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین در مؤلفه‌های هوش عاطفی فرزندان انجام شده است. روش‌شناسی: این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه در منطقه ۱۰ از مناطق سیزده‌گانه مشهد می‌باشد که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۳۶۰ نفر بصورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا از بین مناطق سیزده‌گانه مشهد یک منطقه (منطقه ده) به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از بین مدارس دخترانه مقطع متوسطه در منطقه ۱۰ مشهد، تعداد چهار مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید و در نهایت از هر مدرسه سه کلاس به صورت تصادفی در پایه‌های دوم و سوم انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (تکمیل شده توسط والدین) و فرم کوتاه مقیاس هوش عاطفی پترایدز و فارنهام (۲۰۰۱) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش از تحلیل واریانس چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه نقش تعیین‌کننده‌ای در متغیر هوش عاطفی دارد لذا می‌توان گفت هرچه میزان استفاده والدین از شیوه‌ی فرزندپروری دموکراتیک بیشتر باشد، فرزندان‌شان در زمینه هوش عاطفی و رشدیافتگی مؤلفه‌های آن بهنجاری بیشتری نشان خواهند داد. یافته‌ها همچنین بیانگر این است که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با بعد کنترل عواطف و مهارت‌های اجتماعی رابطه معکوس و معناداری دارد، یعنی دانش‌آموزان دارای والدین آزادگذار، در متغیر هوش عاطفی دارای سطوح پایین‌تری از کنترل عواطف و مهارت‌های اجتماعی هستند می‌توان گفت که رفتار والدینی انعطاف‌پذیر، واضح، روشن و با ثبات نقش مؤثری در جنبه‌های مختلف عملکرد فرزندان در سطح متغیر هوش عاطفی ایفاء می‌کند. همچنین از آنجا که والدین آزادگذار کنترلی بر رفتار فرزندان اعمال نمی‌کنند و در هیچ زمینه‌ای، حد و مرز و الگوی شفاف از چگونگی رفتار کردن در اختیار فرزندان خود نمی‌گذارند انتظار می‌رود فرزندان‌شان نیز در زمینه کنترل عواطف و مهارت‌های اجتماعی بسیار ضعیف عمل کنند و توانش‌های هوش عاطفی کمتری داشته باشند. در جهت کاربست یافته‌های این پژوهش به محیط خانوادگی، و تربیت فرزندان با بهنجاری در هوش عاطفی، می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزش الگوهای فرزندپروری اطمینان بخش گامی مؤثر برداشت و بر پایه‌ی این برنامه‌های اتخاذ شده از یافته‌های پژوهش، مداخله‌ی کارشناسان تربیتی را سطح پیشگیری انجام داد. برای تعمیم گسترده‌تر نتایج پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی بر روی دختران و پسران هر سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان انجام، و همچنین امکان بررسی مستقیم‌تر الگوهای فرزندپروری از طریق مصاحبه با والدین فراهم آید.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزندپروری، هوش عاطفی، دانش‌آموزان

۱ کارشناس ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند

۲ دانشجوی دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳ کارشناس، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور قدمگاه رضوی نیشابور

۴ کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

## تأثیر نقش مادری بر فرار دختران از منزل

مجید فولادیان<sup>۱</sup>، زینب فاطمی امین<sup>۲</sup>

مقدمه: مسئله فرار دختران از منزل اگرچه پدیده‌ای تازه و نوظهور نیست، لیکن طی سال‌های اخیر کمیت و کیفیتی دیگر یافته و آمار آنان به طرز نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است. این مسئله معلول شبکه پیچیده‌ای از عوامل تأثیرگذار است که در این میان، وضعیت خانوادگی حائز اهمیت فراوان است. وضعیت خانوادگی مفهومی است که از عناصر مختلفی از جمله ناستواری روابط والدین، ازهم‌گسیختگی خانوادگی، بی‌توجهی و کمبود محبت از سوی مادر در خانواده تشکیل شده است. توجه به نقش محوری مادر بر دختران در خانواده از آن رو مهم می‌باشد که با عدم سلامت جسم و روان دختران، تعداد قابل توجهی از مادران فردای جامعه از دست خواهد رفت.

روش‌شناسی: در این کار پژوهشی در سطح نظری، در ارتباط با چگونگی اثرگذاری نقش مادری بر فرار دختران از منزل، مبنای نظری تحقیق بر مبنای سه دسته از نظریات جامعه‌شناسی، روانشناسی و روانشناسی اجتماعی تنظیم و مدل تحلیلی-نظری طراحی گردیده است. در سطح تجربی (در ارتباط با اهداف و فرضیات طرح شده)، به خاطر حساسیت موضوع و به منظور ارائه تحلیلی غنی و درک بهتر از مسئله تحقیق، با اتخاذ رویکردی تلفیقی، هر دو روش کمی و کیفی به موازات یکدیگر بکارگرفته شده‌اند. برای بررسی علل احتمالی فرار از منزل دختران بلحاظ تأثیر نقش مادری، ابتدا از روش کمی علی-مقایسه‌ای بهره گرفته شد و دو گروه از دختران فراری (۱۴۳ نفر) و غیرفراری (۳۰۰ نفر) مورد مقایسه علی قرار گرفتند. سپس، روش کیفی مورد پژوهی مورد استفاده قرار گرفت و دوازده نفر از دختران فراری ساکن در مراکز نگهداری بهزیستی مورد مصاحبه‌های عمیق قرار گرفتند.

یافته‌ها: بر مبنای نوع رابطه مادر با دختر و دلبستگی دختر به مادر، میزان انطباق و تناظر پیش‌بینی‌های نظری مزبور با داده‌ها و شواهد گردآوری شده، مورد ارزیابی و داوری تجربی قرار گرفت. یافته‌های تحلیلی حاکی از تأثیرگذاری نقش مادری بر فرار دختران از منزل می‌باشد. بطوریکه تفاوت معناداری میان دو گروه از دختران فراری و غیرفراری مشاهده می‌شود. همچنین در قید حیات نبودن مادر، طلاق والدین و ازدواج مجدد مادر، نداشتن رابطه صمیمانه با مادر و نبود حمایت‌های عاطفی از سوی مادر، تضاد بین مادر و دختر و سابقه مجرمیت مادر از مهمترین متغیرهایی است که منجر به شکل‌گیری احساس دل‌سردی، احساس عدم اهمیت در خانواده و احساس تنهایی از جانب دختران گشته که اقدام به فرار آنان را در پی داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: عدم مسئولیت‌پذیری مادران در قبال دخترانشان و بی‌تفاوتی آنان نسبت به شرایط دخترانشان در خانواده، فشارهای روحی و روانی زیادی را بر دختران تحمیل کرده و عدم توجه کافی به نیازهای آنها در خانه، باعث احساس کمبود محبت در دختران می‌شود. همین احساس کمبود محبت و جبران آن از طرف دیگران زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات و رو آوردن آنها به جنس مخالف و فرار از منزل می‌شود. این درحالی است که با ازدیاد فرار دختران، نسل‌های آینده با آسیب‌های اجتماعی و عدم امنیت اخلاقی روبرو خواهد بود. چراکه دختران امروز، مادران فردایند و مادران پرورش‌دهنده فرزندان آینده هستند و در واقع دوام و قوام جامعه انسانی بر پایه مادران آینده است.

**کلیدواژه‌ها:** نقش مادری، عدم دلبستگی دختر به مادر، احساس عدم اهمیت در خانواده، فرار دختران از منزل

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه از دانشگاه فردوسی مشهد

## بررسی سبک‌های فرزند پروری و اثرات آنها بر تنظیم هیجانی همراه با بلوغ عاطفی

سونیا قادرمزی<sup>۱</sup>، سیف الله رحمانی<sup>۲</sup>

تحقیق حاضر درصدد بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و تنظیم هیجانی با بلوغ عاطفی می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه والدین فرهنگی تمام مقاطع تحصیلی شهرستان کامیاران می‌باشد که از بین ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن، ۲۰۰ مرد) به عنوان نمونه آماری جهت شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم جهت انجام تحقیق از روش کتابخانه‌ای و روش میدانی و منابع اینترنتی استفاده گردید. به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهشی از پرسشنامه سبک فرزندپروری و پرسشنامه تنظیم هیجانی، (DERS) گراتز، مقیاس بلوغ عاطفی یاشویر سینک و بهارگاوا (EMS) استفاده شده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است و در بخش آمار توصیفی از محاسبه فراوانی، درصد فراوانی میانگین و انحراف استاندارد و نمودار ستونی و تدوین جدول و در بخش آمار استنباطی از (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (گام به گام) استفاده شده است. داده‌ها در این تحقیق به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین سبک فرزند پروری و تنظیم هیجانی با بلوغ عاطفی رابطه وجود دارد، تایید می‌شود و از بین مولفه‌های سبک فرزند پروری، مولفه - های سبک فرزند پروری استبدادی، سبک فرزند پروری اقتداری و از بین مولفه‌های تنظیم هیجانی متغیر عدم پذیرش بیشترین تاثیر و رابطه را بر بلوغ عاطفی دارند و به عنوان پیش‌بینی کننده خوبی برای بلوغ عاطفی هستند.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزند پروری، تنظیم هیجانی، بلوغ عاطفی

---

۱. دبیر دبیرستان فاطمه الزهرا شهرستان کامیاران و دانشجوی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه بوعلی همدان

۲. دکتری روانشناسی تربیتی و مدرس دانشگاه فرهنگیان استان کردستان

## اثربخشی قصه درمانی بر کاهش افسردگی کودکان مبتلا به سرطان

افسانه کریمی نسب<sup>۱</sup>، دکتر حمیدرضا آقامحمدیان شعریاف<sup>۲</sup>، دکتر زهرا طبیبی<sup>۳</sup>، مرضیه دین دوست<sup>۴</sup>

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی قصه درمانی بر میزان افسردگی کودکان مبتلا به سرطان انجام پذیرفت. روش شناسی: پژوهش حاضر کاربردی و از نوع نیمه آزمایشی است. با استفاده از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف یا در دسترس از میان کودکان مراجعه کننده به بیمارستان دکتر شیخ مشهد (در محدوده سنی ۹ تا ۱۳ سال) ۱۶ نفر در پژوهش شرکت کردند. از این تعداد ۸ نفر در گروه کنترل و ۸ نفر در گروه آزمایش به طور تصادفی گمارده شدند. این افراد در ابتدا با آزمون CDS جهت اندازه گیری میزان افسردگی، مورد آزمون قرار گرفتند. سپس در گروه آزمایش، مداخله قصه درمانی به مدت ۸ جلسه اجرا شد. بعد از اتمام این دوره درمان به منظور سنجش میزان تغییر متغیر وابسته (میزان افسردگی)، مجدداً آزمون CDS به عنوان پس آزمون در هر دو گروه اجرا گردید.

یافته ها: به منظور آزمون فرضیه پژوهش " قصه درمانی به صورت گروهی بر کاهش نمرات افسردگی کودکان مبتلا به سرطان، به طور معناداری موثر است" از از مدل آماری تحلیل کواریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان میدهد که میزان تغییر در نمرات افسردگی در دو گروه آزمایش و کنترل متفاوت است. این بدین معناست که قصه درمانی در کاهش نمرات افسردگی کودکان مبتلا به سرطان بطور معناداری موثر بوده است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تایید می گردد، از طرفی مشاهده می شود که میزان افسردگی در گروه کنترل از پیش آزمون تا پس آزمون افزایش نیز داشته است، به همین منظور برای بررسی بیشتر از آزمون t وابسته استفاده شد و با توجه به نتایجی که به دست آمد (بزرگتر بودن سطح معناداری از 0/05) مشخص گردید که این افزایش افسردگی در گروه کنترل از لحاظ آماری معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته ها می توان گفت قصه درمانی در کاهش میزان افسردگی کودکان مبتلا به سرطان به طور معناداری موثر بوده است. این یافته پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش هایی که در زمینه قصه درمانی انجام شده همخوان است. از محدودیت های این پژوهش می توان به عدم وجود مرحله پیگیری به علت محدودیت زمانی اشاره کرد. همچنین عدم وجود فضا و امکانات مناسب به منظور برگزاری گروه درمانی در بیمارستان از محدودیت های دیگر این پژوهش است. پژوهش حاضر با دو گروه کنترل و آزمایش انجام شد که پیشنهاد می شود در تحقیقات بعدی با سه گروه شامل یک گروه کنترل و دو گروه آزمایش انجام شود. پیشنهاد می شود پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اینکه کودکان در کدام مرحله درمان هستند و تفکیک آنها از هم انجام شود و نیز بهتر است پژوهشی برای کودکان سرپایی و بستری به صورت مجزا اجرا گردد.

**کلیدواژه ها:** سرطان، افسردگی، قصه درمانی

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴. کارشناس ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

## عوامل مؤثر بر استفاده تربیتی مادران از شبکه‌های اجتماعی:

### مورد مطالعه مادران شاغل در دانشگاه فردوسی مشهد

مجتبی کفاشان کاخکی<sup>۱</sup>، هادی هراتی<sup>۲</sup>، حسن بهزادی<sup>۳</sup>

هدف: شبکه‌های اجتماعی مجازی از سویی به‌عنوان گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی، امکانات تعاملی قابل توجهی را برای کاربران خود فراهم می‌کنند و از سویی دیگر، می‌توانند تحت تأثیر عوامل مختلف بر رفتار کاربران خود تأثیرگذار باشند. از این رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر استفاده تربیتی مادران از شبکه‌های اجتماعی است.

روش‌شناسی: این پژوهش کاربردی بوده و به روش پیمایشی-تحلیلی انجام شده است. جامعه پژوهش شامل مادران دارای فرزند با محدوده سنی ۳ تا ۱۵ سال در دانشگاه فردوسی بود. حجم جامعه مورد مطالعه ۹۱ نفر تعیین شد. با توجه به قابلیت گردآوری داده‌ها از جامعه مورد نظر نمونه‌گیری نشد. از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده تعداد ۸۳ پرسشنامه قابل تحلیل بدست آمد. پس از استخراج برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار تربیتی مادران و بررسی پیوند آن با میزان بهره‌گیری آنها از شبکه‌های مجازی به‌عنوان یک عامل مثبت یا منفی، الگوی مفهومی پژوهش طراحی گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود. روایی پرسشنامه توسط برخی از صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی تأیید شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرون باخ استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری: در این پژوهش ۷ فرضیه طراحی شد که نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده تأیید هر ۷ فرضیه پژوهش بود. بر این اساس، عوامل محیطی، هنجارهای ذهنی و ویژگی‌های فردی بر نگرش به استفاده و نگرش بر قصد استفاده و در نهایت قصد بر استفاده تربیتی مادران از شبکه‌های اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری دارد. همچنین تأثیر عوامل محیطی و ویژگی‌های فردی بر نگرش نیز تأیید شد. افزون بر روابط تدوین‌شده در الگوی پژوهش، مسیرهای جدیدی نیز بین متغیرهای موردنظر پژوهش یافت شد.

**کلیدواژه‌ها:** شبکه‌های اجتماعی، تربیت فرزند، رفتار تربیتی، مادران، دانشگاه فردوسی مشهد

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

## جایگاه مادران در تربیت جنسی فرزندان از منظر الگوی خانواده محور مبتنی بر رشد

فاطمه کمالی حسین زاده<sup>۱</sup>، سید محسن اصغری نکاح<sup>۲</sup>

مقدمه: تربیت جنسی فرزندان یکی از حوزه های فرزندپروری است و مادران نقش کلیدی در این حوزه ایفا میکنند، لیکن جایگاه مادران در برنامه های رایج تربیت جنسی مورد بی توجهی قرار گرفته است و برنامه های رایج بجای تمرکز بر مادران بر کودکان متمرکز شده اند که این مساله نیازمند بازنگری است و مقاله حاضر در پی کاوش این مسایل است که: از منظر الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد سهم و نقش مادران در تربیت جنسی چیست؟ مهارتهای مورد نیاز مادران در تربیت جنسی فرزندان کدام است؟

روش شناسی: روش مقاله حاضر از نوع مروری- تحلیلی و برخاسته از تجارب تربیتی و بالینی است باشد که با بررسی یافته های پژوهشی و دیدگاه های مطرح شده در منابع موجود در حوزه تربیت جنسی به تحلیل و واکاوی مفاد و روش های برنامه ها و دیدگاه های تربیت جنسی پرداخته است.

یافته ها: مطالعه منابع و بررسی یافته های پژوهشی نشان می دهد در دهه های اخیر تربیت جنسی یکی از حوزه های مورد توجه صاحب نظران و دست اندرکاران ( )، برنامه آموزش جنسی و CSE مداخلات روان شناختی و تعلیم و تربیت بوده است و برنامه های مختلفی در سطح بین المللی از جمله برنامه جامع آموزش جنسی ( )، برنامه بهداشت باروری و تربیت جنسی SRE ارتباطی (مورد بررسی قرار گرفت و جست و جو در سطح ملی برنامه های غیر منسجم و دیدگاه ها و (SRHEC) فعالیت های پراکنده و گاه متناقضی در قابل کارگاه های آموزشی تربیت جنسی و کتابها و فعالیت های فوق برنامه گزارش و اجرا شده است که به نوعی در اکثر آنها یا جایگاه مادران مغفول مانده یا سهم بسیار سطحی به مادران داده شده ، لذا لزوم ارایه الگوی مناسب برای تربیت جنسی که به جایگاه مادران توجه ویژه ای داشته باشد ضروری است.

بحث و نتیجه گیری: مادران بیشترین فرصت تعامل را در حساس ترین دوره های رشد کودک دارند و معمولاً فرزندان اولین تجارب مرتبط با تربیت جنسی از جمله در آغوش بودن، لمس شدن، آداب توالیت، حمام کردن، جدایی بستر خواب، بازی های شبه جنسی ، خودکاوی های بدنی، کنجکاوی ها و پرسشگری های جنسی و... را در خانواده و بخصوص همراه مادران تجربه می کنند از طرفی خود مادران نیز در مواجهه با این تجارب نیازمند مهارتهای تربیت جنسی مختلفی هستند و از این بابت لازم است روانشناسان و مربیان جهت رشد جنسی مطلوب در کودکان و مصون سازی از آسیب ها و آزار گری های جنسی بر اساس الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد ، توانمندسازی مادران را در کانون توجه خود قرار دهند و به عبارتی اولویت آموزش و تربیت جنسی را به مادران و سپس به مربیان و متولیان و مراقبان خارج از خانواده و در نهایت به کودکان اختصاص دهند. الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد.

**کلیدواژه ها:** مادر، تربیت جنسی

۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

۲ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی



## وظایف تربیتی پدر و مادر از نظر امام صادق «ع»

صلاح محمدپور<sup>۱</sup>

مقدمه: امام صادق «ع» می‌فرماید: فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد؛ یکی از آن‌ها تربیت اوست (محمدی ری‌شهری، ج ۲، ص ۱۳۴۳). هدف پژوهش حاضر مطالعه وظایف تربیتی پدر و مادر از منظر امام صادق «ع» است.

روش‌شناسی: نوع پژوهش حاضر بنیادی و کیفی و با استفاده از روش اسنادی انجام گرفته است. بدین صورت که وظایف تربیتی پدر و مادر در احادیث و کتب دینی از نظر امام صادق مورد مطالعه گرفته است. پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارتست از: از منظر امام صادق «ع» پدر و مادر؛ در قبال فرزندن خود چه وظایف تربیتی را عهده‌دار هستند؟

یافته‌ها: اهل بیت و به طور خاص امام صادق «ع» عنایت خاصی به آموزش فرزند و بالا بردن سطح درک معرفت او نشان می‌دادند و با رفتار و گفتارشان به جامعه شیوه‌ی درست رفتار با کودک را آموزش می‌دادند؛ از جمله وظایف تربیتی پدر و مادر از منظر امام صادق (ع) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تربیت دینی «گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۲۵)؛ «آموزش نماز» (ابن بابویه، ج ۱، ص ۲۸۰)؛ «آموزش قرآن» (کلینی، ج ۲، ص ۱۳۸)؛ «تشویق به ذکر خدا» (ابن بابویه، ج ۴، ص ۳۲). انتخاب نام نیکو؛ فرزند خود را به بهترین اسم و کنیه نام‌گذاری کن (نوری، ج ۱۵، ص ۱۳۲). محبت و نیکی والدین به فرزندان؛ کودکان تان را دوست بدارید و ... (کلینی، ج ۶، ص ۵)؛ ... به فرزندت نیکی کن (حرّ عاملی، ج ۲۱، ص ۴۸۳). شیوه تربیت صحیح؛ کودک خود را تا هفت سال به بازی رها کن و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده و هفت سال با خود، همدم و همراز ساز (ابن بابویه، ج ۵، ص ۱۷۶). جداسازی بستر کودکان «مراحل مقدماتی تربیت جنسی» خوابگاه میان پسران و دختران و پسر و دختر را در ده سالگی از هم جدا کن (حرّ عاملی، ج ۲، ص ۲۳۱)؛ موقعی که در اطلاق کودکی حضور دارد، با زنان یا کنیزان خود نیامیزید؛ زیرا این عمل طفل را به راه بی‌عفتی و زناکاری سوق می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری: امام صادق «ع» در خصوص سایر وظایف والدین در قبال فرزندان روایاتی فرموده‌اند از جمله: وظایف مادر قبل، حین و بعد باداری، انتخاب شغل، انتخاب همسر و ... بیشتر احادیث امام صادق (ع) در حوزه‌ی تربیتی بوده و این نشانگر اهمیت و ارزش این حوزه می‌باشد. یکی از موارد حساس پرورش فرزند، رعایت عدالت و رفتار صحیح با آنهاست، چرا که رفتار غیر صحیح و ناعادلانه و برتری بعضی از فرزندان به دیگری موج مشکلات فراوانی خواهد شد. در تربیت فرزند باید همه ابعاد تربیتی در نظر گرفته شود. تربیتی صحیح است که حداقل شامل تربیت دینی، اخلاقی، جسمانی و جنسی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** امام صادق «ع»، وظایف پدر و مادر.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز

## جایگاه تربیتی پدر در قرآن

صلاح محمدپور<sup>۱</sup>

مقدمه: هدف پژوهش حاضر مطالعه جایگاه تربیتی پدر در آیات قرآن است.

روش‌شناسی: نوع پژوهش حاضر بنیادی و کیفی و با استفاده از روش اسنادی انجام گرفته است. بدین صورت که جایگاه تربیتی پدر در آیات قرآن مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته است. پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: پدر در آیات قرآن دارای چه جایگاه تربیتی است؟

یافته‌ها: در قرآن کریم تنها در مورد ۴ نفر (نوح«ع»- هود«ع»- ابراهیم«ع»- لقمان) و در آیات ذکر شده زیر به روابط پدر و فرزند از حیث تربیتی اشاره شده است: حضرت یعقوب و فرزندان (یوسف/۹۸-۹۷؛ ۹۲؛ ۱۶؛ ۱۴-۱۱) نیاز فطری فرزندان به بازی‌های سالم- چشم‌پوشی از خطاهای فرزندان. حضرت نوح و فرزندش هود/۴۳-۴۲) تعلیم آداب اجتماعی به فرزند. حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (صافات / ۱۰۲ - ۱۰۱) تعلیم آداب اجتماعی به فرزندان. لقمان حکیم و فرزندش (لقمان/۱۹-۱۳) هدایت اعتقادی فرزندان- تربیت دینی و تعلیم آداب اجتماعی به فرزندان. حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب (با همدیگر) (بقره/۱۳۲-۱۳۱) هدایت اعتقادی فرزندان. قرآن کریم این روابط را در سه مورد اول، به صورت عملی و در مورد چهارمی (لقمان حکیم)، به صورت تئوری و آموزشی گزارش می‌دهد؛ به دیگر سخن، قرآن کریم درباره سه مورد اول از یک جریان و حادثه و چگونگی رفتار بین پدر و فرزند خبر می‌دهد و آموزه‌های تربیتی را در قالب داستان بیان می‌کند، اما در مورد چهارمی (لقمان و فرزندش)، باید‌ها و نبایدها را از بیان لقمان و سفارشات او به فرزندش حکایت می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: تنها مکتبی که قبل از تولد برنامه زندگی ارائه کرده است، اسلام است. اسلام برای تربیت برنامه‌ها و دستورات زیادی جهت تربیت فرزندان و شکوفایی استعداد های وجودی آنان ارائه کرده است که در قرآن و سنت بیان شده است. از آن جایی که خانواده (والدین) مهم‌ترین نقش را در زمینه سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد؛ لذا در دیدگاه اسلامی بر جایگاه خانواده در فرایند تربیت تاکید می‌شود. در این بین نقش پدر در تعلیم آداب اجتماعی، تربیت دینی و هدایت اعتقادی در قرآن بسیار پررنگ شده است. بررسی این آیات در بردارنده تلویحات تربیتی کاربردی نیز می‌باشند از جمله: از بهترین راه‌های تربیت صحیح فرزند، گفتگوی صمیمی با اوست. از رسالت‌های پدر نسبت به فرزند، موعظه است. فرزند، به نصیحت نیاز دارد. با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش. موعظه باید با محبت و عاطفه همراه باشد (تفسیر نور، ج ۹، ص ۲۴۴). والدین نسبت به سرنوشت فرزندان خود مسئولند. همنشینی با کافران، حتی پسر پیامبر را نیز از آئین حق جدا می‌سازد. سالم بودن خانواده به تنهایی کافی نیست، محیط کفرآلود هم مایه بسیاری از انحرافات می‌شود. (تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۲۳). در خانواده گفتگوی پدر با فرزندان، باید عاطفی و محترمانه باشد. برای رشد و شخصیت دادن به فرزندان خود، باید با آنان مشورت کرد و از آنان نظر خواست (تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۴۹).

**کلیدواژه‌ها:** جایگاه تربیتی، پدر، قرآن.

۱ دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز

## جایگاه تربیتی مادر در دین اسلام

شهناز محمدی<sup>۱</sup>، سارا محمدی<sup>۲</sup>

مقدمه: نظام انسانی اگر بخواهد در پرتو تشعشعات رحمانی نظم یابد و مزین به اخلاق و آداب انسانی شود باید جایگاه مادر را بشناسد زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل ثبات اخلاق انسانی چه در عرصه‌ی فردی و چه در جایگاه اجتماعی مادر است. بر این اساس جایگاه مادر و نقش او در تربیت فرزند و در نتیجه تربیت اجتماع در اندیشه‌ی دینی بی‌بدیل احساس است.

روش‌شناسی: این نوشتار به روش تحلیلی-توصیفی نگارش شده و بگونه‌ی تحقیق کتابخانه‌ای تدوین شده است. در نوشتار پیش رو بر آنیم تا با مراجعه به آیات و روایت به شناخت جایگاه تربیتی مادر دست‌یافته و در زمانی که به دلیل هجوم افکار نامناسب غرب، این شأن متزلزل شده است، آن را ارج نهیم. در مقاله حاضر، ابتدا مفهوم و جایگاه تربیت کودک در آموزه‌های اسلام تشریح می‌شود، سپس حقوق کودک در خانواده و نقش مادر در تربیت کودک تبیین می‌گردد و در ادامه ابعاد تربیتی کودک از دیدگاه اسلام، شامل تربیت جسمانی و عقلانی، تربیت دینی و اخلاقی و نیز تربیت اجتماعی کودک تشریح می‌شود.

یافته‌ها: زنان به دلیل ویژگی خاص شخصیتی خود و تفاوت‌های جنسیتی با مردان در زمینه‌های گوناگون، نقش بسیار حساس و مهمی در تربیت انسان دارند. به‌طوری‌که می‌توان گفت خانواده مدرسه عشق است. مادر مرکز محبت و رکن اصلی تربیت و مربی و سازنده عظیم این مدرسه است و پدر عامل اجرای ضابطه و قاعده برای کودک.

بحث و نتیجه‌گیری: اگرچه مادر از آن جهت که مادر است شایسته‌ی تکریم و احترام است اما قطعاً برای آنکه مادر همانی باشد که بهشت زیر پای اوست و همانی باشد که از دامن او مرد به معراج می‌رود باید به وظایف خود در قبال فرزند واقف و عامل باشد و در جهت پرورش مهارت‌های تربیتی برای تربیت مطلوب ابعاد گوناگون رشد کودک گام بردارد؛ که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: - تأمین و رعایت حقوق کودک- احترام به کودک- حفظ شخصیت و توجه به عزت‌نفس کودک- اظهار محبت به کودک- توجه به استقلال‌طلبی کودک- توجه به تربیت جسمانی و عقلانی کودک- درونی کردن ارزش‌های دینی و اخلاقی در کودک- پرورش فطرت راست‌گویی و صداقت در کودک- توجه به تربیت اجتماعی کودک.

**کلیدواژه‌ها:**

---

۱ دانشجوی روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده حقوق، دانشگاه خوارزمی

## معنای زندگی و انگیزش مادر شدن در زنان نابارور

هما محمدی<sup>۱</sup>، محسن دهقانی<sup>۲</sup>، فاطمه باقریان<sup>۳</sup>

مقدمه: باروری، زایمان و صاحب فرزند شدن در مرکز توجه بسیاری از زوج‌هایی است که زندگی مشترک را آغاز می‌کنند و ناباروری از نقاط مهم مولد نگرانی است. یکی از حوزه‌های مؤثر که سهم مهمی در کاهش استرس‌های مرتبط با ناباروری و در نتیجه سلامت روان دارد درک احساس معنی در زندگی است. معنای زندگی یکی از جدی‌ترین مسائلی است که ذهن انسان را به خود معطوف داشته است. بدین منظور، مطالعه حاضر با هدف درک و توصیف معنای زندگی و انگیزش مادر شدن در زنان نابارور صورت گرفته است.

روش: پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی بر مبنای پدیدارشناسی با نمونه‌گیری هدفمند اجرا شد و تا به اشباع رسیدن اطلاعات گردآوری شده ادامه یافت. بدین منظور مصاحبه‌ای نیمه‌ساختاریافته برای ارزیابی مؤلفه‌های معنا از دیدگاه زنان نابارور با مشکل ناباروری اولیه طراحی شد. در نهایت، ۲۱ زن نابارور (بین سن ۲۱ تا ۴۰ سال) فرم اطلاعات فردی را تکمیل کردند و سپس مورد مصاحبه قرار گرفتند. به منظور تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شد.

یافته‌ها: در طی مراحل تحلیل ۲۱ مصاحبه انجام شده، دو مؤلفه اصلی معنای زندگی (اهداف و دلخوشی‌ها) و معنای فرزند (کامل شدن زندگی با بچه، خانواده، آرامش، تغییر زندگی با بچه، ثمره زندگی، دلخوشی زندگی، سرگرمی، شادی، شیرینی زندگی، مسئولیت‌پذیری، معنی زندگی، پر شدن تنهایی با بچه، پر شدن خلأ زندگی با بچه) استخراج شد که هر یک از این دو مؤلفه، مؤلفه‌های فرعی دیگری را در بر دارد. همان‌طور که از نتایج حاصل گردید در بررسی معنای زندگی، داشتن فرزند با قرارگرفتن به عنوان اولویت اول، از اهداف زنان نابارور، بالاترین فراوانی را داشته است. به‌طور کلی پاسخ به پرسش از معنا و پدیده ناباروری، پیرامون مسأله نداشتن فرزند قرار می‌گرفت. می‌توان این گونه استنباط کرد که معنای زندگی از دیدگاه زنان نابارور تحت تأثیر پدیده ناباروری و انگیزه مادر شدن می‌باشد و به عبارتی دیگر میل به داشتن فرزند در راستای هدف و معنای زندگی آن‌هاست. نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه حاضر، معنای زندگی همراه با ناباروری و معنای فرزند را از دیدگاه زنانی که تجربه پدیده ناباروری داشته‌اند روشن ساخته است. همچنین نتایج نشان داد که ناباروری می‌تواند سراسر زندگی زنان نابارور و سلامت روان آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ناباروری، معنای زندگی، معنای فرزند، کیفی، پدیدارشناسی، زنان نابارور، ناباروری اولیه

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

۲. گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی

۳. گروه روانشناسی بکار بسته، دانشگاه شهید بهشتی

## اثر بخشی آموزش مداخلات ترمیمی، بر تحمل ناکامی مادران دارای فرزند اتیسم

مریم مهوش<sup>۱</sup>

هدف از این پژوهش اثر بخشی آموزش مداخلات ترمیمی بر تحمل ناکامی مادران دارای فرزند اتیسم شهر بجنورد بود.

در این پژوهش که از نوع نیمه تجربی بود به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه تحمل ناکامی و آموزش مداخلات ترمیمی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر ۵۰ نفر (۲۵ نفر گروه گواه و ۲۵ نفر گروه آزمایش) از مادرانی که دارای کودک اتیسم بودند، دعوت به عمل آمد. نمونه گیری در این پژوهش از نوع تصادفی ساده انجام شد. در این بررسی از نوع روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل کوواریانس استفاده شد. تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش نشان داد که مداخلات ترمیمی بر تحمل ناکامی رابطه معنا داری وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** مداخلات ترمیمی، تحمل ناکامی، اتیسم.

---

۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، معلم اداره آموزش و پرورش بجنورد

## بررسی ارتباط بین سبک های فرزند پروری مادر و هوش هیجانی نوجوانان

الهام ناجی میدانی

### **Abstract**

**Objective:** The aim of the present study was to investigate the relationship between working mothers' parenting styles and their teenage children's level of emotional intelligence.

**Method:** To this aim, 120 mothers working as school teachers or university instructors were asked to fill out the Baumrind Parenting Styles Inventory (PSI). All these mothers had a teenage child of 13-19 years of age. Schutte's emotional intelligence questionnaire (SSRI) was used to assess the children's emotional intelligence.

**Findings:** The results demonstrated a significantly negative relationship between the authoritarian parenting style and children's emotional intelligence ( $p < .05$ ). However, no significant relationship was found between the authoritative and permissive parenting styles with emotional intelligence, respectively ( $p > .05$ ).

**Keywords:** Parenting style, Mother, Working, Teenage child, Emotional intelligence

## بررسی فرصت‌ها و چالش‌های تربیتی اشتغال مادران

زهرا ناصری<sup>۱</sup>، محمد توکلی<sup>۲</sup>، مطهره توکلی<sup>۳</sup>

اشتغال مادران تاثیر زیادی بر کیفیت زندگی اعضای خانواده بویژه فرزندان دارد و آنان را با فرصت‌ها و چالش‌های زیادی روبرو می‌کند که بر امر مهم تربیت آنان تاثیرگذار می‌باشد. در این پژوهش به روش پیمایشی و استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به بررسی این مسأله پرداخته ایم. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بوده که از بین آنها به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ۳۶۰ نفر انتخاب شده‌اند. پاسخگویان در دو گروه مادر شاغل و غیر شاغل می‌باشند. نتایج نشان داد، اشتغال مادر و تحصیلات مادر بر کیفیت زندگی فرزندان تاثیر دارد. در مدل دیگری تاثیر ویژگی‌های شغلی مادران بر کیفیت زندگی فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج رگرسیون ساده نشان داد که تاثیر همه متغیرهای منتخب معنی‌دار است (متغیرهایی مانند اقتدار مادر، استقلال مادر، فکری بودن و فرهنگی بودن شغل مادر، ساعات کار و سابقه کار مادر، رضایت شغلی مادر، رضایت از اشتغال مادر و فشار نقش مادر). در مدل رگرسیون چندگانه، موثرترین متغیرهای مستقل به ترتیب عبارتند از فشار نقش، استقلال مادر، فکری بودن شغل و اقتدار مادر. در مجموع بعد عینی کیفیت زندگی پاسخگویان مادر شاغل در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد ولی در مقابل پاسخگویان مادر غیر شاغل از نظر بعد ذهنی کیفیت زندگی، در وضعیت بهتری بسر می‌برند و این امر می‌تواند بفرصت‌های تربیتی فرزندان تاثیر گذار خواهد بود. به طور کلی کیفیت زندگی دانش‌آموزانی که مادران آنها شاغل نیستند بهتر از کیفیت زندگی دانش‌آموزانی است که مادران شاغل دارند و این می‌تواند چالش‌های تربیتی را در پی داشته باشد. در میان دانش‌آموزانی که مادران شاغل دارند، کیفیت زندگی کسانی که مادرانشان بیرون از منزل کار می‌کنند مطلوب‌تر بوده است. به طور کلی اشتغال مادر فرصت‌ها و چالش‌های دارد، فرصت‌ها از جمله برخورداری از امکانات مادی بیشتر و... و چالش‌ها از جمله احساس تنهایی و... که بر امر تربیت فرزندان تاثیر گذار می‌باشد که در این پژوهش به بررسی آن می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** فرصت‌ها، چالش‌ها، تربیتی، اشتغال مادران.

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد مقدس

۲. کارشناس الهیات و معارف اسلامی، آموزش و پرورش ناحیه ۱ مشهد مقدس

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و الهیات و تبلیغ، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه السلام

## اثر بخشی کاهش بدگویی مادران مطلقه از پدر در حضور دختران بر کاهش خشم آنان

زینب نسیمی<sup>۱</sup>، حبیب کاظم زاده<sup>۲</sup>

رشد طلاق در سال های اخیر به افزایش تعداد فرزندان طلاق انجامیده است . فرزندان که مسائل و مشکلاتشان از دید بسیاری پنهان مانده است. جدایی والدین بی شک برای اکثر فرزندان، پدیده ای سهمگین به شمار می آید. طلاق هم برای جامعه و هم برای زن و مرد، مشکلات اقتصادی ، روانی، عاطفی و اجتماعی ایجاد می کند و زوج های متارکه کرده را به انزوا می کشاند. البته گسستن پیوند خانواده، به منزله پایان برخی مشکلات است. مشکلاتی همچون مشاهده دائم نزاع های پدر و مادر، رهایی از برخی آسیب ها که در خانواده ی والد با انحرافات اجتماعی ممکن است تجربه کند و ... اما برخی هنوز برای خانواده ی مشکل دار نسبت به خانواده ی درگیر طلاق، ارجحیت قائل هستند. بر این اساس خانواده عنصر مهمی در امنیت و سلامت اجتماعی و روانی فرزندان است و طلاق یک عامل مخرب. هدف از تحقیق حاضر، بررسی اثر بخشی کاهش بدگویی مادر مطلقه از پدر در حضور دختران بر کاهش خشم آنان می باشد. پژوهش حاضر از نوع مطالعات شبه آزمایشی و جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دختران طلاق ناحیه ۴ شهر مشهد می باشد که به روش نمونه گیری در دسترس استفاده می شود. به این صورت که ۲۰ نفر از بین آنها انتخاب شد و به طور تصادفی در دو گروه آزمایشی (۱۰ نفر) و گواه (۱۰ نفر) قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه خشم بود . ۱۶ جلسه ۹۰ دقیقه ای آموزش خانواده به شیوه ی شناختی - رفتاری آموزش داده شد تا مادران ضمن حفظ شان و منزلت خود، بتوانند همسر سابق خود را ببخشند و گذشته را درسی فراروی آینده بدانند. نتیجه بیانگر آن بود که عدم بدگویی مادران از پدران بر کاهش خشم دختران تاثیر مثبت گذاشته است.

---

۱ مشاوره تحصیلی دبیرستان رویش، مشهد

۲ مدیر مدرسه شبانه روزی منطقه تباتکان، مشهد



## طراحی و سنجش اثربخشی برنامه آموزش فرزندپروری "غنی‌سازی تعاملات والد-کودک" بر

### خودکارآمدی والدینی و ارتباط مادر-کودک

الهه وحیدی<sup>۱</sup>، سید امیر امین‌یزدی<sup>۲</sup>، حسین کارشکی<sup>۳</sup>

مقدمه: با توجه به اهمیت دوران کودکی و روابط والد-کودک در پایه‌ریزی شخصیت، سلامت روانی و ظرفیت‌های یادگیری کودکان، پژوهش حاضر با هدف تدوین یک برنامه آموزش فرزندپروری، که هدف اصلی آن غنی‌سازی تعاملات والد-کودک است، و بررسی اثربخشی آن بر خودکارآمدی والدینی و ارتباط مادر-کودک انجام شد.

روش‌شناسی: در یک طرح شبه آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل، ۲۹ زوج مادر و کودک پیش‌دبستانی با نمونه‌گیری در دسترس در دو گروه آزمایش (۱۶ زوج) و کنترل (۱۳ زوج) قرار گرفتند. آزمودنی‌های گروه آزمایش در ۱۲ جلسه گروهی آموزش فرزندپروری شرکت نمودند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه رابطه والد-کودک (پیانتا، ۱۹۹۴) و مقیاس خودکارآمدی والدینی (دومکا و همکاران، ۱۹۹۶) بود.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس نشان داد که برنامه آموزش فرزندپروری، خودکارآمدی والدینی مادران و ارتباط مادر-کودک را به طور معناداری بهبود بخشیده است ( $p < 0.01$ ).

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع نتایج پژوهش از اثربخشی برنامه فرزندپروری طراحی شده توسط پژوهشگران در افزایش خودکارآمدی والدینی و بهبود ارتباط مادر-کودک حمایت نمود.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش فرزندپروری، ارتباط مادر-کودک، خودکارآمدی والدینی

---

۱ کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد  
۲ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
۳ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

آدرس پست الکترونیکی	نویسندگان
hasanbehzadi@um.ac.ir	حسن بهزادی
razmgar.mahsa@gmail.com	مهسا رزم گر
kimiaee@um.ac.ir	سید علی کیمیایی
bigdeli@um.ac.ir	ایمان الله بیگدلی
Poortaheri.f@gmail.com	فروغ پورطاهری
mohsenhoroufi@gmail.com	محسن حروفی فریمانی
fahimehkishavarz@yahoo.com	فهمیه کشاورزی
azadehzafarmand@yahoo.com	آزاده ظفرمند
v.arshadi@um.ac.ir	وحید ارشادی
kafashan@ferdowsi.um.ac.ir	مجتبی کفاشان کاخکی
harati-ha@ferdowsi.um.ac.ir	هادی هراتی
aghamohammadian@um.ac.ir	حمیدرضا آقامحمدیان شعرفاف
malihe-kharaei97@mail.um.ac.ir	ملیحه خاراچی
Moradimahsa94@gmail.com	مهسا مرادی
m.ayati@birjand.ac.ir	محسن آیتی
m.alipour@birjand.ac.ir	محمد علی پور
Mahdi.arkhodi@gmail.com	مهدی ارخودی قلعه نوئی
rezadad.nj@mail.um.ac.ir	نجمه رضاداد
mehrnazrezvianian@gmail.com	مهرناز سادات رضوانیان
dianatizahra@yahoo.com	زهرا دیاننتی پور
Masomeh.zakeri1356@gmail.com	معصومه ذاکری
soltanyayer@gmail.com	نیر سلطانی
a.s.seilaniantououssi@khayyam.ac.ir	علی اصغر سیلانین طوسی
ghagermarzi.s72@gmail.com	سونیا قادرمرزی
asgari-n@um.ac.ir	سیدمحسن اصغری نکاح
fatemeh63kamali@gmail.com	فاطمه کمالی حسین زاده
elhanaji@gmail.com	الهام ناجی میدانی
a.tabatabaei56@gmail.com	اعظم السادات طباطبایی سرشت
z.abedizade@yahoo.com	زهرا عابدی زاده
H.kadkhoda@cfu.ac.ir	حسین کدخدا
Habibifati2015@yahoo.com	سیده فاطمه حبیبی
mamirianzadeh15@gmail.com	مژگان امیریان زاده
maryam_taheri89@yahoo.com	مریم طاهری
mossaviomid@yahoo.com	فاطمه موسوی
hajzadehz@gmail.com	زهرا حاج زاده
Salehi1380@gmail.com	منیره صالحی
Ghavami57@yahoo.com	فاطمه قوامی
msiamakm@gmail.com	مرضیه سیامک